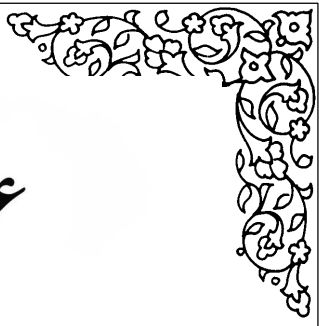
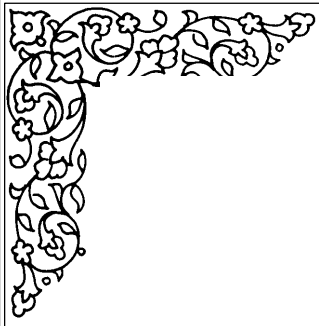




عظمت

زیارت و عزاداری

امام حسین (علیه السلام)

تألیف

سید مرتضیٰ محقق مدنی سستانی

عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام

تألیف: سید مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر: مؤلف

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۱

قطع و صفحه: رقعی / ۲۷۲

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

تلفن مرکز پخش:

۰۲۵۳۲۶۱۳۸۲۳ ۰۹۳۸۶۵۴۲۴۵۹

سایت مؤلف: پایگاه علمی المنجی www.almonji.com

پست الکترونیکی: [Email:info@almonji.com](mailto:info@almonji.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام





فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

بخش اول:

عظمت زیارت امام حسین علیه السلام (۹۲ - ۱۵)

معنای زیارت ۱۷

اهمیت زیارت ۱۸

اجر رسالت جهانی ۲۰

زیارت در ادیان دیگر ۲۱

زیارت منافقین و کفار از نظر قرآن ۲۵

زیارت معصومین علیهم السلام و سایر اولیاء خدا از نظر قرآن ۲۹

زیارت امامان شیعه و عزاداری امام حسین علیه السلام ۳۳

زیارت امام حسین علیه السلام و ثواب آن ۳۴

هدف زائرین از زیارت ۳۸

دو نکته درباره زیارت و تفاوت زائرین از نظر معرفت ۴۰



- ۴۱ زیارت با معرفت به مقام امام حسین علیه السلام
- ۴۳ روایت جالبی درباره معرفت اهل بیت علیهم السلام
- ۴۵ دعای امام صادق علیه السلام برای زائرین حضرت امام حسین علیه السلام
- ۴۷ توجه شدید به امام حسین علیه السلام
- ۴۸ کلامی از مرحوم شیخ جعفر شوشتری در عظمت زیارت امام حسین علیه السلام
- ۴۹ یک نمونه مهم از زائرین با معرفت
- ۵۱ یک نمونه مهم از آثار زیارت با معرفت
- ۵۴ گرفتن کاغذ برای چاپ الغدير
- ۵۵ علامه امینی از نظر آقا بزرگ تهرانی
- ۶۰ آثار عجیب محبت خدا
- ۶۲ برداشت مهمی از قرآن
- ۶۲ درباره عظمت حرم‌های معصومین علیهم السلام
- ۶۲ صندوق یهودیان
- ۶۷ صندوق‌های مطهر شیعیان
- ۶۹ حرم‌های پاک و مطهر اهل بیت علیهم السلام
- ۷۱ تحقیقی مهم و خواندنی
- ۷۴ حاکمیت معنوی در حرم امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام
- ۷۶ یک نکته قابل دقت
- ۷۷ ویروس چند ساعت روی سطوح دوام می‌آورد؟
- ۷۸ خاصیت ضد میکروبی نقره
- ۸۰ نتیجه‌گیری از آنچه گفتیم
- ۸۴ خاطره‌ای از طاعون در شام



- ۸۷ وبا در ایران و نقش اضطراب و وحشت مردم در مرگ آنها
- ۸۸ افکار خوب و سازنده
- ۸۹ ایجاد امید و اطمینان به جای ترس و دلهره

بخش دوم:

عظمت عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) (۲۲۴ - ۹۳)

- ۹۵ عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) قبل از خلقت آن حضرت
- ۹۷ قرآن و گریه آسمان و زمین
- ۱۰۰ گریه آسمان و زمین برای امام حسین (علیه السلام)
- ۱۰۳ سابقه طولانی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)
- ۱۰۷ ۱ - عزاداری رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
- ۱۱۴ امام حسین (علیه السلام) یا باب نجات امت
- ۱۱۵ ضجه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای امام حسین (علیه السلام)
- ۱۱۷ ۲ - عزاداری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا
- ۱۲۱ توضیحی درباره کلام امام حسین (علیه السلام)
- ۱۲۲ سلام امام حسین (علیه السلام) و پیام آن حضرت به شیعیان در روز عاشورا
- ۱۲۳ دقت در دو نکته
- ۱۲۶ ۳ - عزاداری امام سجّاد (علیه السلام) برای امام حسین (علیه السلام) هنگام دفن آن حضرت
- ۱۳۰ ۴ - مجلس عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ایام محرم در منزل امام رضا (علیه السلام)
- ۱۳۵ کعبه و کربلای امام حسین (علیه السلام)
- ۱۳۶ صحنه‌های مجسم کربلا؛ نیزه شکسته‌های روز عاشورا را پیدا کردیم
- ۱۳۷ وقتی آب در حرم امام حسین (علیه السلام) به مرخصی می‌رود



- اشک اجازه ورود به حرم امام حسین علیه السلام ۱۳۹
- اشک یک راه کلیدی و بسیار مؤثر ۱۳۹
- اشک یا اکسیر اعظم ۱۴۰
- درود خدا بر گریه کنندگان امام حسین علیه السلام ۱۴۱
- فرمایش مهم امام صادق علیه السلام درباره اشک و بی تابي برای ائمه علیهم السلام ۱۴۵
- توضیحی درباره فرمایش امام صادق علیه السلام ۱۴۸
- به صورت کوبیدن و سینه زدن در کلام اهل بیت علیهم السلام ۱۴۹
- ۱- سینه زنی عزاداران ۱۵۰
- ۲- لطم زنی عزاداران ۱۵۲
- توجه به یک نکته مهم در انواع عزاداری ها ۱۵۴
- شور و هیجان در اقامه ۱۵۶
- مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام ۱۵۶
- عزاداری همه موجودات برای امام حسین علیه السلام ۱۶۰
- یک جریان جالب و بسیار مهم ۱۶۲
- آغاز ماجرای بسیار عجیب! ۱۶۵
- جریانات قبل از وقوع حادثه ۱۷۵
- جریانات هنگام وقوع حادثه ۱۷۶
- جریانات بعد از وقوع حادثه ۱۷۷
- نتیجه توهین به امام حسین علیه السلام و به عزاداری برای آن حضرت ۱۷۹
- گریه دشمنان امام حسین علیه السلام برای آن حضرت در روز عاشورا ۱۸۷
- نصیحت های حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در روز عاشورا ۱۸۸
- گریه لشکریان یزید بر اثر نصیحت های حضرت ابوالفضل علیه السلام ۱۹۰



- ۱۹۱ شدت عطش در روز عاشورا
- ۱۹۲ چرا افرادی که گریه کردند دو مرتبه از شمر و سنان پیروی نمودند
- ۱۹۳ اهمیت شرکت در مجالس عزاداری
- ۱۹۷ نقش تفکر در مصائب اهل بیت علیهم السلام در عالم
- ۱۹۹ معرفت در عزاداری
- ۱۹۹ عزاداری با توجه به امر عظیم شهادت و اندیشه درباره آثار آن در عالم
- ۲۰۳ مهمترین مجلس عزاداری چگونه مجلسی است!
- ۲۰۳ ۱- عموم مجالس عزاداری مورد توجه هستند
- ۲۰۴ ۲- مجالسی که مورد توجه و عنایت خاص هستند
- ۲۰۷ ۳- مجلس عزاداری در حضور اهل بیت علیهم السلام
- ۲۰۸ مجلس عزاداری در محضر امام حسین علیه السلام
- ۲۱۱ عزاداری یا جایگزین زیارت
- ۲۱۶ اقامه مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و خدمت‌گزاری در آنها
- ۲۱۶ آل بویه و عزاداری امام حسین علیه السلام
- ۲۱۷ پیشگویی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آل بویه

بخش سوّم:

مخالفت با زیارت و عزاداری (۲۷۲- ۲۲۵)

- ۲۲۷ مخالفت با زیارت و عزاداری
- ۲۲۸ گزارش منابع تاریخی درباره مخالفت با عزاداری امام حسین علیه السلام
- ۲۲۹ از سوزاندن شیعیان در عزاداری محرم تا کشتار آنان در زیارت اربعین
- ۲۳۰ اربعین‌های خونین در عراق معاصر



- ۲۳۴ کشتار شیعیان در جشن‌ها و موالید ائمه علیهم‌السلام
- ۲۳۶ ازدحام شیعیان با پای پیاده به سوی نجف در عید غدیر
- ۲۳۷ نکته‌ای که قلب شیفتگان مقام ولایت را جریحه دار می‌کند
- اعترافات شاهزاده سعودی درباره خرج‌های میلیاردی دلاری برای
- ۲۳۸ نابودی شیعیان
- ۲۴۰ فتاوی قتل و کشتار
- ۲۴۵ عزاداری امام حسین علیه‌السلام و سازمان سیا آمریکا
- ۲۴۶ طرح شوم سازمان سیا علیه تشیع و عزاداری
- ۲۴۹ آثار عزاداری
- ۲۵۱ جهانی شدن تشیع بر اثر عزاداری و زیارت اربعین
- ۲۵۱ واتیکان اعلام کرد؛ گرایش به اسلام از سایر ادیان بیشتر است
- ۲۵۲ آماری از شیعیان جهان
- ۲۵۳ کتابخانه «واتیکان» و امام حسین علیه‌السلام
- ۲۵۵ تمثال تمام قد از امام حسین علیه‌السلام در سازمان سیا!
- ۲۵۷ امام حسین علیه‌السلام باب نجات امت هستند
- ۲۵۸ به این مطلب توجه کنید
- ۲۶۰ اعتراف دشمنان به شکست نهایی خود
- ۲۶۰ آغاز ظهور با یاد امام حسین علیه‌السلام
- ۲۶۹ توجه به یک نکته حیاتی یا راز پیام امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا به شیعیان



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

در میان دستورات دینی، وظیفه‌هایی وجود دارد که بیش از برنامه‌های دیگر، در تحوّل انسان‌ها و شکست شیاطین تأثیر دارد و دوستداران و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانند با انجام دادن آن‌ها کمر شیاطین را بشکنند. به این جهت شیفتگان و شیعیان خاندان وحی علیهم‌السلام باید با آن‌ها آشنا باشند و با انجام دادن آن‌ها تقرّب خود را به خداوند و آل الله افزایش دهند.

در میان دستورات و فرمان‌های اهل بیت علیهم‌السلام دو عنوان از آن‌ها تأثیر بسیار فراوانی در تقرّب به خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام دارد؛ یکی زیارت و دیگری عزاداری امام حسین علیه‌السلام، در صورتی که آن دو همراه با معرفت انجام شوند.

زیارت و عزاداری امام حسین علیه‌السلام برای زائران و عزاداران قدرت معنوی ایجاد می‌کند، و نیروی اراده آنان را تقویت می‌نماید، و برای آنان شخصیتی ایجاد می‌کند که از مقرّبان درگاه



الهی می‌شوند.

آنچه گفتیم در صورتی واقع می‌شود که دوستداران و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام از چگونگی زیارت و عزاداری بزرگان شیعه برای امام حسین علیه‌السلام آگاه باشند و بدانند زیارت‌های آنان چگونه بوده و عزاداری‌هایی که بزرگان شیعه انجام داده‌اند و به سبب آن‌ها به مراحل عالی روحی و معنوی دست یافته‌اند چگونه بوده است.

از تحقیق و جستجو در روایات و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین در رفتار، کردار و زندگی بعضی از بزرگان شیعه، چنین استفاده می‌کنیم که زیارت‌ها و عزاداری‌های مهمی که آنان با معرفت انجام داده‌اند نقش بسیار مهمی برای رسیدن آنان به مراحل عالی علمی و معنوی داشته است.

اگر دوستداران و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام، زیارت‌ها و عزاداری‌های خود را همچون بزرگان خود انجام دهند و آنچه را آنان در زیارت‌ها و عزاداری‌ها رعایت کرده‌اند، عموم دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام هم، همچون بزرگان خود انجام دهند، بدون تردید حالات و مقاماتی که بزرگان شیعه به آن مراحل راه یافته‌اند، آنان نیز آن حالات را به دست می‌آورند و از زیارت‌ها و عزاداری‌ها چنان بهره‌مند می‌شوند که همچون بزرگان خود از نعمت تقرب به درگاه الهی برخوردار می‌شوند و در نتیجه مورد توجه خاص اهل



بیت علیه السلام قرار می گیرند.

بدیهی است هر چه با رسوم و شرایط زیارت و عزاداری برای اهل بیت علیه السلام بالاخص حضرت امام حسین علیه السلام بیشتر آشنا باشیم، تأثیر آن‌ها در ما بیشتر می شود و تحوّل در ما با سرعت بیشتری انجام می گیرد.

و هر چه معرفت انسان در زیارت و عزاداری بیشتر باشد سایر وظیفه های دینی را بهتر انجام می دهد.

اگر از صدر اسلام تاکنون، مخالفان به مخالفت با زیارت و عزاداری پرداخته اند و هر روزی بهانه ای را برای کار خود عنوان کرده اند، به خاطر این است که می دانند تا دوستداران اهل بیت علیه السلام از زیارت آن خاندان و عزاداری برای آن بزرگواران دست برندارند، از آنان دور نخواهند شد؛ بلکه به وسیله زیارت و عزاداری تا مرز فداکاری پیش می روند و مال و جان خود را فدای آنان می کنند و در نتیجه نقشه های شیطانی مخالفین را نقش بر آب می سازند.

چون مخالفان می خواهند مردم را از اهل بیت علیه السلام دور سازند و دین را به نابودی کشانده و از اندیشه حکومت جهانی آنان بازدارند، به این جهت به هر عنوان که بتوانند علیه زیارت و



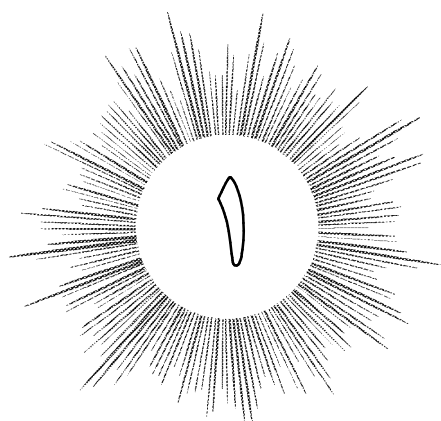
عزاداری دوستداران اهل بیت علیهم السلام نقشه می کشند.

ما در این کتاب - تا حدودی - به بیان «عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام» می پردازیم و نکاتی را درباره علّت ممانعت و مخالفت مخالفان با آن دو، بیان می کنیم.

اگر چه این کتاب درباره عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام نوشته شده، اما گاهی به مناسبت، درباره زیارت و عزاداری سایر اهل بیت علیهم السلام نیز سخن گفته ایم.

اگر ما از «عظمت زیارت و عزاداری» آگاهی داشته باشیم و به آن عمل کنیم، می توانیم پر و بال سوخته و شکسته خود را اصلاح نموده و در مسیر مردان خدا قدم بگذاریم؛ به خدا نزدیک شویم و مورد توجه اهل بیت علیهم السلام قرار گیریم و به آنان خدمت کنیم.

مرتضی مجتهدی سیستانی



عظمت زیارت

امام حسین علیہ السلام



عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام





معنای زیارت

زیارت در لغت به معنای میل و قصد (آهنگ) چیزی یا شخصی است و در عرف، زیارت کسی، عبارت است از آمدن نزد او به قصد تکریم و تعظیم و انس گرفتن با وی.^۱

زیارت معصومین علیهم السلام و غیر آنان با حضور در محل دفن آنان به قصد گرامی داشت ایشان و سلام دادن بر آنان تحقق می یابد. علاوه بر آن به زیارت معصومان علیهم السلام از راه دور و نیز زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه با توجه کردن و سلام دادن به ایشان زیارت اطلاق شده است. به زیارت کننده «زائر»، به زیارت شونده «مزور» و به زیارت و نیز مکان و محل دفن مزور «مزار» گویند؛ چنان که به کلماتی که معصومان علیهم السلام بدانها زیارت می شوند، همچون زیارت جامعه

۱. المصباح المنیر و مجمع البحرین، واژه «زور».



کبیره و عاشورا، «زیارت» اطلاق می‌شود.^۱

اهمیت زیارت

زیارت یک منبع بسیار مهم برای حل مشکلات مادی و همچنین راه یافتن به حیات معنوی و گشوده شدن راه‌های بسته شده روحی است. انسان‌ها می‌توانند با انجام زیارت‌ها قلب تیره خود را صفا بخشیده و با فاصله گرفتن از عالم ظلمانی به عالم نور و روشنایی راه یابند. زیارت چنان در اعماق وجود زائران اثر می‌گذارد که آن‌ها را به خداوند نزدیک نموده و مقرب درگاه اهل بیت علیهم‌السلام می‌نماید.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

الزيارة تنبت المودة^۲

زیارت، مودت را در وجود انسان می‌رویاند.

با توجه به معنای مودت، اهمیت زیارت آشکار می‌شود؛ زیرا مودت، به معنای محبت شدیدی است که انسان را به شخصی که محبوب اوست مقرب و نزدیک می‌کند. چون مودت انسان را به محبوب نزدیک می‌کند، خداوند اجر

۱. فرهنگ فقه فارسی: ۳۲۶/۴.

۲. بحار الانوار: ۳۵۵/۷۴.



رسالت رسول خدا ﷺ را «مودّت» قرار داده و فرموده است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۱

«بگو در برابر رسالت اجری از شما نمی‌خواهم مگر مودّت ذوی القربی را».

از آنچه گفتیم چنین نتیجه می‌گیریم که می‌توانیم با زیارت نمودن اهل بیت علیهم السلام مودّت را که اجر رسالت است در وجود خودمان ایجاد نموده و افزایش دهیم؛ زیرا معنای جمله - تنبّت المودّة - در روایت، رویاندن مودّت است که در صورت وجود مودّت، زیارت سبب رشد و افزایش آن می‌شود.

پس با زیارت اهل بیت علیهم السلام می‌توانیم مودّت آن بزرگواران را در خودمان ایجاد نموده و آن را افزایش دهیم.

بنابراین یکی از راه‌های به ثمر رساندن اجر رسالت که مودّت است، زیارت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

بدیهی است که زیارت باید به گونه‌ای واقع شود که به وسیله آن محبّت شدید اهل بیت علیهم السلام در قلب زائر جای گیرد.

با توجّه به عظمتی که زیارت اهل بیت علیهم السلام دارد، باید قدر این نعمت بزرگ را دانسته و با حضور در حرم آن بزرگواران، مودّت و محبّت شدید آنان را در قلب خود جای دهیم، و به این صورت

۱. سورة شوری، آیه ۲۳.



آماده برای حکومت الهی آن بزرگواران باشیم و از دل و جان برای هر چه زودتر فرا رسیدن دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دعا کنیم؛ تا اجر رسالت جهانی پیغمبر اکرم ﷺ سراسر جهان را فرا گیرد.

اجر رسالت جهانی

بر همه مردمان جهان لازم است اجر رسالت پیامبر اکرم ﷺ را اداء کنند، زیرا دین اسلام، آیین جهانی است و بر همه مردمان جهان لازم است به آن ایمان آورند. و چون مودّت ذوی القربی و معصومین ﷺ اجر رسالت پیغمبر اکرم ﷺ است، پس مودّت ذوی القربی بر جنّ و انس لازم می‌باشد و در حکومت الهی حضرت بقیة الله الاعظم ارواحفاده که دین اسلام جهانی می‌شود و هیچ دینی از ادیان جهان باقی نمی‌ماند، همه مردمان جهان اجر رسالت را ادا نموده و همگان محبت شدید و مودّت اهل بیت ﷺ را پذیرا می‌شوند.

همانگونه که می‌دانیم مراسم میلیونی اربعین و پیاده روی‌های شیعیان - که بسیاری از پیروان ادیان دیگر به آنها می‌پیوندند - نام امام حسین ﷺ را جهانی کرده است.

و آغاز پذیرش جهانی مودّت اهل بیت ﷺ به جهت آشنایی جهانیان با حضرت امام حسین ﷺ است؛ زیرا قبل از ظهور امام



زمان عجل الله تعالی فرجه مردم جهان با نام حضرت امام حسین علیه السلام آشنا شده و از مظلومیّت و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران بزرگوارشان آگاه هستند، و در نتیجه در آغاز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه با معرفّی خودشان که منتقم خون امام حسین علیه السلام هستند مردم جهان را با شخصیّت خود آشنا می سازند. و سرانجام با تسخیر جهان، مردم سراسر عالم به پذیرش اسلام و آگاه شدن از حقائق آن، مودّت و محبّت شدید خاندان وحی علیهم السلام را در قلب خود جای می دهند.

زیارت در ادیان دیگر

لازم است این نکته را بدانیم که زیارت در ادیان دیگر مرسوم است، و اختصاص به شیعه ندارد و پیروان ادیان و مذاهب دیگر نیز به زیارت بزرگان خود می روند. بنابراین کسانی که با زیارت مخالف هستند، در واقع با پیروان همه ادیان و مذاهب مخالفت می کنند.

«زیارت در همه ادیان و مذاهب وجود دارد، فقط شکل آن و اماکن و اشخاصی که زیارت می شوند فرق می کند، ولی نقش حضور در مکان های مقدّس و نوعی احترام در آنجاها عمومی و جهانی است، در دائرة المعارف مصاحب می نویسد:

در این مقاله می بینیم که از زیارت میان بابلیان قدیم و رسوم و



تشریفات آنان بحث می‌کند، و آداب سفر زیارت را و رسم‌هایی که در داخل زیارتگاه اجرا می‌شود - و خالی از جنبه‌های اخلاقی و روحانی نمی‌باشد - شرح می‌دهد.

در باب زیارت اقوام آشور و بابل به ایام زیارتی و داستان‌های زیارت اماکن مقدّسه بر می‌خوریم، و در می‌یابیم که در دو هزار سال قبل از میلاد مسیح در شهرهای «اور»، «نی پور»، «سوسا» و «آنسا» زیارتگاه‌های بزرگی بوده است.

مسأله وقتی در دین بودا مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد جنبه احترام و تقدّس آن به روشنی معلوم می‌گردد؛ زیرا در بودائیسیم زیارت اماکن مقدّسه و بودا و پیشوایان مذهبی جنبه پرستش آفریدگار ندارد، بلکه فقط به عنوان احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می‌شود. زیارتگاه‌های بزرگ در چین، تبت، سیلان، هند، برمه و کره همگی از گسترش و عمومیت زیارت حکایت می‌کند. شگفت آور آنکه در هند رودهایی است که مردم نسبت به آن‌ها احترام قائلند و با آن‌ها راز و نیاز می‌کنند مانند رود گنگ^۱ و برهماپوترا^۲.

اما نباید گمان شود که سنت زیارت تنها به کشورهای آسیائی یا

۱. Gang .

۲. Brahmaputra .



نژادهای خاص اختصاص دارد، زیرا یکی از آداب مذهبی مهم در مسیحیت زیارت اماکن مقدسه می باشد. اولین زیارتگاه مسیحیان فلسطین بود. در قرون وسطی کاروانهای عظیمی از قلب اروپا برای زیارت بیت المقدس^۱ به راه می افتادند که با شدائد و مشکلات مسافت زیادی را طی می کردند تا خود را به اورشلیم برسانند.

اگر دقیقاً به فلسفه زیارت مقابر و اماکن مقدسه در دنیای مسیحیت توجه شود در می یابیم که هم اکنون دنیای به اصطلاح متمدن نه تنها خود را بی نیاز از زیارت نمی داند، بلکه فطرتاً ستایش و زیارت قبور مقدس را برای تشفی آلام دنیوی ضروری می داند. جایی که انسان خالی از گرفتاریهای تمدن جدید بتواند با کسی راز و نیاز کند و «درد دل» خویش را با او در میان نهد و چون

۱. بیت المقدس Jerusalem یا قدس یا اورشلیم Ursalim (عبری = شهر سلامتی)، در مرز اسرائیل و اردن هاشمی است. در ادبیات یهودی و مسیحی غالباً از آن به نام صهیون Sehyun یاد می شود. بیت المقدس در نزد مسلمانان و یهودیان و مسیحیان هر سه مقدس و زیارتگاه است... از زیارتگاههای مسلمانان قبة الصخره و مسجد الاقصی است. دیوار ندبه در نزد یهودیان مقدس است. مسیحیان مخصوصاً کلیسای قبر مقدس را تقدیس می کنند. کلیساها و زیارتگاههایی که هر یک یادگار یکی از حوادث مذکور در کتاب قدس یا قدیسین است در اورشلیم فراوان است. اورشلیم لااقل از قرن ۱۵ ق م سابقه دارد... (خلاصه و گزیده ای از دائرة المعارف مصاحب).



دوستی خالص بی ریا مکنونات قلبی خود را بیان نماید.

درک این واقعیت و نیاز فطری باعث شده است که در کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا زیارتگاه‌های بزرگ که هر یک به نام خاصی معروفند وجود داشته باشد. رم که پس از بیت المقدس بزرگترین زیارتگاه‌های مسیحیت را در خود جا داده همه ساله زائران بی شماری را به خود جلب می‌نماید، که با نذر و نیازها و اوراد و دعا‌های خاص شکل ویژه‌ای به زیارت می‌دهند.

پیچیده‌ترین شکل زیارت در مذهب هندو می‌باشد، که از آداب و تشریفات خاص برخوردار است. هندو برای زیارت حتماً باید قبل از زیارت بدن را شستشو داده غسل کرده باشد، و تمیز و پاک به زیارت برود، زائر بایستی گل یا گلاب همراه داشته باشد که در موقع زیارت با نثار گل فضای زیارتگاه را عطرآگین نماید. نقاط مختلف زیارتگاه با آئینه‌های بلند شفاف - که پرتو شمع‌ها در آن زیبایی خاصی به وجود آورده - تزیین شده است. فضای زیارتگاه با بوهای خوش مُشک و عنبر، عود و کندر پر شده است. زائر بایستی حتماً هنگام زیارت با سر پوشیده یا بهتر بگوئیم با حجاب وارد زیارتگاه شود. این عمل درباره زنان در هر سن و سالی که هستند الزامی است ولی مردان می‌توانند از همان گل‌هائی که نثار



می شود طوقی بر گردن اندازند یا دسته‌ای بر سر نهند.»^۱

نتیجه مطالبی که نقل کردیم این است که زیارت، اختصاص به شیعه ندارد و در ادیان و مذاهب دیگر نیز وجود دارد. پس مخالفت با اصل زیارت، مخالفت با همه ادیان و مذاهب است. اکنون ببینیم آیا از نظر قرآن کریم هر گونه زیارتی جایز است یا نه؟

اگر جایز نیست، زیارت چه کسانی جایز و پسندیده است.

زیارت منافقین و کفار از نظر قرآن

چون زیارت از نزدیک به معنای دیدار شخص یا حضور در نزد قبر کسی برای بزرگداشت، احترام و تکریم اوست؛ حضور در کنار قبر کفار و مخالفان و زیارت نمودن آن‌ها جایز نیست همانگونه که نماز خواندن بر جنازه منافقان و کافران حرام است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ

إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ...﴾^۲

هرگز بر مرده آنان نماز نخوان و در کنار قبرش نایست، زیرا

۱. شوق دیدار: ۲۹، از دائرة المعارف مصاحب.

۲. سورة توبه، آیه ۸۴.



آن‌ها به خدا و رسولش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند،
مردند.

یوسف بن ثابت درباره این آیه شریفه از امام صادق علیه السلام روایت
می‌کند:

عَنْ أَبِي أُمَيَّةَ يُونُسَ بْنِ ثَابِتِ بْنِ أَبِي سَعِيدَةَ، عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ النَّهَارَ
وَقَامَ اللَّيْلَ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
لَلْقِيَهُ وَهُوَ عَنْهُ غَيْرُ رَاضٍ أَوْ سَاخِطٍ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ وَذَلِكَ
قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا
وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ
فَاسِقُونَ﴾ * وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ
كَافِرُونَ ﴿١﴾.

ابو امیه یوسف بن ثابت بن ابی سعیده از امام صادق علیه السلام
روایت می‌کند: ... فرمود: «به خدا قسم! اگر مردی روز را روزه
بدارد و شب را به عبادت به سر برده سپس خدای عزوجل را
بدون ولایت و دوستی ما خاندان دیدار کند، در حالی او را
دیدار کرده که از او خشنود نیست و بلکه بر او خشمناک



است». سپس فرمود: «و این است گفتار خدای عزوجل: هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، [برای دعا و طلب آمرزش] نایست! چرا که آن‌ها به خدا و رسولش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند! مبدا اموال و فرزندان‌شان، مایه شگفتی تو گردد! [این برای آن‌ها نعمت نیست بلکه] خدا می‌خواهد آن‌ها را به این وسیله در دنیا عذاب کند، و جان‌شان برآید در حالی که کافرند!¹»

حنان بن سدید این روایت را در پیرامون آیه شریفه ﴿وَلَا تَصَلُّ...﴾ از امام باقر (ع) نقل کرده است:

تَوَفَّى رَجُلٌ مِنَ الْمُتَنَافِقِينَ فَأَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَيْهِ ابْنَهُ: إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَخْرُجُوا فَأَعْلِمُونِي. فَلَمَّا حَضَرَ أَمْرَهُ أَرْسَلُوا إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ نَحْوَهُمْ حَتَّى أَخَذَ بِيَدِ ابْنِهِ فِي الْجِنَازَةِ فَمَضَى قَالَ فَتَصَدَّقْ لِي بِعُمَرٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَا نَهَاكَ رَبُّكَ عَنْ هَذَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا أَوْ تَقُومَ عَلَى قَبْرِهِ؟ فَلَمْ يُجِبْهُ النَّبِيُّ ﷺ. قَالَ: فَلَمَّا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَنْتَهَوْا بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَ عُمَرُ أَيْضًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَمَا نَهَاكَ اللَّهُ عَنْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا أَوْ تَقُومَ عَلَى قَبْرِهِ ذَلِكَ

۱. تفسیر اهل بیت (ع): ۶/۲۷۶، از کافی: ۸/۱۰۷.



بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ. وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ؟ فَقَالَ
النَّبِيُّ ﷺ لِعُمَرَ عِنْدَ ذَلِكَ: مَا رَأَيْتَنَا صَلَّيْنَا لَهُ عَلَى
جَنَازَتِهِ وَلَا قُمْنَا لَهُ عَلَى قَبْرِهِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ ابْنَهُ رَجُلٌ مِّنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَكَانَ يَحِقُّ عَلَيْنَا أَدَاءَ حَقِّهِ. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ:
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَسَخَطِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

حنان بن سدير، از پدرش، از امام باقر عليه السلام روایت است که؛
مردی از منافقان از دنیا رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنبال
پسرش فرستاد و فرمود: «هرگاه خواستید برای تشییع جنازه
بیرون آیید، به اطلاع من برسانید». هنگامی که زمان تشییع
جنازه‌اش فرا رسید، به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادند. ایشان
به سوی آنان آمد تا اینکه دست پسرش را در تشییع جنازه
گرفت و حرکت کرد. عمر راه را بر او بست و گفت: «ای رسول
خدا! مگر پروردگارت تو را از این کار نهی نکرده است که بر
جنازه کسی از آنان نماز بخوانی یا بر سر قبرش حاضر
شوی؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله به وی جوابی نداد. عمر قبل از رسیدن
به قبر، باز هم به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: «مگر خدا شما را از
نماز گزاردن بر مرده آنان یا حضور بر سر قبرشان نهی نکرده
است؟ آن‌ها به خدا و پیامبرش کافر شدند.» و مردند در حالی
که کافر بودند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، به عمر فرمود: «تو ما را در
حال نماز بر جنازه‌اش و بر سر قبرش ندیدی». سپس فرمود:
«پسرش مردی از مؤمنان است و شایسته بود که حقش را ادا



کنیم». پس عمر گفت: «به خدا پناه می‌برم از خشم خدا و خشم تو، ای رسول خدا».^۱

عمر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتراض کرد و به آن حضرت ایراد گرفت؛ ولی چون اعتراضش درست نبود رسول خدا صلی الله علیه و آله به او اعتناء نکرده و به او پاسخ ندارد؛ اما چون دو مرتبه اعتراض کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: تو ما را در حال نماز خواندن بر جنازه او و بر قبر او ندیدی.

یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار فرزند آن میّت که از مؤمنین بوده قرار گرفته بودند نه در کنار قبر آن میّت که از کفار بوده است، بنابراین عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگداشت و ادای حقّ آن فرد مؤمن بوده نه پدرش که از کفار بوده است.

زیارت معصومین علیهم السلام

و سایر اولیاء خدا از نظر قرآن

همانگونه که دیدید آیه شریفه: ﴿وَلَا تُضِلُّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ...﴾^۲ صریحاً دلالت می‌کند که خداوند از نماز خواندن بر کفار و ایستادن کنار قبور آنان نهی کرده است. مفهوم آن این

۱. تفسیر اهل بیت علیهم السلام: ۲۷۸/۶.

۲. سوره توبه، آیه ۸۴.



است که نماز خواندن و یا رفتن کنار قبر مؤمنین بالاخص معصومین علیهم السلام مورد نهی خداوند نیست، بلکه جایز و پسندیده است و به دلالت ادله دیگر زیارت اولیاء خدا از شعائر دین است. بعضی از علماء کلمه «لا تصلّ» در آیه شریفه را به معنای نماز نخوان ترجمه نکرده‌اند و گفته‌اند مقصود از «ولا تصلّ» یعنی کنار قبر کفار صلوات و درود نفرست؛ بنابراین مفهوم آیه شریفه این است که مقصود از صلاة در کنار قبور مؤمنین، مطلق طلب رحمت است نه خصوص نماز میت، برای روشن شدن مطلب به این گفتار توجه کنید:

«رفتن به قبرستان و ایستادن بر سر قبر مؤمنین و صلوات فرستادن بر آنان، یعنی طلب رحمت از خدا برای آنان، با دلالت قرآن، جزء سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، زیرا در آیه شریفه: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ﴾^۱ آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را از این کار در خصوص منافقین نهی می‌فرماید که معلوم می‌شود سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص مؤمنین ایستادن بر سر قبر آنان و دعاء و صلوات فرستادن بر آنان بوده است. اگر کسی بگوید که منظور از ایستادن بر سر قبر، همان ایستادن در مقام دفن

۱. «و هیچ‌گاه به نماز میت آن منافقان حاضر مشو و بر (جنازه و) قبر آنها (به دعا) نایست»؛ توبه: ۸۴.



است نه ایستادن بعد از دفن برای زیارت؛ در جواب می‌گوییم:
 «وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» مطلق است، و تقیید و تخصیص
 دلیل می‌خواهد.

ثانیاً: جمله «وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» به جهت (واو) عاطفه لفظ «ابداً»
 برای آن مقدر شده و معنایش چنین می‌شود: (ابداً بر سر قبر او
 نایست)، یعنی در هیچ زمانی نایست. پس ایستادن به جهت
 زیارت بعد از دفن (چنانچه مرسوم است در هفته یک مرتبه یا در
 اربعین میّت یا سر سال یا سایر اوقات) را نیز شامل می‌شود.
 چنانچه اگر کسی به غلام خود بگوید: «لا تطعم زیداً ابداً ولا تسقه»
 معنای آن به حکم (واو) عاطفه چنین می‌شود: «ولا تسقه ابداً»
 یعنی: (هرگز زید را طعام مده و هرگز او را سیراب مکن در هیچ
 زمانی). شاید برای همین دو جهت که ما گفتیم، در تفسیر جلالین
 در توضیح آیه شریفه گفته است: «خواه برای دفن خواه برای
 زیارت (نایست)»^۱ و نیز، همان طور که منظور از قیام، مطلب
 ایستادن است منظور از صلوات، طلب رحمت است نه خصوص
 نماز میّت، زیرا اگر تنها نماز میّت مراد باشد، لفظ «ابداً» لغو
 می‌شود به دلیل اینکه بدیهی است نماز میّت یک مرتبه است و در

۱. الجلالین: ۲۶۶، ضمن تفسیر آیه ۸۴ توبه.



تمام عمر تکرار نمی شود تا به لفظ «ابداً» احتیاج باشد....»^۱

آیات دیگری از قرآن کریم دلالت بر تشویق مردم برای زیارت معصومین علیهم السلام و سایر اولیاء الهی می کند مانند آیه شریفه ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۲ «و هر کس شعائر خداوند را بزرگ شمارد پس آن از پرهیزکاری قلبها است». و آیه شریفه ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾^۳ «در خانه هایی که خداوند اذن داد که برافراشته شود و نام او در آنها یاد شود».

بدیهی است بزرگداشت حرم معصومین علیهم السلام و سایر اولیاء الهی، تعظیم به بزرگترین شعائر الهی، حرم آنان نشانه های خداوند و بیوتی است که خداوند اذن داده در آنجاها نام او برده شود.

علاوه بر آیاتی که دلالت بر زیارت ائمه اطهار علیهم السلام و سایر اولیاء الهی می کند، صدها روایت وجود دارد که دلالت بر نیکو بودن زیارت آنان می نماید و آثار حیات بخش دنیوی و اخروی زیارت آن بزرگواران را بیان می کند.

۱. حدیث غدیر و مسئله ولایت: ۲۲۵ تا ۲۲۸.

۲. سوره حج، آیه ۳۲.

۳. سوره نور، آیه ۳۶.



زیارت امامان شیعه و عزاداری امام حسین علیه السلام

در کتاب «جهان مذهبی» می نویسد:

آنان (شیعیان) برای این گونه احادیث و روایات (امامان) اهمیت خاصی قائل بوده و آن را بخشی از سنت می دانند. به اعتقاد ایشان، سنت، علاوه بر قول و فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قول و فعل امامان معصوم شیعه را نیز شامل می شود. همه این منابع دست به دست هم داده، منشأ به وجود آمدن یک مکتب خاص فقهی اثنی عشری گردیده است. اخلاص و سرسپردگی شیعیان نسبت به ائمه علیهم السلام و زیارت قبور ایشان نیز حائز اهمیت است. اماکن مقدسی مثل نجف و کربلا در عراق، قم و مشهد در ایران و مکان های مشابه با اینها نقش مهمی در حیات دینی شیعیان دارند.

اما آیین و مراسمی که از همه چشمگیرتر است مراسم عزاداری شیعیان به مناسبت حادثه شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است. این حادثه غم انگیز، در خلال ماه محرم، به صورت وعظ و منبر، خواندن اشعار مذهبی و انجام مراسم تعزیه تصویر می گردد.^۱

۱. جهان مذهبی: ۸۹۲.



زیارت امام حسین علیه السلام و ثواب آن

ابن قولویه رحمه الله در کتاب «کامل الزیارات» از هشام بن سالم و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: مردی خدمت امام علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، آیا پدر بزرگوار شما زیارت شود؟ امام علیه السلام فرمودند:

آری، و نزد آن حضرت نماز نیز خوانده شود و البته نماز را باید پشت قبر آن حضرت خواند و نباید بر امام مقدم شد.
عرض کرد: چه پاداشی است برای کسی که به زیارت آن حضرت رود؟ امام فرمود:

پاداش زیارت آن حضرت بهشت است در صورتی که از ایشان پیروی نموده باشد.

عرض کرد: کسی که از روی بی اعتنایی و بی میلی زیارت آن حضرت را ترک کند چه کیفری دارد؟ امام علیه السلام فرمود:
در قیامت که یکی از نام‌های آن یوم الحسرة است دچار حسرت و ندامت خواهد شد.

عرض کرد: کسی که نزد آن حضرت اقامت نماید چه پاداشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

هر روزی که آنجا اقامت می‌گزیند پاداش هزار ماه به او داده شود.

عرض کرد: کسی که در راه زیارت و در کنار قبر مطهر پولی خرج کند چه پاداشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:



هر درهمی از آن را هزار درهم پاداش دهند.

عرض کرد: کسی که در راه زیارت از دنیا رود چه پاداشی دارد؟

امام علیه السلام فرمود:

فرشتگان او را تشییع کنند و برای او حنوط و لباس از بهشت آورند و چون کفن شد بر او نماز گزارند و روی کفنی که بر او پوشیده‌اند کفنی دیگر به او بپوشند و زیر پای او را با ریحان فرش کنند و زمین را برانند و دور گردانند تا به نظر آید که پیشاپیش او مسیر سه میل و پشت سر او مسیر سه میل و از بالای سرش و پایین پایش همان مقدار فاصله است و دری از بهشت به روی او گشوده شود و نسیم دل انگیز و بوی خوش آن به قبر او داخل شود و تا قیامت به همین شکل ادامه یابد.

عرض کرد: کسی که نزد آن حضرت نماز بجای آورد چه

پاداشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

کسی که نزد آن حضرت دو رکعت نماز بخواند چیزی از خدا درخواست نمی‌کند مگر آنکه به او عطا فرماید.

عرض کرد: کسی که از آب فرات غسل کند و آنگاه به زیارت

رود چه پاداشی دارد؟ فرمود:

هنگامی که از فرات غسل کند و اراده زیارت نماید تمام خطاها و گناهان او از دوش او فرو ریزد مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.

عرض کرد: کسی که دیگری را با ساز و برگ سفر روانه سازد و



خودش به خاطر علتی نتواند برود چه پاداشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

خداوند به هر دره‌می که انفاق کرده مثل کوه احد به او حسنه دهد و چندین برابر آنچه خرج کرده برای او جایگزین فرماید، و بلاهایی که نازل شده تا به او اصابت کند از او دور گرداند و ثروت و دارایی او را حفظ کند.

راوی گوید: عرض کردم: کسی که نزد آن حضرت کشته شود، سلطانی بر او ستم کند و او را بکشد چه پاداشی خواهد داشت؟ امام علیه السلام فرمود:

با اولین قطره خونی که از او ریخته شود تمام گناهان او آمرزیده شود و طینتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل دهند تا از آلودگی‌ها پاک گردد و همچون انبیاء خالص شود و آنچه از طینت اهل کفر با طینت او مخلوط شده زوده گردد، و نیز قلب او را شستشو داده و سینه‌اش را گشاده گردانند و سرشار از ایمان سازند، پس خدا را ملاقات کند در حالی که از آنچه بدن‌ها و قلب‌ها با آن مخلوط هستند پاک و منزّه باشد، و برای او نوشته شود که در مورد اهل بیتش و هزار نفر از برادران ایمانی خود بتواند شفاعت کند، و نماز بر او را ملائکه به همراه جبرئیل و ملک الموت عهده دار شوند و کفن و حنوط او از بهشت آورده شود، و قبرش توسعه داده شود و چراغ‌هایی در آن قرار داده شود و دری از بهشت برای او گشوده شود و



فرشتگان برایش تحفه‌هایی از بهشت آورند، و بعد از هجده روز به حظیره القدس بالا برده شود، پس پیوسته در آن جا با اولیاء الهی باشد تا آن نفخه‌ای که با دمیدن آن چیزی باقی نماند دمیده شود، در نفخه دوم که از قبر بیرون آید اول کسی که با او مصافحه کند رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیاء هستند که به او بشارت دهند و به او بگویند: همراه با ما باش، و سپس او را در کنار حوض آورند و از آن به او بیاشامند و هر کس را که دوست بدارد از آن سیراب سازد.

عرض کردم: کسی که به خاطر زیارت گرفتار زندان شود چه پاداشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

به تعداد هر روزی که زندان کشیده و غمناک بوده، یک شادی و سرور تا قیامت به او داده شود و اگر اضافه بر زندان رفتن کتک نیز خورده، و در مقابل هر ضربه‌ای که به او زده شده یک حوریه و در مقابل هر دردی که بر پیکرش وارد شده هزار هزار حسنه به او داده شود، هزار هزار گناه از او محو شود و هزار هزار مرتبه درجه‌اش بالا رود، و از کسانی باشد که با رسول خدا گفتگو کند تا از حساب فارغ گردد و حاملان عرش با او مصافحه کنند و به او بگویند: آنچه دوست داری درخواست کن.

آنگاه کتک زننده او برای حساب آورده شود، پس بدون اینکه سؤالی از او پرسیده شود و به حسابش رسیدگی شود دو بازوی



او را گرفته و او را به فرشته‌ای تحویل دهند، و آن فرشته به او شربتی از حمیم یعنی آب سوزنده و داغ جهنم و شربتی از غسلین (آب چرک و کثافتی که از دوزخیان جاری است) می‌چشاند، آنگاه بر قطعه‌ای از آتش قرار داده شود و به او گفته شود: بچش آنچه را که پیشاپیش فرستادی با کتکی که به آن شخص زدی.

و آن کتک خورده را کنار جهنم آورند و به او گفته شود: به کتک زننده خود نگاه کن و ببین چه بر سر او آمده و آیا سینه‌ات شفا یافت با این قصاصی که به خاطر تو از او شد؟ می‌گوید: حمد و ثنا خداوند را که برای من و فرزند رسول خدا از او انتقام گرفت.^۱

هدف زائرین از زیارت

کسانی که به زیارت اهل بیت علیهم‌السلام شرفیاب می‌شوند از جهت ایمان و اعتقاد و معرفت و یقین تفاوت‌های بسیار زیادی دارند. هدف بعضی از زائران که به بارگاه ملکوتی اهل بیت علیهم‌السلام شرفیاب می‌شوند، بر آورده شدن حاجت‌های شخصی خودشان می‌باشد. این گونه افراد هر چند مانند عده‌ای دیگر که قصدشان از سفر به اماکن مقدسه فقط تفریح است، نمی‌باشند زیرا هدف آن‌ها از

۱. کامل‌الزیارات: ۲۳۹ ح ۲، بحارالانوار: ۷۸/۱۰۱ ح ۳۹، المستدرک: ۲۷۹/۱۰ ح ۱۲۰۱۳، صحیفه حسینیه: ۶۲.



مسافرت، زیارت است نه تفریح؛ ولی زیارت را به خاطر انجام وظیفه نسبت به اهل بیت علیهم السلام انجام نمی‌دهند، بلکه به جهت گرفتن حاجت‌های شخصی خودشان و گشوده شدن گره‌هایی که در زندگی آن‌ها وجود دارد به زیارت می‌روند.

توسل این گونه افراد در حرم‌های مطهر به اهل بیت علیهم السلام، دلالت بر آن دارد که آن‌ها معرفت نسبی به مقام عظیم ولایت خاندان وحی علیهم السلام دارند.

این اعتقاد قلبی، انگیزه آنان برای تشرف به بارگاه ملکوتی اهل بیت علیهم السلام و توسل به آن بزرگواران می‌شود. اعتقاد این دسته از زوار به قدرت اهل بیت علیهم السلام در گره‌گشایی از مشکل آنان، سبب می‌شود که آن‌ها دست به توسل زده و به امید نگاه کیمیا اثر آن بزرگواران، گره مشکل آنان باز شده و گرفتاری آن‌ها برطرف شده و حاجت‌هایشان روا گردد.

این گونه زائران بر اثر اعتقاد نسبی آن‌ها به مقام ولایت، بی‌بهره از ثواب زیارت نمی‌مانند و انوار پر فروغ مقام ولایت بر آن‌ها می‌تابد و در جان و روح آنان تأثیر می‌گذارد، هر چند آن‌ها متوجه به این نعمت بزرگ نشوند.



دو نکته درباره زیارت و تفاوت زائرین از نظر معرفت

درباره زیارت به دو امر اساسی باید توجه داشته باشیم:

- ۱- مقام ولایت شخصیت بزرگواری که زیارت می شود.
 - ۲- میزان معرفت زائری که آن بزرگوار را زیارت می کند.
- معرفت و شناخت زائر به مقام شخصی که زیارت می کند و درجه آگاهی او نسبت به مقام شخصیتی که زیارت می شود، در زیارت او بسیار اثر دارد.

توجه به این دو نکته در کسب آثار زیارت بسیار مؤثر است. شخصیتی که زیارت می شود چه امام باشد و دارای مقام عظیم ولایت و امامت، و یا یکی از اولیاء و پیامبران الهی باشد، کسی که به زیارت آن بزرگواران می رود، باید توجه داشته باشد با چه مقامی صحبت می کند؟ چه کسی را زیارت می کند؟ و با چه شخصیتی درد دل می کند؟

بدیهی است توجه زائرین به این دو نکته، متفاوت است. توجه داشتن به این دو نکته، خیلی از مطالب را روشن می کند و چه بسا زائر با دقت در آنچه گفتیم متوجه شود، چرا از زیارت خود نتیجه کاملی نگرفته و چرا حاجتش روا نشده است؟



زیارت با معرفت به مقام امام حسین علیه السلام

همانگونه که قبلاً گفتیم یکی از مطالب مهمی که روایات متعدّد درباره آن وارد شده و در کتاب‌های معروف علمای شیعه به آن تصریح شده است، گریه آسمان و زمین برای امام حسین علیه السلام است. توجّه به این واقعیت، تأثیر بسیار زیادی در معرفت و در کیفیت زیارت زائرین دارد به این جهت در اینجا به ادامه در پیرامون این مطلب می‌پردازیم:

هرچند گریه آسمان و زمین برای شهادت امام حسین علیه السلام بسیار مهمّ است ولی آنچه مهمتر از آن می‌باشد، این است که عرش الهی به سبب شهادت آن بزرگوار به لرزه در آمده و نه تنها آسمان و زمین؛ بلکه شهادت امام حسین علیه السلام در عرش خداوند نیز اثر گذارده است. در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

اقشعرت له اظلة العرش^۱

اظله عرش خداوند برای او به لرزه در آمد.

این جمله گواه بر این است که مصائبی که بر وجود ظاهری و جسد امام حسین علیه السلام واقع شده به دلیل عدم جدایی وجود ظاهری از وجود باطنی آن حضرت، اینگونه در عرش الهی، و آسمان‌ها و



زمین و اهل آن‌ها اثر گزارده است.

بنابراین کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام شرفیاب می‌شود و توفیق حضور در آن مکان باصفا را پیدا می‌کند، اگر توجّه به عظمت وجود ظاهری آن حضرت - که جدا از وجود باطنی ایشان نیست - داشته باشد، نتیجه بسیار بیشتری از زیارتی که انجام می‌دهد به دست می‌آورد.

این یک حقیقت واضح و آشکار است که کسی که خود را در حضور پیکری خونین می‌بیند که تا بر عرش الهی تأثیر گذار است، به خوبی می‌تواند این حقیقت را در قلب خود جای دهد و یقین کند که امام حسین علیه السلام قدرت دارند و می‌توانند بزرگترین حاجت‌ها و خواسته‌های او را عنایت کنند.

بدیهی است چنین یقین و ایمان و اعتقادی در مستجاب شدن دعای آنان در آن حرم نورانی اثر بسیاری دارد.

نکته دیگری که سزاوار است به آن توجّه داشته باشیم، این است زائری که با توجّه به آنچه گفتیم امام حسین علیه السلام را زیارت می‌کند، علاوه بر ازدیاد یقین و ایمان؛ معرفت و مودّت او نیز به امام حسین علیه السلام بیشتر می‌شود و محبّت شدیدی را که اجر رسالت است به دست می‌آورد.

کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که قبلاً نقل کردیم: «الزيارة تنبت المودة»



«زیارت سبب ایجاد مودّت می‌شود» برای چنین زائری تحقیق پیدا می‌کند.

روایت جالبی درباره معرفت اهل بیت علیهم‌السلام

در باب معرفت به مقام اهل بیت علیهم‌السلام روایات زیادی وجود دارد. در اینجا یکی از آن‌ها را نقل می‌کنیم، زائر امام حسین علیه‌السلام یا هر یک از معصومین علیهم‌السلام می‌تواند با اعتقاد و توجّه به این روایت هر یک از آن بزرگواران را زیارت کند.

اکنون روایت جالبی را که امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خاصّ خود یعنی جناب مفضل درباره معرفت به مقام اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند نقل می‌کنیم:

در کتاب «مصابح الأنوار» از مفضل نقل کرده است که گفت:
روزی خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم، آن حضرت به من فرمود:

ای مفضل؛ آیا محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را
آن طور که باید شناخته‌ای، و به حقیقت معرفت آن‌ها
رسیده‌ای؟

عرض کردم: ای سرور من، حقیقت معرفت آن‌ها چگونه
است؟ فرمود:

یا مفضل؛ من عرفهم کنه معرفتهم کان مؤمناً فی
السنام الأعلى.

ای مفضل؛ هر کس آن‌ها را به حقیقت معرفت بشناسد مؤمن



است و در درجات بالای ایمان قرار دارد.

مفضل می‌گوید: عرض کردم: ای سرور من، آن را به من بشناسان.

فرمود: یا مفضل؛ تعلم أنّهم علموا ما خلق الله عزّوجلّ وذرّاه وبراه، وأنّهم كلمة التقوى، وخزّان السماوات والأرضين والجبال والرمال والبحار، وعلموا كم في السماء من نجم وملك، ووزن الجبال وكيل ماء البحار وأنهارها وعيونها؛ وما تسقط من ورقة إلاّ علموها، ولا حبة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس إلاّ في كتاب مبين وهو في علمهم وقد علموا ذلك.

ای مفضل؛ بدانی آنها آنچه را که خداوند آفریده و از عدم و نیستی به وجود آورده است می‌دانند، آنها مظهر تقوا و خزانة دار آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها و صحراها و دریاها هستند، و می‌دانند چه مقدار ستاره و چه اندازه فرشته در آسمان است، وزن کوه‌ها و اندازه آب دریاها و رودخانه‌ها و چشمه‌ها را می‌دانند، هر برگ از درختی می‌افتد آن را خبر دارند، هر دانه‌ای که در تاریکی‌های زمین قرار گرفته آن را می‌دانند، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مبین یعنی در علم آنها نقش بسته و آن را می‌دانند.

عرض کردم: ای سرور من؛ آن را فهمیدم و اقرار کرده و به آن ایمان آوردم.

حضرت فرمود: بلی درست گفتی ای مفضل، ای بزرگوار، ای



نعمت داده شده و ای پاکمرد، پاک شدی و بهشت برای تو و دیگر اشخاصی که چنین ایمانی داشته باشند گوارا باد.^۱

در هنگام زیارت توجه به حقایقی که در این روایت بیان شده است، قلب انسان را از انوار درخشان اهل بیت علیهم السلام بیشتر روشن می‌کند؛ زیرا اعتقاد به حقایقی که در این روایت ذکر شده ایمان زائر را بالا می‌برد و همانگونه که امام صادق علیه السلام در ابتدای فرمایش خود فرموده‌اند: کسی که آنان را به حقیقت معرفت بشناسد مؤمن است و در درجات بالای ایمان قرار دارد.

با این بیان روشن می‌شود اگر کسی این گونه امام حسین علیه السلام یا یکی از ائمه علیهم السلام را زیارت کند روایت «من زاره عارفاً بحقه» «کسی که آن حضرت را با معرفت به حق ایشان زیارت کند» شامل حال او می‌شود.

دعای امام صادق علیه السلام

برای زائرین حضرت امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام در مصلاهی خود نماز خواندند و چون نمازشان تمام شد این گونه دعا کردند:

... اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْتَهُمْ

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۸۹/۱، مصباح الأنوار: ۲۳۷، بحار الأنوار:

۱۱۶/۲۶ ح ۲۲، تفسیر برهان: ۷/۴ ح ۸.



ذَلِكَ عَنِ النَّهْوضِ وَالشُّخُوصِ إِلَيْنَا خِلَافًا عَلَيْهِمْ،
فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِي غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ وَارْحَمْ تِلْكَ
الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَ عَلَى قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ،
وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا،
وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا، وَارْحَمْ
تِلْكَ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ
الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى تُرَوِّيهُمْ مِنَ الْحَوْضِ يَوْمَ
الْعَطَشِ.

... خدایا دشمنان ما خروج ایشان را مورد ملامت و سرزنش
خویش قرار دادند ولی مانع آن‌ها از این حرکت نشد و با آن‌ها
مخالفت کرده و به سوی ما سفر نمودند، پس تو این چهره‌ها
را که تابش آفتاب آن‌ها را تغییر داده مورد ترحم قرار بده، این
گونه‌ها را که بر روی قبر ابی عبدالله علیه السلام گذاشته می‌شود و
برداشته می‌شود مورد ترحم قرار بده، این دیدگانی را که از
روی محبت بر ما اشک آن‌ها جاری گشته مورد ترحم خویش
قرار بده، این دل‌هایی را که به جزع افتاده و به خاطر ما
سوخته‌اند مورد ترحم خویش قرار بده، این ناله‌ها و
فریادها را که به خاطر ما بلند شده مورد ترحم خویش
قرار بده، خدایا من این بدن‌ها و این ارواح را نزد تو به ودیعه
قرار می‌دهم تا در روز عطش از حوض کوثر سیراب فرمایی.



پیوسته امام علیه السلام این گونه دعا می کرد در حالی که در سجده بود.^۱ هر کس از زائرین دارای اوصافی باشد که در دعا ذکر شده، ودیعه امام صادق علیه السلام نزد خداوند خواهد بود تا خداوند او را از حوض کوثر سیراب گرداند. و همچنین از دعا استفاده می کنیم که اشک ریختن و بی تابی کردن و سوزش دل و ناله و فریاد از اسباب نزول رحمت الهی به سوی زائران است. بنابراین گفتار امام صادق علیه السلام در این دعا بی تابی و فریاد زدن در هنگام زیارت نه تنها اشکالی ندارد، بلکه سبب نازل شدن رحمت خداوند می شود.

توجه شدید به امام حسین علیه السلام

نکته جالبی که از این دعا استفاده می کنیم این است که زائرین در حال زیارت باید به گونه ای باشند که توجه شدید به امام حسین علیه السلام داشته باشند به قدری که بی تابی و فریاد زدن بعضی از زائرین، توجه آن ها را به امام حسین علیه السلام کم نکند و سعی کنند قلب خود را متوجه به فریاد زدن یا بی تابی سایر زائرین نکنند و حالت حضور خود را از دست ندهند.

۱. کافی: ۵۸۲/۴ ح ۱۱، کامل الزیارات: ۲۲۸ ح ۲، المزار الکبیر: ۳۳۴ ح ۱۴، الوافی: ۱۴۶۴/۱۴ ح ۱۲، بحار الانوار: ۸/۱۰۱ ح ۳۰، وسائل الشیعه: ۴۱۲/۱۴ ح ۶، المستدرک: ۲۳۱/۱۰ ح ۴، به نقل از صحیفه حسینیّه: ۱۲۲.



بنابراین زائرین کربلا باید به عظمت امام حسین علیه السلام توجه داشته باشند و بدانند مکانی که موجودات عوالم هستی از عرش تا فرش آرزوی تشرف به آن مکان مقدس را دارند، باید شدیداً در حفظ احترام آن بکوشند؛ و سعی کنند فکرشان در آن حرم شریف متوجه به امور دیگر نشود.

کلامی از مرحوم شیخ جعفر شوشتری در عظمت زیارت امام حسین علیه السلام

«زیارت آن حضرت الآن افضل است از زیارت ائمه علیهم السلام در حیاتشان، مثلاً هر گاه حضرت صادق علیه السلام در حیات بود، و تو به زیارت او می رفتی، و با او سخن می گفتی، و او با تو سخن می گفت به فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در این زمان نمی رسید؛ چنانکه ابن ابی یعفور روایت نموده که عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام، چون به زیارتش رفتم که شوق زیارت تو مرا به این زحمت و مشقت انداخت، که به خدمت آمدم، فرمود: شکایت از خدا نکن، چرا به زیارت کسی که حق او بر تو عظیم تر است از حق من نرفتی؟ راوی می گوید: این کلام بر من سخت تر آمد از آنکه فرمود: به خدا شکایت مکن، عرض کردم: کیست که حق او عظیم تر است بر من از حق شما؟ فرمود: حسین بن علی علیه السلام، اگر به زیارت او رفته بودی، و دعا می کردی و شکایت از حال خود



می‌کردی بهتر بود^۱»^۲

این مطلب را که مرحوم شیخ جعفر شوشتری نقل کرده‌اند و به فرمایش امام صادق علیه السلام مستند نموده‌اند بسیار با اهمیت است. هرچند این گونه مطالب بالاتر از سطح درک ما می‌باشد؛ ولی بزرگانی همچون مرحوم آیه الله شیخ جعفر شوشتری و علامه امینی این گونه مطالب مهم را درک می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند.

یک نمونه مهم از زائرین با معرفت

بدون شک یکی از زائرین با معرفت امام حسین علیه السلام، مرحوم علامه امینی است. نتیجه‌هایی که ایشان از زیارت‌های ائمه علیهم السلام به دست آورده‌اند، گواه بر این است که ایشان از زائرین با معرفت بوده‌اند، به جریانی که نقل می‌کنیم توجه کنید. پس از نقل این جریان ما به توضیح آن می‌پردازیم.

فرزند علامه می‌گوید: «شبی ایشان را در خواب دیدم، دست ایشان را بوسیدم و عرض کردم: پدر جان! باعث نجات شما چه

۱. بحارالانوار: ۴۶/۹۸، کامل الزیارات: باب ۶۹ ص ۱۶۸.

۲. اشک روان بر امیر کاروان، ترجمه الخصائص الحسينية: ۲۸۳.



بود؟ ایشان می‌خواست مرا آزمایش کنند. فرمود: چه می‌گویی؟ عرض کردم: آقا جان! باعث نجات شما در آنجا چه بود؟! باز هم تأملی کرده، فرمودند: چه می‌گویی؟ عرض کردم: آقا جان! شما الان بین ما نیستید، به عالم دیگری منتقل شده‌اید، باعث نجات شما در آنجا «الغدير» بود؟ «شهداء الفضيله»، «كامل الزيارات»، «ادب الزائر»، «تفسير سورة الفاتحة»، «سیرتنا و سنتنا»، کدام بود؟ ایشان متوجه شد. تأملی کرده سپس فرمود: زیارة الحسين عليه السلام، زیارة الحسين عليه السلام. عرض کردم: آقا، روابط ایران و عراق، تیره است، به زیارت حرم مقدس امام حسین عليه السلام دسترسی نداریم. فرمود: در تهران، همین مجالسی که می‌گیرید و به ابی عبدالله متوسل می‌شوید، همین ثواب را در نامه اعمال توقید می‌کنند. پسر، زیارت عاشورا را فراموش نکن، زیارت عاشورا، زیارت عاشورا.^۱ عرض کردم: آقا! سی سال، چهل سال است روزی سه یا چهار مرتبه زیارت عاشورا می‌خوانم. فرمود: با این

۱. زیارت عاشورا دارای اسرار زیادی است که باید با توجه و عنایت اهل بیت عليهم السلام از آنها آگاه شد. کسانی که با اسرار زیارت عاشورا آشنا شده‌اند به خواندن زیارت عاشورا سفارش کرده‌اند. هر چند ممکن است از اسرار زیارت عاشورا چیزی به زبان نیاورده باشند، ولی وقتی که مهمترین چیزی که به آن سفارش می‌کنند، زیارت عاشورا است، این دلیل بر آن است که از اسرار زیارت عاشورا از مراحل و مراتب عالی معرفت آن بهره‌مند شده‌اند هر چند به زبان نیاورده‌اند.



همه، زیارت عاشورا را ترک مکن.»^۱

یک نمونه مهم از آثار زیارت با معرفت

مرحوم علامه امینی چگونه توانستند کتاب الغدير را بنویسند، تصمیم و اراده ایشان برای تألیف الغدير از کجا شروع شد. در پاسخ به این سؤال می‌گوییم. زیارت‌های علامه امینی الهام بخش ایشان برای نگارش کتاب الغدير شد و به این جهت اصل توفیق ایشان به نوشتن این کتاب زیارت‌های ایشان بوده است. پس زیارت‌های ایشان عامل نوشتن کتاب الغدير شده است. اکنون به این مطلب در کلام مرحوم علامه امینی توجه کنید:

رئیس محترم بنیاد بین المللی نهج البلاغه می‌نویسد:
«توفیق بزرگی برای صاحب این قلم دست داد تا که دو جلسه تقریباً سه ساعته در خدمت علامه امینی بودم. علامه در طی این مدت راز دل بگشاد و از سینه سوخته و قلب پر التهابش در بیان آنچه بدان عشق می‌ورزید و زندگی شریفش را در آن صرف کرد، نکات مهم و برجسته‌ای ابراز داشت.

آغاز سخن از اینجا بود که از ایشان پرسیدم چه شد که جنابعالی به فکر تألیف کتاب نفیس الغدير افتادید و از بین موضوعات متنوع



و متعدد این موضوع را انتخاب کردید؟ ایشان در جواب فرمود:
روزی به حرم حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام مشرف شدم و در کنار
ضریح عرض کردم من سال‌ها است که در خدمت شما و در حوزه
علمیه نجف اشرف درس خواندم و درس دادم ولی درخواست
دارم که کاری را به من واگذار فرمایید تا انجام دهم.

خواسته پرمعنی و پرانگیزه‌ای بود، یعنی آن همه تلاش علمی
در حوزه علم و فقاہت و دیگر علوم اسلامی، ایشان را قانع نکرده
بود و روح پل‌التهاب و استعداد وافر و دانش گرانبهایی که به دست
آورده بود باید در آوردگاهی عظیم به کار گرفته شود که ثمره آن در
سطوح گسترده منتشر و مورد استفاده قرار گرفته و خلأ مهمی را پر
نماید. در هر صورت ایشان فرمود پس از خروج از حرم مطهر
علوی این فکر در ذهن درخشید که درباره واقعه تاریخی غدیر خم
و فرهنگ برخاسته از آن که رشته امامت و ولایت است، وارد شوم
و این واقعیت اساسی و مظلوم را به گوش جهانیان برسانم.

در واقع می‌توان گفت: تألیف کتاب *گرانقدر الغدیر الهامی* از
سوی صاحب ولایت و القایی از آن مرکز نور و معنویت بود و همان
پشتوانه‌ای قوی برای علامه امینی شد که از هیچ تلاشی مضایقه
نکند.

وی اولین عنایت علوی را اینگونه شرح دادند: جلد نخست



الغدیر که چاپ شد طبق موازین دولت عراق باید هفت اداره نظر خود را درباره آن می‌دادند تا مجوز نشر صادر گردد کتاب که به آن ادارات داده شد مورد تصویب قرار نگرفت و طی نامه‌ای که برای من ارسال شد با صراحت بیان کرده بودند که مجوز و حق نشر این کتاب را ندارید. این نامه روی میز بود و من در فکر چاره بودم، بعد از مدتی مجدداً نامه را خواندم و متوجه شدم تغییری در متن نامه تایپ شده حاصل گشته، بدون آنکه کسی در آن دست برده باشد. آن هم دقیقاً همان تغییر مهم و اساسی بود که نشر کتاب را ممنوع کرده بود. بعد از دقت زیاد متوجه شدم گویا حشره‌ای روی آن حرف، نقطه‌ای ایجاد کرده بود و عیناً مطابق حروف دیگر نامه است که درست معنا را ۱۸۰ درجه عوض کرده و مفهوم تغییر نامه، مجوز کتاب بود. ایشان فرمود من خوشحال شدم و دستور انتشار کتاب را دادم. بلافاصله پس از انتشار جلد اول الغدیر ادارات مربوطه به جنب و جوش افتاده و مرا احضار کردند، من هم نامه را بردم و ارائه کردم و گفتم خود شما این مجوز را داده‌اید آن‌ها با کمال تعجب دیدند که نامه اصالت دارد و دستکاری نشده و سرانجام مجبور شدند، بپذیرند که خودشان مجوز نشر را صادر کردند.»^۱

۱. خبرگزاری شبستان: ماجرای عنایت مکرر امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صاحب «الغدیر».



پس از القایی که در ذهن مرحوم علامه امینی بعد از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد شده، در نوشتن کتاب الغدير نیز بارها مورد توجه خاص حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شدند تا توانستند کتاب عظیم الغدير را بنویسند و آن را منتشر نمایند.

گرفتن کاغذ برای چاپ الغدير

محقق طباطبائی نقل کرده است: آن زمان که بعد از جنگ بود و کاغذ کوپنی بود تهیه کاغذ خیلی سخت بود. ایشان فرمودند: «من برای تهیه کاغذ به بغداد رفتم و با مرحوم شیخ محمد رضا مظفر ملاقات کردم، به من گفت: برای چه آمدی؟ گفتم: برای کاغذ. گفت: چقدر کاغذ می خواهی؟ گفتم: سیصد بند کاغذ می خواهم. ایشان فرمود: من با همه روابطم پانزده بند کاغذ می خواهم برای السقیفة، - السقیفة را ایشان می خواست چاپ کند - و الان یک ماه است که دارم دوندگی می کنم و هنوز دستم به جایی نرسیده است!»

ایشان (مرحوم علامه) فرمودند: «من فردا می روم. ما ارباب داریم».

ایشان فرمودند: «من رفتم مرکز این کار. مسئول آنجا از من پرسید: چقدر کاغذ می خواهی؟ گفتم: سیصد بند. گفت اینجا تحویل می گیری یا به نجف بفرستیم؟ گفتم: اگر به نجف بفرستید



که خیلی بهتر است. من آدرس چاپخانه را دادم و پولش را پرداختم و بیرون آمدم. بعد به آن آقا اعتراض شده بود که سیصد بند یک جا چطور کاغذ دادی؟! او گفته بود که: این آقا وقتی جلوی من قرار گرفت، به من حالتی دست داد که اگر هر چه کاغذ می خواست، من بایستی می دادم و ایشان سیصد بند خواست و من هم سیصد بند دادم».^۱

علامه امینی از نظر آقا بزرگ تهرانی

شیخ آقا بزرگ تهرانی از علمای نامی شیعه است و صاحب تألیفات متعددی می باشد، ایشان می فرماید:

بعد از اینکه به محتوی و عظمت علمی کتاب الغدير علامه پی بردم، دست به دعا برداشته و از خدا طلب نمودم که بقیه عمر مرا به علامه امینی ببخشد، تا ایشان صورت واقع به الغدير دهد، و این تقریظ را به علامه امینی نوشتم:

من از وصف این کتاب قیّم قاصر هستم، و شأن «الغدير» بالاتر از این است که بشود آن را توصیف نمود؛ تنها عملی که از دست بنده می آید این است که از خدا می خواهم عمر مؤلف را طول دهد و عاقبت ایشان را ختم به خیر نموده و با خلوص نیّت از خدا

۱. کتاب امین شریعت: ۲۶۷.



می‌خواهم که بقیه عمر مرا به عمر شریف مؤلف اضافه کند. ایشان در وصف علامه می‌نویسد: از خصوصیات علامه، محبت و ارادت کامل به آل محمد علیهم‌السلام می‌باشد که زبان زد همه است و می‌توان گفت: الغدير اثری از آثار آن محبت‌ها می‌باشد و به خاطر همین علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام است که ایشان، علاقه خاصی به شنیدن مصائب امام حسین علیه‌السلام و اصحابش دارند و بر مصائب امام حسین علیه‌السلام با صدای بلند گریه می‌کند و خطبا و حاضرین مشاهده می‌کنند که در حین ذکر مصیبت، حال ایشان متغیر می‌شود و از گریه ایشان همه متأثر می‌شوند و به گریه ایشان، گریه می‌کنند. به حقیقت می‌توان گفت: مجلسی که ایشان در آن مجلس حاضر است و ذکر مصیبت آل محمد علیهم‌السلام می‌شود، گویا یکی از آل محمد علیهم‌السلام در آن مجلس حاضر می‌باشد، و این حالت در ایشان به اوج خود می‌رسد، زمانی که خطیب، مصیبت حضرت صدیق کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را بیان می‌کند، در این زمان صورت ایشان سرخ می‌شود و گریه می‌کند، همانند کسی که به ناموس او اهانت شده باشد...»^{۱.۲}

در عبارت شیخ آغا بزرگ تهرانی - که از بزرگترین و

۱. ربع قرن مع العلامة: ۲۷۳، به نقل از روزنامه رسالت.

۲. علامه امینی جرعه نوش غدیر: ۷۰.



معروف‌ترین علمای شیعه است - درباره علامه امینی دقت کنید که ایشان می‌فرماید به حقیقت می‌توان گفت: «مجلسی که ایشان در آن مجلس حاضر است و ذکر مصائب آل محمد علیهم‌السلام می‌شود، گویا یکی از آل محمد علیهم‌السلام در آن مجلس حاضر می‌باشند» همانگونه که مجلس عزایی که ایشان در آن شرکت می‌کنند با مجالس عادی فرق دارد، زیارت ایشان هم با زیارت افراد عادی متفاوت است. و همانگونه که زیارت آن‌ها با زیارت افراد عادی فرق می‌کند، آثار زیارت آن‌ها نیز با آثار زیارت دیگران فرق می‌کند. و کتاب «الغدیر» یکی از آثار همان زیارت‌هایی است که با زیارت دیگران فرق دارد. و برخی از افراد از اینکه زیارت امام حسین علیه‌السلام علت نجات مرحوم علامه امینی باشد تعجب می‌نمایند و درباره آن سؤال می‌کنند و می‌گویند کسی که کتابی همچون الغدیر نوشته است، چگونه ممکن است زیارة الحسین علیه‌السلام سبب نجات او باشد و کتاب الغدیر با آن همه عظمتش وسیله نجات ایشان نباشد، مگر عظمت زیارة الحسین علیه‌السلام بیشتر از عظمت کتاب الغدیر است؟

برای روشن شدن این مطلب تذکر نکاتی لازم است، تا روشن شود، چرا مرحوم علامه امینی درباره چگونگی نجات خود، زیارة الحسین علیه‌السلام را بیان فرموده‌اند.

اگر محب در مقام محبت به مراحل عالی راه یافت و قلب خود



را که حرم الله است، سرشار از محبت خداوند و اهل بیت عصمت علیهم السلام نمود؛ تا وقتی که محبت شدید آنان را در دل دارد، امکان تنزل در او وجود ندارد.

تنها موردی که برای محبین امکان استبدال وجود دارد، موردی است که آنان اصل محبت را یا شدت آن را از دست بدهند و گرنه تا وقتی که محبت در قلب محب ریشه دوانده است، او در مسیر ترقی و تکامل قرار دارد نه تنزل و سقوط.

راز این نکته آن است که، تا وقتی محبت و شوق شدید وجود دارد، محب را به سوی محبوب جذب می‌کند و آن گاه که او مجذوب محبوب شد، ظرفیت در او پیدا می‌شود و آثار و صفات محبوب در محب آشکار می‌شود.

از این جهت در روایت، محبت خدا و اولیاء خدا را، بهترین راه و بی خطرترین سیر برای افرادی که مایل به سیر و سلوک هستند، معرفی نموده‌اند.

در بعضی از روایات محبین مقدم بر همه افراد دیگر ذکر شده‌اند؛ همان طور که در اخبار حضرت داود آمده است که خداوند می‌فرماید:

مَا أَحَبَّنِي أَحَدٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ يَقِيناً مَنْ قَلْبِهِ إِلَّا قَبِيلَتُهُ
لِنَفْسِي وَأَحَبَّتُهُ حُبًّا لَا يَتَقَدَّمُهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِي، مَنْ



طَلَبَنِي بِالْحَقِّ وَجَدَنِي وَمَنْ طَلَبَ غَيْرِي لَمْ يَجِدْنِي...^۱

دوست ندارد مرا احدی که بدانم واقعاً این محبت از قلب او سرچشمه می‌گیرد، مگر آن که او را برای خود می‌پذیرم و دوست دار او می‌شوم؛ بطوری که احدی از خلق من، بر او مقدم نمی‌شود. کسی که حقیقتاً مرا طلب کند، می‌جوید مرا و کسی که غیر مرا طلب کند، مرا نمی‌یابد.

از این حدیث قدسی متوجه می‌شویم، کسانی را که امام زمان عجل الله تعالی له الفرَج - که جانشین و نماینده خداوند می‌باشند - به عنوان خدمتگزار خود قبول فرموده‌اند و آنان را از میان مردم به نعمت مصاحبت خود مشرف ساخته و بر دیگران مقدم نموده‌اند، کسانی هستند که در راه محبت از همه مردم پیشقدم‌تر و به عالی‌ترین مراحل محبت نائل شده‌اند.

حضرت امام صادق علیه السلام در ضمن روایت مهمی دربارهٔ کسانی که به کمال محبت رسیده‌اند، می‌فرمایند:

«جعل شهوته و محبته فی خالقه»^۲

یعنی میل و محبت خودش را در خالق خودش قرار می‌دهد.

حضرت امام صادق علیه السلام یکی از صفات جناب سلمان را - که به

۱. بحار الانوار: ۲۶/۷۰.

۲. بحار الانوار: ۴۰۴/۳۶، وج ۲۵/۷۰.



کمال محبت و مودت رسیده بود - اینگونه بیان می فرمایند:

«ایثاره هوی امیرالمؤمنین علیه السلام علی هوی نفسه»^۱

او میل و خواسته امیرالمؤمنین علیه السلام را بر میل خود ایثار می نمود.

به همین جهت به نقطه علم راه یافته بود و دارای اراده و قدرت شده بود.

آثار عجیب محبت خدا

درباره آثار محبت شدید روایتی بسیار مهم از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

حَبَّ الله اذا اضاء على سرَّ عبد اخلاه عن كل شاغل...^۲
هرگاه محبت خداوند بر سر و باطن بنده ای بتابد و روشن کند،
باطن او را از هر چیزی که او را به غیر مشغول می کند خالی می نماید.

بنابراین نباید عموم افراد زیارت خود را قیاس کند با زیارت شخصیت هایی که محبت خداوند و اهل بیت علیهم السلام تمام وجودشان را فرا گرفته است.

شخصیت هایی همچون علامه امینی قلب خود را پاک نموده و

۱. بحار الانوار: ۳۲۷/۲۲.

۲. بحار الانوار: ۲۳/۷۰.



وجود خود را از اموری که آن‌ها را به غیر، متوجّه می‌سازد، دور نموده‌اند. و به همین جهت به این بزرگواران در زیارت‌ها عنایت‌هایی می‌شود که برای ما قابل درک نیست.

زائرین بزرگواری که سوخته‌اند و خود را ساخته‌اند وقتی به حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام شرفیاب می‌شوند چون خداوند باطن آن‌ها را از هر فکری که بازدارنده باشد خالی می‌کند، وجود جسمی و باطنی آنان در آن مکان‌های مقدّس وجود دارد، بر خلاف بعضی از زوّار که ممکن است در زیارت‌هایی که انجام می‌دهند جسم آن‌ها در حرم و فکر آن‌ها در خارج از حرم است.

علّت آن یکی این است که معرفت ما نسبت اهل بیت علیهم‌السلام کم است و مطلب مهمّ دیگر این است که ما در هنگام زیارت به عظمت حرم‌هایی که شرفیاب می‌شویم درست توجّه نمی‌کنیم. به این جهت به جای این که قلب و فکر ما جذب آن مکان‌های مقدّس شود، حواس ما به امور دیگر متوجّه می‌شود. هر چه قدر معرفت ما به حرم‌های مطهّر اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر باشد، قلب ما در هنگام تشرّف بیشتر جذب آن مکان‌های باعظمت می‌شود و بهتر می‌توانیم با فکر متمرکز و توجّه بیشتر، زیارت را انجام دهیم.

به این جهت سزاوار است پس از آن که مقداری درباره آثار معرفت اهل بیت علیهم‌السلام سخن گفتیم، درباره عظمت آن مکان‌های



برداشت مهمی از قرآن

درباره عظمت حرم‌های معصومین علیهم‌السلام

برای آگاهی و شناخت عظمت حرم‌های معصومین علیهم‌السلام و امام زادگان والامقام، جریانی را از بنی اسرائیل که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده نقل می‌کنیم و بعد از توضیح و نتیجه‌گیری از آن، به بیان عظمت حرم‌های مطهر و نتیجه شوم بی‌اعتنایی به آن مکان‌های مقدس می‌پردازیم.

اکنون به نقل اصل جریان می‌پردازیم تا با دقت در آن، به نتیجه‌گیری مهمی درباره احترام حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام و نتیجه شوم بی‌اعتنایی به آن‌ها دست یابیم:

صندوق یهودیان

در بنی اسرائیل صندوقی وجود داشته است که در قرآن کریم از آن، به عنوان تابوت یاد شده است، در میان آن صندوق، شکسته‌های الواح تورات، عصای حضرت موسی و کفش‌های او و مقداری دیگر از بازمانده آل موسی و آل هارون وجود داشته است و همچنین در آن شیئی از سوی خداوند قرار داشته که آرام‌بخش بنی اسرائیل بوده است. آن صندوق در هر خاندانی بود نبوت و



حکومت بنی اسرائیل در اختیار او قرار می‌گرفت.

چون بنی اسرائیل شرارت ورزیدند و به شرک و بت پرستی گرویدند و به آن صندوق و سایر مقدّسات دینی استخفاف نمودند خداوند عمالقه را بر بنی اسرائیل مسلّط نموده بسیاری از آن‌ها را کشتند و اموال آن‌ها را غارت نموده و صندوق را هم بردند.

بنی اسرائیل همچنان زیر بار ظلم و ستم عمالقه می‌سوختند، تا به پیامبر خود پناه بردند و از او کمک خواستند.

هنگامی که طالوت به پادشاهی منصوب شد برای اثبات سلطنت او ملائکه مأمور شدند که آن صندوق را نزد بنی اسرائیل ببرند. و این معجزه از جانب پیغمبر آنان بود برای اثبات اینکه طالوت منصوب از جانب پروردگار است.^۱

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَكَانَ التَّابُوتُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ
هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ﴾^۲ وَقَدْ كَانَ رُفِعَ مُوسَىٰ عليه السلام
إِلَى السَّمَاءِ لَمَّا عَمِلَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ بِالْمَعَاصِي فَلَمَّا
غَلَبَهُمْ جَالُوتُ وَسَأَلُوا النَّبِيَّ أَنْ يَبْعَثَ إِلَيْهِمْ مَلِكًا يُقَاتِلُ

۱. رک : تفسیر اطبیب البیان: ۵۰۶/۲.

۲. سورة بقره، آیه ۲۴۸.



فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَقَدَّسَ وَجْهُهُ بَعَثَ إِلَيْهِمْ طَائُوتَ ۖ
وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمُ التَّابُوتَ وَكَانَ التَّابُوتُ إِذَا وُضِعَ بَيْنَ بَنِي
إِسْرَائِيلَ وَبَيْنَ أَعْدَائِهِمْ وَرَجَعَ عَنِ التَّابُوتِ إِنْسَانٌ كُفِّرَ
وَقُتِلَ وَلَا يَرْجِعُ أَحَدٌ عَنْهُ إِلَّا وَيُقْتَلُ.

صندوق در بین بنی اسرائیل بود همان طور که خدای عزوجل
فرمود: ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ
مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ﴾ و پس از موسی (ع)
زمانی که بنی اسرائیل آلوده گناه شدند، به آسمان برده شد. و
هنگامی که جالوت ایشان را شکست داد و از پیامبر (ص) تقاضا کردند که امیری نیک سیرت برای جنگ در راه خدا بر
ایشان بگمارد، خداوند طالوت (ع) را و [دوباره] صندوق را
به سوی آنها فرستاد. صندوق، میان بنی اسرائیل و
دشمنانشان گذاشته می شد و هر کسی که به صندوق پشت
می کرد [و از اعتقاد به آن بر می گشت] کافر می شد و باید کشته
می شد و [دشمنان نیز که به سمت صندوق می رفتند] احدی از
سوی صندوق باز نمی گشت مگر آنکه به قتل می رسید.^۱

امام صادق (ع) در روایتی دیگر می فرمایند:
بنی اسرائیل به پیامبرشان گفتند اگر طالوت بر حق است و از
جانب خدا می باشد باید نشانه ای داشته باشد.

۱. تفسیر اهل بیت (ع): ۲۶/۲، از بحار الأنوار: ۲۰/۱۴، تفسیر قمی: ۲۲۹/۲.



امام صادق علیه السلام می فرماید پیامبر بنی اسرائیل به آن ها گفت :

﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ
وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ﴾^۱ وَهُوَ الَّذِي
كُنْتُمْ تَهْزِمُونَ بِهِ مَنْ لَّقِيْتُمْ فَكَلَّمُوا إِنَّ جَاءَ التَّابُوتُ
رَضِينَا وَسَلَّمْنَا.

(نشانه امیری او «طالوت علیه السلام» آن است که آن صندوق از
جانب خداوند به سوی شما باز می گردد و فرشتگان آن را حمل
می کنند. درون آن تسکین خاطری برای شما از سوی
پروردگار و یادگاری از میراث خاندان موسی علیه السلام و هارون علیه السلام
نهفته است) و او همان چیزی است که شما می توانید به
وسیله ی او، دشمنانی را که با شما مقابله می کنند شکست
دهید. آن ها گفتند: «ما با آمدن صندوق، راضی و تسلیم (و
مطیع طالوت علیه السلام) خواهیم شد».^۲

به این روایت نیز توجه کنید:

صفوان می گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند: که امام باقر علیه السلام چنین
می فرمودند:

إِنَّمَا مَثَلُ السَّلَاحِ فِينَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ

۱. سورة بقره، آیه ۲۴۸.

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام: ۲/ ۲۶۰، از تفسیر عیاشی: ۱/ ۱۳۲.



حَيْثُمَا دَارَ التَّابُوتُ أُوتُوا النُّبُوَّةَ وَحَيْثُمَا دَارَ السَّلَاحُ فِينَا
فَتَمَّ الْأَمْرُ. قُلْتُ: فَيَكُونُ السَّلَاحُ مُزَانًا لِلْعِلْمِ؟ قَالَ: لَا.

مَثَلِ سلاح - ذوالفقار - در خاندان ما، مثل داستان صندوق
است در بنی اسرائیل؛ هر کجا صندوق دور می‌زد، نبوت عطا
می‌شد (صندوق به هر که به ارث می‌رسید، او به نبوت نیز
می‌رسید) و در میان ما هر کجا سلاح دور زند، امر امامت
آنجاست. عرض کردم: «سلاح از علم جدا می‌شود؟» [ممکن
است سلاح به دست کسی افتد که علم امامت نداشته باشد]
فرمود: نه!^۱

روایات دربارهٔ تابوت یا صندوق بنی اسرائیل زیاد است و ما به
نقل همین مقدار اکتفا می‌کنیم. از مجموع آنچه بیان شد استفاده
می‌شود، تا هنگامی که یهود به آن صندوق احترام می‌گذارند از
بسیاری از بلاها در امان بودند و به خوبی زندگی می‌کردند، اما از
زمانی که صندوق بنی اسرائیل عظمت خود را در نزد آنان از دست
داد و به آن توهین نموده و بی‌اثر دانستند خداوند دشمن را بر آنان
مسلط کرد و به انواع گرفتاری‌ها و بیچارگی‌ها مبتلا شدند و آن‌گاه
که از کردار خود پشیمان شدند خداوند پیامبر خود طالوت را به
سوی آنان فرستاد و صندوق بنی اسرائیل به آنان بازگشت و
طالوت، دشمن آنان جالوت را شکست داد و بنی اسرائیل را از

۱. تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام): ۲/۲۶۰، از کافی: ۱/۲۳۸.



دست او و لشکریانش نجات بخشید.

اکنون آن صندوق و میراث و آثار بازماندهٔ پیامبران الهی در نزد حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان ارواحنا فدا می‌باشد و روزگاری که سراسر جهان با ظهور آن حضرت نورانی و عطرآگین می‌شود، میراث پیامبران الهی بر مردم عرضه می‌شود.

صندوق‌های مطهر شیعیان

اکنون باید از آیات و روایاتی که دربارهٔ صندوق بنی اسرائیل نقل کردیم نتیجه‌گیری کنیم. نتیجه‌ای که باید از آنچه گفتیم بگیریم این است که یهود و بنی اسرائیل فقط یک صندوق و یا تابوت داشتند که در آن پیکر حضرت موسی و هارون نبود، بلکه عصا و زره حضرت موسی و کفش‌های او و بازمانده‌ای از حضرت هارون و چند لوح شکسته از قسمتی از تورات وجود داشت و بنی اسرائیل نمی‌دانند که آن صندوق اکنون در کجاست؟

ولی شیعیان نه یک صندوق، بلکه صندوق‌هایی دارند که نه تنها برای شیعیان جهان، بلکه برای ملائکه و موجودات آسمانی نیز مقدس، محترم و مطهرند.

تاکنون هزاران هزار نفر از سراسر جهان خود را به نزدیک این صندوق‌ها رسانده‌اند و از غم‌ها و غصه‌های کشنده به آرامش و آسایش رسیده‌اند، از فقر و تنگدستی و قرض نجات یافته و



بی نیاز شده‌اند، از بیماری‌های مزمن و مرض‌های هلاک کننده روحی و جسمی رها شده و به صحت و سلامتی دست یافته‌اند.

نه تنها انسان‌ها، بلکه ملائکه هفت آسمان و فراتر از آن و مخلوقات دیگر در آسمان‌ها در اشتیاق زیارت جایگاه‌هایی هستند که این صندوق‌ها در آن جاها قرار دارند.

در آن صندوق‌ها نه کفش‌های حضرت موسی وجود دارد و نه لوح‌های شکسته قسمتی از تورات.

در آن صندوق‌ها نه از عصای حضرت موسی خبری هست و نه از زره آن بزرگوار؛ ولی در آن صندوق‌ها نیرویی وجود دارد که به بیماری‌ها پایان می‌دهد، فقر و تنگ دستی‌ها را برطرف می‌کند، دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل می‌کند و به نیستی‌ها و کمبودهای روحی، هستی و کمال می‌بخشد.

این صندوق‌ها بر فراز قبرهایی قرار دارند که در هر یک از آنها بدن پاک یکی از امامان و یا امام‌زادگان والامقام قرار دارد. انوار نامرئی آن بدن‌های مطهر آن چنان زیاد است که نه تنها صندوق‌ها را، بلکه ضریح‌هایی را که صندوق‌ها را در بر گرفته‌اند را نیز احاطه کرده است. علاقه فراوان زائرینی که دوست دارند با بوسیدن ضریح‌ها و دست کشیدن به آن‌ها خود را متبرک کنند، به خاطر درخشش همین انوار نامرئی و جاذبه‌های معنوی است. عده‌ای دیگر از زوّار که توانایی شرکت در ازدحام جمعیت را ندارند، با



نگاه کردن به ضریح‌های مطهر آن بزرگواران قلب خود را جلا می‌دهند.

این انوار پر قدرت معنوی نه تنها ضریح‌های مطهر؛ بلکه حرم‌ها را احاطه کرده و حتی تا شعاع زیادی خارج از حرم‌ها را نیز فرا گرفته است.

حرم‌های پاک و مطهر اهل بیت علیهم‌السلام

همانگونه که می‌دانیم حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام جایگاهی معنوی و پاک و مطهر است که شعاع آن تا فاصله زیادی را در بر می‌گیرد و همچون نورافکنی است که نور آن نه تنها محدوده خود؛ بلکه همانگونه که نورافکن هر چه قوی‌تر باشد، نور آن قسمت‌های بیشتری از اطراف خود را روشن می‌کند. وجود ائمه اطهار علیهم‌السلام در حرم‌ها نیز؛ نه تنها اطراف ضریح و نزدیک آن را درخشندگی معنوی می‌بخشد، بلکه محدوده فراوانی را درخشان می‌سازد.

در حرم‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام نه تنها وجود امام علیه‌السلام در حرم، تأثیر فراوان دارد، بلکه رفت و آمد ملائکه و موجودات معنوی دیگر از آسمان به حرم و از حرم به آسمان، در زیادتر شدن معنویت این مکان‌ها اثر دارد همانگونه که در زیارت جامعه می‌خوانیم:

ومختلف الملائكة

حرم معصومین علیهم‌السلام محل رفت و آمد ملائکه است.



و از آن مهم‌تر رفت و آمد، ائمه اطهار علیهم‌السلام و امامزادگان عظیم‌الشأن به حرم‌های یک دیگر، نقش زیادی در طاهر و مطهر بودن آن مکان‌ها دارد. و این پاکی و مطهر بودن در زائرینی که با قلبی آکنده از محبت و معرفت به زیارت مشرف می‌شوند، نیرو و انرژی معنوی می‌دهد. و وجود آنان را به قدر محبت و مودتشان از آثار منفی دور می‌سازد.

این تأثیرپذیری در حرم‌های معصومین علیهم‌السلام و امامزادگان عظیم‌الشأن نه تنها در زائرانی که از مقربین هستند و خود از اولیاء الهی می‌باشند وجود دارد؛ بلکه بسیاری از زائرانی که افرادی معمولی از نظر معنوی می‌باشند، در این حرم‌های پاک و پاک‌کننده، تحت تأثیر معنوی قرار گرفته و حتی از نظر جسمی نیز از مرض‌ها نجات یافته و از میکروب‌ها و ویروس‌ها پاک می‌گردند.

شاهد ما درباره آنچه گفتیم یکی و دو تا نیست، بلکه هزاران جریان شفایابی در حرم‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام و امامزادگان والامقام بر صحت آن گواهی می‌دهد.

معجزه‌های بی‌شماری که در حرم‌های مطهر واقع شده گواهی می‌دهند، بیمارانی که بر اثر ویروس و میکروب‌ها لحظه‌ای آرامش نداشته‌اند، چگونه با شفاگرفتن همه میکروب‌ها و ویروس‌هایی که در وجود آن‌ها بوده، ریشه‌کن و ناپدید گردیده و دو مرتبه به



زندگی سالم و آرام بازگشته و از آسایش کامل بهره‌مند شده‌اند به گونه‌ای که گویا هیچ گونه مرضی در آنان وجود نداشته و هیچگونه ویروس و میکروبی در بدن آنان، آن‌ها را در دوران مرضی از ادامه زندگی ناامید نکرده است.

علاوه بر همه این‌ها روایاتی وجود دارد که صریحاً می‌گوید که حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام مکان امن و طاهر و مطهر می‌باشد.

خوشبختانه تحقیقات علمی ویژه و همه جانبه‌ای درباره حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام انجام شد که ثابت می‌کند میکروب‌ها هر چند در سطح شهر وجود دارند؛ اما هر چه به طرف حرم امام رضا علیه‌السلام نزدیک‌تر شویم، تعداد آن‌ها کمتر می‌شود به گونه‌ای که در اطراف ضریح امام رضا علیه‌السلام تعداد آن‌ها نزدیک به صفر می‌رسد.

اکنون گزیده گزارش مهمی را در این باره نقل می‌کنیم که ثابت می‌کند در ضریح امام رضا علیه‌السلام و اطراف آن هیچگونه میکروبی وجود ندارد؛ بنابراین دور نگاه داشتن مردم از ضریح دلیل بر بی‌توجهی به مقام ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، و یا نادیده گرفتن آنست. اکنون به گزیده‌ای از این گزارش توجه کنید:

تحقیقی مهم و خواندنی

در کتاب «چگونه عقل ما کامل شود» می‌نویسد:

«شاید این مطلب نه از نظر اعتقادی - که عین اعتقاد ما این است



- بلکه از نظر تجربی تازگی داشته باشد که بدانیم حتی هر چه نزدیکتر به ضریح مقدّس حضرت رضا علیه السلام می شویم میزان آلودگی و میکروب‌های موجود در هوا و در و دیوارهای حرم مطهرش به صفر نزدیک می شود.

ما کتاب خود را با درج عین تحقیقی که تحت عنوان «طرح بررسی میکروبی حرم مطهر امام رضا علیه آله التّحیّة والتّناء» در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی صورت گرفت خاتمه می‌دهیم تا کوردلان مخالف ولایت مطلقه‌اش بدانند نه تنها خود عین عصمت و تعلیماتش معصوم پرور است، بلکه هر چه به دیواره‌های حرم و ضریح مقدّسش نزدیکتر می‌شویم درصد آلودگی‌ها و میکروب‌ها کمتر می‌شود تا به حدّ اقل ممکن می‌رسد.

در سال ۱۳۶۹ از طرف «وزارت فرهنگ و آموزش عالی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران» طی نامه ای به شماره ۱۴۵۴/۷۹/۳۰۱ سه پژوهشگر معرفی شدند تا در مورد: «احتمال پراکندگی میکروبی در حرم مطهر امام رضا علیه السلام تحقیق نمایند و از آستان قدس رضوی در آن نامه تقاضا شده بود نسبت به نمونه برداری از نقاط مختلف، علی‌الخصوص خاک مرقد مطهر با ایشان همکاری‌های لازم معمول شود.

... در این مقاله به این مطلب تصریح می‌کند:



از لحاظ اعتقادی مذهبی بدن‌های معصومین علیهم‌السلام و افراد پاک و برجسته از هر گونه آلودگی به دور بوده و فساد در آن‌ها راه نمی‌یابد بدین لحاظ حتی پس از مرگ نیز به فرمان باری تعالی فساد نعشی از ایشان دور بوده و بدن مطهرشان همچنان سالم باقی می‌ماند. بدن سالم حرّ بن ریاچی و ابن بابویه که اتفاقاً در قرون معاصر سالم از قبر خارج شده‌اند مؤید این ادّعا است.

از سوی دیگر از نظر مکانی نیز، محل دفن برخی از بزرگان دین صراحتاً از خاک بهشت یا امثال آن ذکر شده و شفاعت بودن آن و همین طور دارای کرامات دیگر بودنشان با استفاده از روایات مزبور محرز است. مانند خاک کربلا یا خاک طوس.

چنان که از امام محمد تقی علیه‌السلام نقل شده است که: در میان دو کوه طوس قطعه‌ای از زمین است که از بهشت برداشته شده و هر که در آن داخل شود روز قیامت از آتش جهنّم ایمن خواهد بود

هر چند که میان مقوله متافیزیک مافوق الطبیعه و علوم تجربی تفاوت بسیار است لیکن بر آن شدیم لا اقل از باب تحقیق، مسئله را از جهت میکروبیولوژی مورد بررسی قرار دهیم لذا به تهیه و تنظیم طرحی به شکل زیر پرداختیم.

بر اساس این طرح ابتدا نقشه کاملی از حرم مطهر تهیه نموده و



سپس با مرکز قرار دادن ضریح مطهر دواير متحدالمرکزی از اطراف فلکه حرم تا مرکز (یعنی ضریح) رسم نمودیم و سپس بر روی دواير مزبور نقاطی را تعیین نمودیم و در ساعات مختلف شبانه روز و در فصول گوناگون سال به نمونه برداری میکروبی از آن نقاط پرداختیم... نتیجه آزمایش این شد که هر چه به ضریح مقدس نزدیک تر می شویم درصد میکروب ها تقلیل می یابد.^۱

حاکمیت معنوی در حرم امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام

بنابراین تجربه و تحقیق علمی ضریح مطهر امام رضا علیه السلام نه تنها منشأ آلودگی به میکروب نیست، بلکه قسمت وسیعی از اطراف حرم را تحت تأثیر قرار می دهد و هر مکانی نسبت به نزدیک تر بودن آن به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام از آلودگی به میکروب پاک تر است.

بنابراین بستن حرم مطهر و یا باز گزاردن آن و بستن اطراف ضریح مطهر امام رضا علیه السلام، نه دلیل معنوی دارد و نه دلیل علمی. با این بیان واضح شد که حاکمیت معنوی که در ضریح مقدس و همچنین حرم مطهر امام رضا علیه السلام موجود است شعاع گسترده ای از

۱. چه کنیم عقل ما کامل شود: ۲۷۴.



اطراف حرم مطهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آلودگی اطراف حرم امام رضا علیه السلام می‌کاهد.

این حاکمیت معنوی در حرم امام رضا علیه السلام در حرم‌های معصومین دیگر علیهم السلام نیز وجود دارد.

این حاکمیت معنوی برای آنان که دارای مودّت و محبّت شدید نسبت به اهل بیت علیهم السلام می‌باشند، واضح است، اگر چه تحقیقی همانند آنچه درباره حرم امام رضا علیه السلام واقع شده، درباره حرم‌های معصومین دیگر علیهم السلام، انجام نگرفته است؛ ولی اجتماعات میلیونی به مناسبت‌های گوناگون در حرم‌های مطهر نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرا، و آسیب ندیدن هیچ یک از میلیون‌ها زائری که به زیارت در آن مکان‌های عظیم معنوی می‌روند، گواه بر وجود چنین حاکمیت معنوی در همه حرم‌های ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد.

این واقعیتی است که با فکر و اندیشه درباره آن و کنارگذاشتن طرفداری از این و آن؛ برای همه حقیقت جویان، واضح و آشکار می‌شود.

نتیجه آنچه گفتیم این است که آزمایش‌های علمی و تجربی نیز حاکمیت معنوی در حرم امام رضا علیه السلام را ثابت کرده است. و بدیهی است حرم‌های مطهر دیگر نیز دارای این حاکمیت معنوی می‌باشند.



یک نکته قابل دقت

مطلب بسیار مهمّ دیگر این است که اگر در حرم‌های ائمه علیهم‌السلام ویروس وجود داشته باشد، ضریح مطهر از همه قسمت‌های دیگر حرم پاک‌تر از ویروس است؛ زیرا ضریح‌های مطهر از نقره است و نقره حتی از مس در نابود کردن باکتری‌ها قوی‌تر است.

اگر ویروس روی پلاستیک و اشیاء دیگر چند روز باقی می‌ماند، بر فرض که ویروس در سطح مسی قرار بگیرد تا چند ساعت از بین می‌رود. و در سطح نقره‌ای کمتر از آن زمان باقی می‌ماند.

به همین جهت در بعضی از کشورهای پیشرفته، تخت‌های بیمارستان‌ها را از مس می‌سازند، تا بیمارانی که در تخت‌های بیمارستان‌ها - که مرکز میکروب‌ها است - بستری هستند، از سرایت باکتری‌ها و میکروب‌ها در امان باشند.

به گزارش مشرق، در بررسی‌های جدید، دانشمندان درباره ماندگاری ویروس کووید ۱۹ روی سطوح مختلف، به نتایج جالبی دست یافتند.

طبق این تحقیقات ویروس روی سطوح پلاستیکی و فولادی تا سه روز باقی می‌ماند اما روی سطوح مسی پس از ۴ ساعت از بین می‌رود، زیرا فلز مس خاصیت آنتی باکتریایی دارد.



ویروس چند ساعت روی سطوح دوام می آورد؟

DNA یکی از مهم ترین اجزای ویروس است و با از بین رفتن آن، ویروس کاملاً نابود می شود. بنابراین هنگامی که ویروس روی فلز مس فرود می آید، یون های این فلز به غشای لیپید ویروس حمله کرده و DNA این ویروس را از بین می برند.

پروفسور ویلیام کیویل، میکروبیولوژیست ارشد دانشگاه ساوتهمپتون انگلستان بیش از دو دهه است که در حال مطالعه در مورد اثرات ضد میکروبی مس است، ضمن پیشنهاد استفاده از مس در فروشگاه ها، حمل و نقل عمومی و باشگاه ها می گوید: انگلیس از سایر کشورهای دیگر در استفاده کردن از مس در مکان های عمومی عقب مانده است.

او افزود: برای مثال اتوبوس های لهستان مجهز به دستگیره های مسی هستند، همچنین فرودگاه های شیلی و کیوسک های مهاجرت برزیل با این فلز پوشیده شده اند. در باشگاه های ورزشی آمریکا نیز هالترها و دیگر تجهیزات دارای رویه مسی هستند.

تحقیقاتی که در ماه نوامبر گذشته در آمریکا صورت گرفت، نشان داد که تخت خواب های مسی در بخش های مراقبت ویژه



بیمارستان به طور متوسط ۹۵ درصد کمتر از تخت بیمارستان معمولی باکتری‌ها را در خود جای داده است.^۱

خاصیت ضد میکروبی نقره^۲

با توجه به تأثیر مس در نابود ساختن باکتری‌ها و اینکه نقره قوی‌ترین فلز در ضد باکتری بودن می‌باشد، به این مطالب توجه کنید:

«داستان خاصیت ضد میکروبی نقره، داستان معاصر نیست، بلکه این خاصیت از دیرباز شناخته شده و به کار می‌رفته است. تاکنون دانشمندان مکانیسم‌های متفاوتی را برای تبیین اثرگذاری نقره بر میکروب‌ها یافته‌اند و در واقع به دلیل همین تعدد مکانیسم‌هاست که میکروب‌ها نمی‌توانند نسبت به نقره سازگار شوند یا مقاومت پیدا کنند. امروزه به مدد فناوری نانو ساخت ذرات نقره در ابعاد نانو میسر شده است. در این ابعاد، ذرات نانو نقره به ما این امکان را می‌دهند که با کمترین غلظت، خاصیت ضد میکروبی بسیار قوی را از فلز نقره شاهد باشیم.

۱. باشگاه خبرنگاران.

۲. ما از نظر اعتقادی برای مطهر بودن ضریح‌ها هیچ‌گونه نیازی به ثابت کردن ضد باکتری بودن نقره نداریم، ولی آگاهی از این که گاهی ضریح‌ها را متأسفانه با پارچه و پلاستیک می‌پوشانند متذکر شدیم.



نانو فناوری، دستیابی به فناوری کار بر روی ذراتی با ابعاد ۱۰ - ۹ متر (نانو متر) است که به نانو ذرات موسوم هستند. دلیل انتخاب این مقیاس برای کار روی مواد، خواص خارق العاده‌ای است که در ذراتی با این سایز ظاهر می‌شود و امروزه بشدت مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، مثل فلز نقره.

نقره در واقع یکی از قدیمی‌ترین فلزات مورد استفاده بشر بوده است و براساس مستندات تاریخی از مدت‌ها پیش مردم کشورهای مختلف جهان از خواص میکروب‌کشی نقره استفاده می‌کردند. برای مثال در جنگ‌ها روی زخم سربازان سکه‌ای از جنس نقره قرار می‌دادند و سپس محل زخم را می‌بستند یا برای نگهداری مواد غذایی از ظروف نقره‌ای استفاده می‌کردند.

... در این میان هرچند استفاده از خاصیت ضد میکروبی نقره طی سالیان متمادی و در جوامع مختلف مرسوم بود، اما علم امروز بشر نیز تأثیر آن‌ها را در ضد عفونی و از بین رفتن میکروب‌ها به اثبات رسانده است. در واقع هم‌اکنون با وجود رشد فناوری نانو و اطلاع از خواص نانو ذرات و مقایسه آن با مواد توده‌ای، توجه زیادی به سنتز نانو ذرات نقره شده است که به نظر می‌رسد این توجه ویژه به دلیل خواص منحصر به فرد نقره از جمله خاصیت ضد میکروبی این فلز در مقیاس نانو باشد. تحقیقات متنوعی روی انواع میکروب‌ها از نظر اثرگذاری ذرات نانو نقره صورت گرفته



است و تاکنون بیش از ۶۰۰ نوع میکروب اثرپذیرشناخته شده‌اند که از آن جمله می‌توان حتی به ویروس ایدز نیز اشاره کرد.

به طور کلی نانو ذرات سطح زیادی دارد. این افزایش سطح باعث می‌شود تا یک گرم از نانو ذرات نقره برای ضد باکتری کردن یکصد مترمربع از سطح یک ماده کافی باشد، اما در این میان از آنجا که پوشش دادن وسایل مصرفی با نقره خالص برای ضد باکتری کردن آن‌ها دارای قیمت تمام شده زیادی است، بنابراین محققان دریافته‌اند که استفاده از نانو ذرات نقره می‌تواند یک راه عملی برای استفاده از خاصیت میکروب کشی آن باشد.

... به گفته مهندس چاوشی از آنجایی که نقره ذاتاً خاصیت ضد باکتری، ضد کپک و ضد قارچ دارد با استفاده از این ظروف در مقایسه با ظروف معمولی در ۲۴ ساعت اولیه میزان رشد باکتری‌ها ۹۸ درصد کاهش یافته است.^۱

نتیجه‌گیری از آنچه گفتیم

با توجه به آنچه گفتیم: هم به دلیل حاکمیت معنوی که در حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد باید بدانیم که ضریح‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام و امامزادگان والامقام علیهم‌السلام پاک‌ترین و مطهرترین نقطه

۱. وبسایت مگیران (بانک اطلاعات نشریات ایران)، نوشته بهاره صفوی.



حرم است هم از نظر حاکمیت معنوی و هم از نظر علمی. بنابراین باز گزاردن حرم‌ها و بستن اطراف ضریح‌ها از هیچگونه دلیل معنوی و علمی برخوردار نیست.

همانگونه که بستن حرم‌ها نه دارای دلیل معنوی است و نه دلیل علمی. علاوه بر آنکه بستن حرم‌ها یا مانع شدن از تبرک جستن به ضریح‌ها خلاف تجربه است.

باز بودن حرم‌ها و اجتماعات میلیونی در ایام اربعین در کربلا و نجف و... ثابت می‌کند که ایمان و اعتقاد مردم به آن مکان‌های مقدّس و عنایات اهل بیت علیهم‌السلام به زوّارشان، فوق آن چیزی است که سازمان بهداشت جهانی می‌گوید.

آنان که با تاریخ سر و کار دارند و از مسائل تاریخی آگاهی دارند، می‌دانند در طول تاریخ بیماری‌هایی مردمان جهان را به خود گرفتار ساخته است مانند بیماری وبا و طاعون که کرونا با آن‌ها قابل مقایسه نیست.

در سال ۷۴۹ که بیماری طاعون بسیاری از شهرها را فرا گرفته بود در هر روز چند هزار نفر جان خود را از دست می‌دادند؛ با اینکه جمعیت انسان‌ها در آن زمان نسبت به زمان ما بسیار اندک بوده است.

در آن زمان نه مردم را از اجتماع در مساجد ترساندند و نه از



حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام، بلکه مردم را به اجتماع هزاران نفری در مسجد و بیابان فرامی‌خواندند تا برای برطرف شدن بیماری طاعون دعا کنند. این واقعیت را ابن بطوطه در سفرنامه خود نوشته است.

ما قبل از نقل کلام ابن بطوطه توجه شما را به این حقیقت جلب می‌کنیم که از صدر اسلام و از زمان حضور ائمه علیهم‌السلام، هرگاه بیماری‌های طاعون و وبا گریبانگیر مردم شده و آن‌ها را به خود مبتلا ساخته است، حتی یک مورد وجود نداشته است که اجتماعات مردم را در حرم‌ها و یا مساجد ممنوع کنند و درب حرم‌ها و مساجد را ببندند.

ما این واقعیت را از کتاب «کرونا در دایره پرسمان» نقل می‌کنیم:

«تا جایی که بررسی کردیم، به سندی دست نیافتیم که تصریح کند در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام بر اثر بیماری‌های مسری، تجمعاتی مانند نماز جمعه و جماعت مساجد و مراقد تعطیل شده باشند. پس با صرف نظر از برخی اشارات اندک که در ادامه خواهیم گفت، به نظر می‌رسد که منع مردم از حضور در مساجد و مراقد برای مقابله با یک بیماری واگیر، پدیده نادری بوده و این شاید، ریشه در نوع نگاه مردم به این‌گونه بیماری‌ها داشته باشد که گاه با پندارهای خرافی آمیخته بوده است. در این باره، توجه به تاریخ پزشکی بیماری‌های فراگیری مانند وبا و طاعون، سودمند است. برای



نمونه، در منابع طبّ سنتی، موقعیت ستارگان و سیارات، وضعیت جوّی منطقه از جهت غلظت و رطوبت هوا، تعفّن هوا و استعداد بدنی افراد، در پیدایش بیماری طاعون مؤثر دانسته شده و حتّی ترس و وهم و خوف را نیز از اسباب سرایت آن می‌دانستند. طبیعی است که چنین نگرش‌هایی، در شیوع مقابله با بیماری نیز تأثیر داشته است؛ و حتّی با اعتقاد به اثرگذاری ترس و وهم، نه تنها انگیزه‌ای برای تعطیلی مساجد و مراقد ایجاد نمی‌شود، بلکه میل به حضور در این گونه اماکن افزایش نیز می‌یابد.

مطالعات متعدّد صورت گرفته در این باره نشان می‌دهد که پزشکان مسلمان از دیرباز، به مُسری بودن این بیماری‌ها اذعان داشته‌اند؛ ولی در روش‌های درمانی که در منابع طبّ سنتی ثبت شده است، اشاره‌ای به قطع ارتباط با افراد مبتلا از طریق تعطیلی مساجد و مانند آن به چشم نمی‌خورد. البتّه ترک سرزمینی که دچار طاعون شده، در منابع طبّی قدیم سفارش شده و در روایات اسلامی نیز توصیه به ترک مناطق آلوده وجود دارد؛ ولی این غیر از تعطیلی مساجد و مراکز مذهبی است.^۱

۱. کرونا در دایرة پرسمان: ۲۴۴.



خاطره‌ای از طاعون در شام

«ابن بطوطه» در سفرنامه خود، داستانی درباره طاعون بزرگ دمشق نقل می‌کند که خود شاهد آن بوده و نشان می‌دهد که مردم نه تنها از اجتماع در مسجد منع نشدند، بلکه برای دعا و انابه دسته جمعی، به مسجد نیز فراخوانده شدند. وی می‌گوید:

«در اواخر ربیع الثانی سال ۷۴۹ هنگام شیوع طاعون بزرگ، من در دمشق بودم و داستانی شگفت از احترام و اعتقاد دمشقیان درباره این مسجد (مسجد الأقدام در دو میلی جنوب دمشق) دیدم. بدین تفصیل که نایب سلطان ملک الامرا ارغون شاه، منادی در شهر فرستاد که مردم سه روز روزه بدارند و تمام خوراک فروشی‌های بازار روزها تعطیل باشند. اتفاقاً بیش‌تر مردم در دمشق در بازار غذا می‌خورند. مردم سه روز متوالی روزه گرفتند و آخرین روز که مصادف با پنجشنبه بود، امرا و سادات و قضات و فقها و دیگر طبقات، در مسجد جامع گرد آمدند، چندان که مسجد گنجایش جمعیت را نداشت. این مردم شب جمعه را به نماز و ذکر و دعا به سر بردند و پس از نماز صبح، به اتفاق امیران که پابره‌نه بودند، مصحف‌ها بر سردست، از مسجد بیرون آمدند. تمام اهل شهر نیز از صغیر و کبیر به دنبال آنان راه افتادند. یهود و نصاری، زن و مرد، تورات و انجیل برداشته، به حال گریه و تضرع بیرون



آمدند و رو به سوی مسجد الاقدام نهادند و در آنجا تا نیم روز، همگان به خدا پناهنده شده، کتب آسمانی و انبیاء را به شفاعت یاد کردند. آنگاه به شهر بازگشته نماز آدینه را به جای آوردند. در نتیجه این عمل، خداوند بلا را بر اهل شهر تخفیف داد. عدّه متوفّیان در دمشق روزانه به دو هزار تن می‌رسید؛ ولی در قاهره و مصر عدّه تلفات در یک روز تا بیست و چهار هزار تن رسید.^۱ این خاطره نشان می‌دهد که در هنگام بروز بیماری فراگیر، حاکمان شام هر چند با هدف تشویق مردم به روزه داری به ایجاد محدودیت‌هایی برای استفاده از اغذیه فروشی‌های عمومی پرداخته‌اند و در عین حال، از تجمع در مسجد برای نیایش گروهی ابا نداشتند. البتّه عبارت پایانی ابن بطوطه نشان می‌دهد که بعد از آن توّسّلات نیز طاعون همچنان وجود داشته ولی از شدّت تلفات آن کاسته شده است.

نکته دیگری که در این خاطره قابل توجّه است، مسجدی است که برای این توّسل همگانی انتخاب شده بوده است. «اقدام» یعنی «گام‌ها» و از توضیحات قبلی ابن بطوطه دانسته می‌شود که علّت این نام‌گذاری، وجود قدمگاه (جای پا) بر روی سنگی در آن مسجد بوده که مردم معتقد بودند جای پای حضرت موسی علیه السلام

۱. سفرنامه ابن بطوطه: ۱/ ۱۵۴.



است. وی همچنین می گوید: «در همین مسجد اتاق کوچکی هست که سنگ نبشته‌ای در آن وجود دارد مُشعر بر آن که یکی از صلحا حضرت رسول ﷺ را به خواب دیده که می‌فرماید قبر برادرم موسی در همین جا است». بر این اساس، مسجد الاقدام، فقط مورد توجه مسلمانان نبوده و برای یهود و نصاری نیز مقدّس بوده است و ظاهراً به همین دلیل هم دعای همگانی را در آنجا برگزار کردند تا غیر مسلمانان نیز در این آیین شرکت کنند؛ چنان‌که به گزارش وی، «یهود و نصاری، زن و مرد، تورات و انجیل برداشته به حال گریه و تضرّع رو به سوی مسجد الاقدام نهادند و در آنجا تا نیم روز، همگان به خدا پناهنده شده، کتب آسمانی و انبیاء را به شفاعت یاد کردند»^۱.

همانگونه که مشاهده کردید بیماری طاعون در سال ۷۴۹ قمری در کشورهای سوریه، مصر و... جان افراد بی شماری از انسان‌ها را گرفته است.

در آن زمان نه مردم را از مسجد ترساندند و نه از همدیگر؛ بلکه مسلمانان و یهود و نصاری به کتاب‌های آسمانی خود، قرآن و تورات و انجیل پناه برده و به دعا و نیایش عمومی پرداختند. اجتماع آنان نه تنها اثری در افزایش بیماری طاعون نداشت،

۱. کرونا در دایرة پرسمان: ۲۴۶.



بلکه باعث کم شدن طاعون شد.

بدیهی است اگر زمامداران مردم در آن زمان آنان را از تشکیل اجتماع و مسری بودن طاعون می ترساندند، نه تنها مبتلا شدن آنان به طاعون کمتر نمی شد، بلکه سبب ازدیاد مبتلا شدن به آن می شد، زیرا ترس و وحشت و دلهره یکی از عوامل مهم گرفتار شدن به مرض ها می باشد.

وبا در ایران و نقش اضطراب و وحشت مردم در مرگ آنها

در قرن گذشته در سال ۱۳۱۰ قمری وبا شهر تهران را فرا گرفته بود. مرگ و میر مردم تهران در آن زمان که تعدادشان نسبت به این زمان بسیار کم بوده به ۱۵۰۰ نفر در هر روز می رسید.

میرزا یحیی دولت آبادی در جلد اول کتاب «حیات یحیی» مطالبی درباره فراگیر شدن وبا در تهران نوشته است که چند سطر آن را برای شما نقل می کنیم:

او درباره وبا در محرم سال ۱۳۱۰ قمری می نویسد: «در نیمه ماه روز به روز بر طغیان وبا افزوده شد. اضطراب مردم به حد کمال رسید هر کسی بیشتر می ترسد، زودتر می میرد.

شمار مردگان در تهران به روزی ۱۵۰۰ نفر می رسد، اموات را در تابوت، و تابوت را بر پشت الاغ به قبرستان می برند و هیچ گونه



تشریفات برای هیچ مرده‌ای از هر خانواده‌ای باشد، به جا آورده نمی‌شود.

با این سادگی و آسانی باز یک روز و دو روز، جنازه‌های عزیزان در برابر پدران و مادران و ارحام و نزدیکان بر زمین مانده است و وسایل کفن و دفن آن‌ها فراهم نمی‌شود.^۱ میرزا یحیی دولت آبادی خودش از افرادی بوده که به وبا مبتلا شده و سپس نجات یافته است.

بنابراین مردم هیچگاه نباید خود را تسلیم شایعات کنند. «توجّه به شایعات و افکار منفی، ناامیدی و یأس را در پی خواهد داشت. ترس افراطی و توجّه به افکار منفی سبب بروز اختلال در عملکرد جسم می‌شود. این موضوع به خوبی در کتاب‌های معتبر طبّ قدیم، در بخش اعراض نفسانی، بحث شده است».

افکار خوب و سازنده

«توجّه به افکار مثبت، مثبت اندیشی و شادی به صورت طبیعی و نه افراطی، نوعی قوت نفسانی است که سبب پدید آمدن آثار مثبت در جسم می‌شود از این رو بسیار اهمیت دارد؛ البته مثبت



۱. وبسایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، از کتاب: حیات یحیی.



اندیشی غیر از خیال بافی های بیهوده است؛ بلکه در واقع، تصور و تصدیق صحیح، از مبادی و ریشه های پدید آمدن اراده ها، برای رسیدن به مطلوب است گاهی یک نفر بدون تلاش و در نظر گرفتن واقعیت ها و محدودیت ها مدام خیال بافی می کند چون به نتیجه نمی رسد ناامید می شود ولی اگر مثبت اندیشی، تصوّرات خوب و افکار مثبت توأم با تلاش، توکل، در نظر گرفتن محدودیت ها و واقعیت ها باشد، بسیار کارایی دارد.

نتیجه:

از توضیحات بالا معلوم شد در شرایط بحرانی و سخت، می توان با فکرهای مثبت و انتشار آن البته به صورت عقلایی و نه افراطی و خیال بافی مذموم، نوعی واکسینه و سپر دفاعی در برابر بلاها و بیماری ها ایجاد نمود همچنین با عدم توجه به افکار و حرف های منفی و جلوگیری از ترس افراطی، می توان در پیشگیری و بهبود درمان، قدم های مؤثری برداشت.^۱

ایجاد امید و اطمینان به جای ترس و دلهره

سزاوار است افرادی که مسئولیت اداره مردم را به عهده می گیرند، در موارد گوناگون به جای آنکه مردم را بترسانند و

۱. کرونا در دایره پرسمان: ۲۶۳.



استرس بر آن‌ها وارد کنند، واقعیت را بیان کنند، آنان را به حقیقت مطلب آشنا سازند و از ایجاد ترس و وحشت در میان مردم بپرهیزند؛ بلکه علاوه بر این که نباید در مردم ترس و دلهره ایجاد کنند، باید بذر امید و افکار مثبت را در قلب مردم بیفشانند. چه بسیار افرادی که به خاطر ترس و وحشت از بیماری خاص، سرانجام به آن مبتلا شده و جان خود را از دست داده‌اند و چه بسیار افرادی که به خاطر عوامل گوناگون مبتلا به مرض‌های کشنده شده ولی به خاطر امید و اطمینان سرانجام از آن مریضی نجات یافته و شفا گرفته‌اند.

بنابراین؛ آیا سزاوار نیست مسئولین به جای ایجاد ترس و وحشت در قلب مردم، آنان را امیدوار ساخته و زمینه گرفتار شدن آن‌ها را به بیماری‌های هلاک کننده فراهم نکنند.

متأسفانه اکنون ترس و وحشت بسیاری از مردم جهان را فرا گرفته و این عامل مهمی برای گرفتار شدن آن‌ها به آنچه که از آن می‌ترسند، شده است این حقیقتی است که در روایات خاندان وحی علیهم‌السلام به آن تأکید شده است. اهل بیت علیهم‌السلام همیشه مردم را از ناامیدی، تفأل به شر و امثال آن نهی کرده و همه را به داشتن امید و اطمینان و ایمان و یقین فراخوانده‌اند.

چه بسیار افرادی بوده‌اند که بر اثر امید و اطمینان قلب، با



مناجات با خداوند بزرگ و توسّل به اهل بیت عصمت علیهم السلام، خود را از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها نجات بخشیده‌اند.

چه بسیار افرادی بوده‌اند که حتّی پس از تحمّل سال‌ها رنج و گرفتاری‌های شدید به خاطر مرض‌های بی‌علاج، سرانجام با امید و اطمینان به درگاه اهل بیت علیهم السلام متوسّل شده‌اند و خود را از دردهای جانکاه و گرفتاری‌های مهم نجات بخشیده‌اند.

چه بسیار افرادی بوده‌اند که مبتلا به بدترین مرض‌ها مانند سرطان، وبا و طاعون شده‌اند، و سرانجام با دعا و نیایش به درگاه خداوند مهربان یا توسّل به اهل بیت عصمت علیهم السلام خود را از بدترین مرض‌ها نجات داده و سلامت خود را بازیافته‌اند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه بارها و بارها مردم را از راه‌های نجات از گرفتاری‌های خانمان سوز آگاه نموده و وسیله‌رهایی آن‌ها را به آنان تعلیم نموده‌اند.

یکی از دستوراتی که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه صادر شده و بسیاری از شیعیان با انجام دادن آن از گرفتاری‌های شدید نجات یافته‌اند، نماز و دعای فرج است.

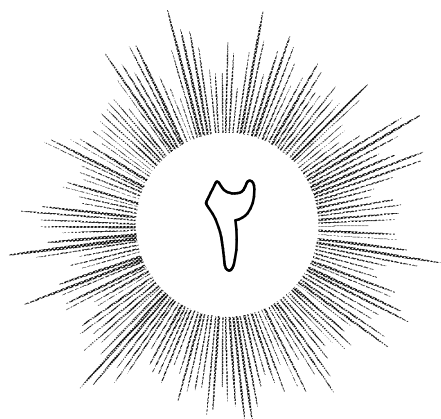
این دستور که در کتاب‌های علمای شیعه آورده شده و شاید بی‌نظیرترین دستوری باشد که از سوی آن امام مهربان برای رهایی از سختی‌ها نقل شده، سبب نجات بسیاری از مردم از



گرفتاری‌های بزرگ شده است، در روزگاری که وبا شهر نجف را فرا گرفته بود و افراد زیادی جان خود را به خاطر این مرض از دست دادند، با خواندن نماز و دعای فرج که از سوی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه صادر شده، وبا در شهر نجف ریشه کن شد.^۱

با توجه به این مطالب چقدر پسندیده است که مردم در مریضی‌ها و گرفتاری‌ها به جای ترس و دلهره و اضطراب، امید و اطمینان را در قلب‌های خود بارور کنند و با یقین به دعا و نیایش پرداخته و متوسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) شوند تا از سختی‌های گوناگون نجات پیدا کنند.^۲

-
۱. دستور نماز و دعای فرج در کتاب «صحیفه مهدیه صفحه ۱۲۱» ذکر شده است.
 ۲. مطالبی را که گفتیم در زمان اوج تبلیغات «کرونا» در وبسایت «پایگاه علمی المنجی» گذاشتیم و مورد استفاده هزاران نفر قرار گرفت. تذکر این نکته لازم است که یهود وعده داده است! انواع بیماری‌ها و میکروب آن‌ها را در جهان انتشار دهد.
- رجوع کنید به کتاب «پروتکل‌های دانشوران صهیون ...: ۳۰۱».



عظمت عزاداری

برای امام حسین علیه السلام



عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام





عزاداری^۱ برای امام حسین علیه السلام قبل از خلقت آن حضرت

در بعضی از روایات تصریح شده است که زمین و آسمان و آنچه در آنها است قبل از خلقت امام حسین علیه السلام و پیش از ورود آن

۱. «عزا» در لغت به معنای صبر و در عرف به معنای اندوهگین بودن و ناله و زاری کردن در سوگ اشخاص است. در فرهنگ شیعی، عزا و عزاداری اصطلاحاً به عموم رفتارها و اعمالی گفته می شود که در سوگ بزرگان دین به ویژه معصومین و خصوصاً امام حسین علیه السلام، برگزار می شود. این آیین با انگیزه ی دینی مانند تقرب و ابراز محبت و ارادت به ایشان و اظهار غم در مصیبت آنها در قالب برگزاری مجالس و مراسم مشخص انجام می شود. به فرد سوگوار، «عزادار» گفته می شود. «عزاخانه» نیز از جمله نام هایی است که برای مکان های محل برگزاری عزاداری به کار می رود. در منابع شیعی، روایت های بسیاری از امامان شیعه در تشویق شیعیان به اقامه ی عزا در مصیبت امام حسین علیه السلام آمده است...

مرحوم شیخ مفید در امالی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «هرکس یک بار چشمانش بر ما و خونی که از ما ریخته شد و حقی که از ما پایمال شد و آبرویی که از ما ریخته شد یا بر کسی از شیعیان ما گریان شود خدای تعالی او را سالیان سال، در بهشت جای خواهد داد». امامان شیعه خود نیز برای امام حسین علیه السلام عزاداری می کردند و می گریستند. (فرهنگ سوگ شیعی: ۳۴۵).



حضرت به این دنیا برای آن حضرت گریه کرده‌اند.
مرحوم شیخ جعفر شوشتری می‌گوید بنابر بعضی از روایات
اولین چیزی که خلق شده نور امام حسین علیه السلام و سایر
معصومین علیهم السلام می‌باشد، و می‌افزاید:
همه مخلوقات بر آن حضرت گریه کرده‌اند. ایشان روایتی از
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«حسین منی وأنا من حسین»^۱.

(حسین از من است و من از او هستم).

و همچنین روایت دیگری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«أنا من حسین و حسین منی»^۲.

(من از حسین هستم و حسین از من است).

گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: حسین از من و من از حسینم و
همچنین: من از حسین و حسین از من است در این دو روایت، به
جهت خلقت واحد نوری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السلام است.
روایت دوم، دلالت بیشتری بر عظمت نور امام حسین علیه السلام دارد.
ایشان می‌فرماید نه تنها این عالم بلکه موجودات همه عوالم بر
آن حضرت گریه کرده‌اند و می‌افزاید:

۱. بحار الانوار: ۴۳ / ۲۷۱، کامل الزیارات: باب ۱۴ ص ۵۳.

۲. بحار الانوار: ۴۳ / ۲۹۶، مناقب: ۳ / ۲۲۶.



گریه این عوالم نه تنها بعد از قتل آن سرور است، بلکه پیش از تحقق آن بوده، چنانکه در زیارت سوّم شعبان از حضرت حجت غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف مأثور است:

«بکته السماء ومن فیها والأرض ومن علیها ولما یطاء
لا بتیها»^۱

(آسمان و زمین و آنچه در آنها است بر آن جناب گریه کردند
و حال این که هنوز قدم به عرصه دنیا ننهاده بود).^۲

قرآن و گریه آسمان و زمین

یکی از مطالبی که در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده گریه آسمان و زمین برای شهادت امام حسین علیه السلام است. این واقعیّت، در کلمات اهل بیت علیهم السلام به تعبیرهای مختلف وارد شده است.

ما قبل از آنکه به نقل برخی از این روایات بپردازیم، اصل گریه آسمان و زمین از نظر قرآن را بیان می‌کنیم. آیا از نظر قرآن گریه کردن آسمان و زمین ممکن است؟ آیا در قرآن به این نکته تصریح شده است؟ آیا از نظر قرآن، گریه کردن

۱. بحارالانوار: ۳۴۷/۹۸، مصباح المتّهجد: ۷۵۸.

۲. ترجمه خصائص حسینیّه: ۹۲.



آسمان و زمین صحت دارد؟

بدیهی است اگر از نظر قرآن، آسمان و زمین برای شخصی و یا جریانی گریه کرده باشند، سزاوارترین شخص و مهمترین جریان، برای گریه کردن آسمان و زمین، امام حسین علیه السلام و شهادت آن حضرت در روز عاشورا است.

با دقت نمودن در آیات قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که بدون تردید قرآن بر گریه کردن آسمان و زمین دلالت می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا

مَنْظَرِينَ﴾^۱

پس گریه نکرد بر آنان آسمان و زمین و نه به آنان مهلت داده شد.

خداوند در این آیه شریفه اقوامی را سرزنش کرده به این جهت که به خاطر مردن آنها آسمان و زمین بر آنها گریه نمی‌کنند. مفهوم این آیه شریفه به خوبی دلالت می‌کند که آسمان و زمین گریه می‌کنند، وگرنه سرزنش نمودن خداوند اقوامی را به خاطر گریه نکردن آسمان و زمین بر آنها، معنی نداشت. درباره این آیه شریفه به قسمتی از روایتی که از حضرت

۱. سورة دخان، آیه ۲۹.



امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده توجه کنید:

وَقَدْ أَذْبَرَتِ الْحَبِيلَةُ وَأَقْبَلَتِ الْغَبِيلَةُ وَلَاتَ حِينَ مَنَاصِ
هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ قَدْ فَاتَ مَا فَاتَ وَذَهَبَ مَا ذَهَبَ وَمَضَتْ
الدُّنْيَا لِحَالٍ بِأَلْهَا ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا
كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾^۱.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام [در بیان اقسام دنیاپرستان] بعضی
از دام هلاکت رسته ولی از دنیا زخم کاری خورده‌اند، گروهی با
بدن پاره و پوست کنده شده، عده‌ای سر بریده و دسته‌ای
دیگر خونشان به زمین ریخته است، عده‌ای انگشت به دهن
می‌گزند و برخی از شدت حسرت دست به هم می‌مالند،
جمعی سر در گریبان فکرت فرو برده‌اند و جمعیتی بر
اشتباهات گذشته افسوس می‌خورند و پاره‌ای از نیت خود
برگشته‌اند، ولی راه چاره بر آنان بسته و مرگ ناگهانی فرا
رسیده است، و وقت نجات گذشته دریغا! دریغا! آنچه از دست
رفت، گذشت و آنچه سپری شد، رفت و دنیا آن‌گونه که خود
می‌خواست به پایان رسید؛ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ.

پس گریه نکرد بر آن‌ها آسمان و زمین و نه به آنان مهلت
داده شد.^۲

۱. سورة دخان، آیه ۲۹.

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام: ۱۴/۱۸۴، از نهج البلاغه: ۲۸۴.



مفهوم این آیه شریفه دلالت می‌کند که آسمان و زمین بر بعضی گریه کرده‌اند.

و همانگونه که گفتیم سزاوارترین فرد برای گریه کردن آسمان و زمین بر او امام حسین علیه السلام می‌باشد. روایتی که اکنون نقل می‌کنیم دلالت دارد که آسمان و زمین برای آن حضرت گریه کرده‌اند.

گریه آسمان و زمین برای امام حسین علیه السلام

ابراهیم نخعی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی نقل کرده است که آن حضرت به امام حسین علیه السلام می‌فرمایند خداوند در قرآن اقوامی را سرزنش نموده است و به آیه‌ای که ذکر کردیم استدلال فرمودند و سپس بعد از سوگندی که یاد کردند به امام حسین علیه السلام فرمودند: تو را حتماً شهید خواهند کرد و سپس زمین و آسمان بر تو گریه می‌کنند. به این روایت توجه کنید:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)
فَجَلَسَ فِي الْمَسْجِدِ وَاجْتَمَعَ أَصْحَابُهُ حَوْلَهُ وَجَاءَ
الْحُسَيْنُ (علیه السلام) حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى
رَأْسِهِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ عَيَّرَ أَقْوَاماً فِي الْقُرْآنِ فَقَالَ
﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا



مُنْظَرِينَ ﴿١﴾ وَإِيمُ اللَّهُ لَيَقْتُلَنَّكَ ثُمَّ تَبْكِيكَ السَّمَاءُ
وَالْأَرْضُ.

از ابراهیم نخعی نقل شده که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه خارج شد و به مسجد رفته و در آنجا نشست و یاران حضرت دور ایشان حلقه زدند. [اندکی بعد] حسین علیه السلام آمده و در مقابل حضرت ایستاد؛ امیرالمؤمنین علیه السلام دستش را بر سر حسین علیه السلام گذاشته و فرمود: «فرزندم! خداوند در قرآن، اقوامی را سرزنش کرده و فرموده: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ؛ به خدا سوگند! تو را خواهند کشت و آسمان و زمین برایت خواهند گریست».^۲

شبهه این روایت با سندی دیگر نیز نقل شده است.^۳

در این روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سوگند یاد کرده‌اند که آسمان و زمین بر امام حسین علیه السلام گریه می‌کنند. در روایات دیگری نیز وارد شده است که آسمان‌ها و زمین برای امام حسین علیه السلام خواهند گریست.

در روایتی حضرت زین العابدین علیه السلام به گریه آسمان‌ها و زمین و همچنین به گریه اهل آسمان‌ها تصریح کرده‌اند:

۱. سورة دخان، آیه ۲۹.

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام: ۱۴/۱۸۰، از بحار الأنوار: ۲۰۹/۴۵.

۳. تفسیر البرهان: ۱۳/۱۸۴.



أَيُّهَا النَّاسُ فَأَيُّ رِجَالٍ مِنْكُمْ يُسْرُونَ بَعْدَ قَتْلِهِ أَمْ أَيُّهُ
عَيْنٍ مِنْكُمْ تَحْبِسُ دَمْعَهَا وَتَضَنُّ عَنِ انْهَمَالِهَا فَلَقَدْ
بَكَتِ السَّبْعُ الشَّدَادُ لِقَتْلِهِ وَبَكَتِ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا
وَالسَّمَاوَاتُ بِأَرْكَانِهَا وَالْأَرْضُ بِأَرْجَائِهَا وَالْأَشْجَارُ
بِأَغْصَانِهَا وَالْحَيَتَانُ وَلَجَجُ الْبِحَارِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ
وَأَهْلُ السَّمَاوَاتِ أَجْمَعُونَ أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّ قَلْبٍ لَا يَنْصَدِعُ
لِقَتْلِهِ أَمْ أَيُّ قُوَادٍ لَا يَحِنُّ إِلَيْهِ أَمْ أَيُّ سَمْعٍ يَسْمَعُ هَذِهِ
الثُّلُمَةَ الَّتِي ثَلِمَتْ فِي الْإِسْلَامِ.

امام سجاد علیه السلام : [خطاب به مردم مدینه] فرمودند: ای مردم!
کدام یک از مردان شما می تواند پس از کشته شدن امام
حسین علیه السلام شاد و خرم باشد؟! یا چشم کدام یک از شما
می تواند اشک خویش را باز داشته و از جاری شدنش جلوگیری
کند؟! با این که هفت آسمان محکم، دریاها با موج هایشان،
آسمان ها با ستون هایشان، زمین با کناره ها و اطرافش،
درختان با شاخه های خود، ماهیان و ژرفای دریاها، فرشتگان
مقرب درگاه الهی و اهل آسمان ها همه و همه برای کشته
شدنش گریه کردند! ای مردم! کدامین قلب است که برای
کشته شدنش شکافته نشود؟! و یا کدامین دل است که برای او
ناله نکند؟! یا کدامین گوش می تواند این شکافی را که در



اسلام پدیدار گشت بشنود؟^۱

روایات دیگری نیز وارد شده که در آن‌ها به گریه آسمان‌ها و زمین و اهل آسمان و زمین تصریح شده است.

روایاتی که در این باره نقل کردیم ثابت می‌کند که گریه برای امام حسین (علیه السلام) اختصاص به انسان‌ها ندارد بلکه موجودات عالم هستی بر آن حضرت گریسته‌اند.

گریستن موجودات در عالم هستی و به لرزه درآمدن عرش الهی به خاطر شهادت آن بزرگوار دلیل بر عظمت مقام امام حسین (علیه السلام) است. نه تنها بر عظمت مقام امام حسین (علیه السلام) دلالت دارد؛ بلکه دلیل بر بی‌شمار بودن گریه کنندگان برای امام حسین (علیه السلام) و سابقه طولانی عزاداری برای آن حضرت می‌باشد.

سابقه طولانی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)

همانگونه که گفتیم عزاداری امام حسین (علیه السلام) سابقه‌ای بس طولانی دارد و اختصاص به سوگواری پس از شهادت آن بزرگوار ندارد.

جبرائیل مصیبت‌های روز عاشورا را برای حضرت آدم خوانده و ایشان به گریه و زاری پرداخته است. همه پیامبران خدا کربلا را



زیارت نموده و بزرگترین پیامبران الهی که به سرزمین کربلا رسیده‌اند از مصائب امام حسین علیه السلام آگاه شده و به گریه و عزاداری برای آن حضرت پرداخته‌اند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها شهادت امام حسین علیه السلام را به نزدیکان و اصحاب خود بیان کرده‌اند و برای مصیبت‌هایی که بر امام حسین علیه السلام وارد شده اشک ریخته‌اند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام رفتن به جنگ صفین از کربلا عبور کردند و برای سیدالشهداء علیه السلام گریه کردند.

علمای شیعه پیشگویی‌هایی را که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شهادت امام حسین علیه السلام بیان نموده‌اند، و نوحه سرایی و گریه اهل بیت علیهم السلام را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.

هیچ‌گونه شک و تردیدی درباره اهمیت گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام وجود ندارد. هر چند برخی از مزدوران وهابی در اصل گریه و عزاداری تشکیک نموده و آن را رد کرده و به انکار آن پرداخته‌اند؛ اما برای همه آگاهان از دستورات اسلام آشکار است که انکار آنان جنبه سیاسی دارد و آن‌ها می‌خواسته‌اند با این کار، بزرگترین حربه و وسیله گسترش شیعه را نابود سازند و به این وسیله از پیشرفت تشیع جلوگیری کنند.

بهترین دلیل بر جواز عزاداری، سوگواری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله



برای حضرت حمزه سیدالشهداء علیه السلام و همچنین گریه آن حضرت برای مصائب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیه السلام و... است.

تأیید عزاداری‌ها توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله را نه تنها علمای شیعه بلکه علمای اهل تسنن نیز در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.

بارها رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه و عزاداری را مورد تأیید قرار داده‌اند. این روایات در مهمترین کتاب‌های شیعه و اهل تسنن وجود دارد.

احمد حنبل که رئیس یکی از چهار فرقه اهل تسنن است در کتاب خود این روایت را از محمد بن عمرو بن عطاء نقل کرده است:

«در یکی از روزها با عبدالله بن عمر در بازار نشسته بودیم ناگهان جنازه‌ای را از آنجا عبور دادند که بازماندگانش بر وی می‌گریستند. عبدالله آنان را به خاطر گریه مورد نکوهش قرار داد، سلمه به عبدالله گفت: این سخن را نگو، چرا که از ابو هریره شنیدم جنازه‌ای را از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله عبور دادند، من و عمر نیز همراه آن حضرت بودیم و زنان زیادی بر آن جنازه گریه می‌کردند، عمر آنان را مورد تعرض قرار داده و از گریه بازداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آنان را رها کن؛ چرا که چشم می‌گرید و حادثه و مصیبت



تازه است. عبدالله پرسید: آیا تو خود این حدیث را از ابو هریره شنیدی؟ گفتم: آری شنیدم. در این هنگام عبدالله بن عمر اظهار داشت: خدا و رسولش داناترند.^۱

بنابراین روایت، «عزاداری» مورد تأیید رسول خدا ﷺ است و مخالفت با آن حضرت، هیچ ارزشی ندارد.

عزاداری‌های پیغمبر اکرم ﷺ برای مصائبی که بر حضرت زهرا علیها السلام و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام وارد شده بسیار زیاد است. سوگواری‌ها و گریه‌ها و نقل مصیبت‌هایی که بر عترت و

۱. حَدَّثَنَا سُكَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ، أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ، أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ حَلْحَلَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَطَاءٍ بْنِ عَلْقَمَةَ، أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا مَعَ ابْنِ عُمَرَ بِالسُّوقِ وَمَعَهُ سَلَمَةُ بْنُ الْأَزْرَقِ إِلَى جَنْبِهِ، فَمَرَّ بِجَنَازَةٍ يَتَّبِعُهَا بُكَاءٌ فَقَالَ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ لَوْ تَرَكَ أَهْلُ هَذَا الْمَيِّتِ الْبُكَاءَ لَكَانَ خَيْرًا لِمَيِّتِهِمْ، فَقَالَ سَلَمَةُ بْنُ الْأَزْرَقِ: تَقُولُ ذَلِكَ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ؟ قَالَ: نَعَمْ أَقُولُهُ، قَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ وَمَاتَ مَيِّتٌ مِنْ أَهْلِ مَرْوَانَ، فَاجْتَمَعَ النِّسَاءُ يَبْكِينَ عَلَيْهِ، فَقَالَ مَرْوَانُ: قُمْ يَا عَبْدَ الْمَلِكِ فَانْهَهُنَّ أَنْ يَبْكِينَ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: دَعْنَهُنَّ فَإِنَّهُ مَاتَ مَيِّتٌ مِنْ آلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَاجْتَمَعَ النِّسَاءُ يَبْكِينَ عَلَيْهِ، فَقَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يَنْهَاهُنَّ وَيَطْرُدُهُنَّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دَعْنَهُنَّ يَا ابْنَ الْخَطَّابِ فَإِنَّ الْعَيْنَ دَامِعَةٌ، وَالْفؤَادَ مُصَابٌ، وَإِنَّ الْعَهْدَ حَدِيثٌ»، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: أَنْتَ سَمِعْتَ هَذَا مِنْ أَبِي هُرَيْرَةَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: يَأْتُرُهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: نَعَمْ قَالَ: قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. (مسند احمد حنبل: ۱۰ / ۱۳۰).



خانندان آن بزرگوار شده، به هیچ وجه قابل انکار نیست و در کتاب‌های روایی و تاریخی شیعه و اهل تسنن نقل شده است و به جهت کثرت آن‌ها این کتاب گنجایش نقل همه آن‌ها را ندارد.

بنابراین اگر گروهی از افراد به نام وهابی، پس از گذشت قرن‌ها به انکار آن‌ها پرداخته‌اند، چیزی جز علت سیاسی در آن وجود ندارد.

در این کتاب مطالبی عنوان شده است که این واقعیت را برای شما به خوبی ثابت می‌کند.

اکنون به نقل چند نمونه از عزاداری‌های معصومین علیهم‌السلام می‌پردازیم:

۱ - عزاداری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

ابن عباس نقل کرده:

روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشسته بودند که امام حسن علیه‌السلام آمدند؛ پیامبر وقتی ایشان را دیدند، گریستند و سپس فرمودند: پسر عزیزم! پسر عزیزم! جلو بیا، جلو بیا. ایشان را نزدیک خود کردند و روی پای راستشان نشانند. سپس امام حسین علیه‌السلام آمدند؛ وقتی ایشان را دیدند نیز گریستند و بعد فرمودند: پسر عزیزم! پسر عزیزم! جلو بیا، جلو بیا. ایشان را نزدیک خود کردند و روی پای چپ خویش نشانند. سپس حضرت فاطمه علیه‌السلام آمدند؛ وقتی ایشان را دیدند، گریستند و



بعد فرمودند: دختر عزیزم! جلو بیا، جلو بیا. ایشان را رو به روی خود نشاندد. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند؛ وقتی ایشان را دیدند گریستند و بعد فرمودند: برادرم! جلو بیا، جلو بیا. و ایشان را در سمت راست خویش نشاندد.

اصحاب به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! هر کدام از اینان را که دیدید گریستید، آیا در بین آنها کسی نبود که شما با دیدنش شادمان شوید؟ ایشان فرمودند: سوگند به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث نمود و بر تمامی انسانها برگزید، من و ایشان، گرمای ترین خلاق در پیشگاه خداوند عزوجل هستیم و در روی زمین هیچ کسی نزد من محبوبتر از اینها نیست. اما علی بن ابی طالب علیه السلام؛ برادر و همسان من بوده و صاحب الامر پس از من، و صاحب لوای من در دنیا و آخرت، و صاحب حوض و شفاعت من است. او مولای هر فرد مسلمان و امام هر مؤمن و پیشوای هر فرد با تقوا و وصی و جانشین من بر اهل بیت و امتم، چه در حیات و چه پس از وفات من است. دوستدار او دوستدار من، و دشمن او دشمن من است. و با ولایت اوست که امت من مورد رحمت قرار میگیرند، و با دشمنی با اوست که مخالفینش از امت من لعنت می شوند. وقتی او آمد، من بدان جهت گریستم که به یاد نیرنگ امتم پس از من در حق وی افتادم که با این که خداوند او را جانشین پس از من قرار داده، از جای خویش کنار زده می شود و سپس کارش به جایی می رسد که در بهترین ماهها که؛



﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾^۱.

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است.

ضربتی بر سرش می‌زنند که ریش او از آن ضربت خون آلود می‌شود.

اما دخترم فاطمه؛ که سالار همه زنان جهانیان از اوّل تا آخر است و پاره قلب من و نور چشم من و میوه دل من و روح بین دو پهلویم است و حوریه‌ای انسانی است که هرگاه در محراب، در پیش‌گاه پروردگارش - جلّ جلاله - می‌ایستد، نور او برای فرشتگان آسمان می‌درخشد، چنان‌چه نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد و خداوند عزّوجلّ به فرشتگان خویش می‌فرماید: «ای فرشتگان من! به بنده من فاطمه، سیده زنان مؤمنه بنگرید که در پیش‌گاه من ایستاده و استخوان‌هایش از خوف من می‌لرزد و با قلب خویش به عبادت من آمده است؛ شما را گواه می‌گیرم که پیروان او را از آتش امان دادم.» وقتی که او را دیدم، به یاد اتفاقاتی افتادم که پس از من بر او روا می‌دارند؛ گویی من هستم که خواری به خانه او وارد شده و حرمتش زیر پا گذاشته شده و حقوقش غصب شده و از ارثش

۱. سورة بقره، آیه ۱۸۵.



محروم شده و پهلویش شکسته و جنینش سقط شده و او فریاد می‌زند و محمّده! و جوابی نمی‌شنود و استغاثه می‌کند و کسی به دادش نمی‌رسد. او پس از من همواره غمگین و مصیبت‌زده و گریان خواهد بود و در یاد انقطاع وحی از خانه خود، که یک‌باره اتفاق افتاده می‌باشد و فراق مرا به یاد می‌آورد و شب‌ها از این که صدای تلاوت قرآن مرا نمی‌شنود احساس وحشت می‌کند و خود را ذلیل می‌بیند، در حالی که در زمان پدرش عزیز بود. و خداوند متعال در آن هنگام خاطر او را با فرشتگان مأنوس می‌کند و فرشتگان او را همان‌گونه که مریم دختر عمران را مورد خطاب قرار دادند، مورد خطاب قرار داده و می‌گویند: ای فاطمه!

﴿إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكَ وَطَهَّرَكَ وَاضْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾^۱.

خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.
ای فاطمه!

﴿اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾^۲.
فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان

۱. سورة آل عمران، آیه ۴۲.

۲. سورة آل عمران، آیه ۴۳.



رکوع نما.

سپس درد او آغاز می‌شود و مریض می‌گردد. پس خداوند عز و جلّ مریم دختر عمران را به پرستاری او می‌فرستد تا در هنگام مریضی مونس او باشد، و او در آن زمان می‌گوید: پروردگارا! دیگر از زندگی ملول شده‌ام و از اهل دنیا خسته شده‌ام؛ مرا به پدرم ملحق نما! و خداوند عز و جلّ وی را به من ملحق می‌سازد و او اولین کسی است که از میان اهل بیت به من می‌پیوندد و با حالی غمگین و مصیبت زده و غم‌دیده و غصب شده از حق و کشته شده پیش من می‌آید و آن‌گاه من می‌گویم: خدایا بر کسی که به وی ظلم کرده لعنت فرست و کسی که حقش را غصب کرده عقوبت فرما و کسی که او را ذلیل نموده خوار گردان و آن کسی که پهلوی وی را شکسته و موجب سقط بچه او شده تا ابد در آتش جهنّم گرفتار کن! در آن هنگام فرشتگان آمین می‌گویند.

اما حسن علیه السلام؛ او پسر من و فرزند من و از من است و نور چشمم و روشنی قلبم و میوه دلم است. او سرور جوانان اهل بهشت و حجت خداوند در میان امت است که امر او، امر من و گفتار او، گفتار من می‌باشد. هر کس از او پیروی نماید از من بوده و هر کس با او مخالفت ورزد از من نیست. زمانی که او را دیدم، به یاد ذلّتی که پس از من بر او خواهد رفت، افتادم. تا جایی که در نهایت از سر ظلم و عداوت، به وسیله سمّ کشته می‌شود و فرشتگان و آسمان‌های هفت‌گانه برایش می‌گریند و



تمامی موجودات، حتی پرندگان در آسمان و ماهیان در دل آب نیز بر او گریه می‌کنند؛ هر کس بر او گریه کند، چشمان او در روزی که همه چشم‌ها نابینا می‌شوند، نابینا نخواهد شد و هر کسی که دلش بر او محزون شود، در روزی که همه دل‌ها در آن محزون خواهند شد، محزون نخواهد بود و هر کس که در بقیعش او را زیارت کند، در روزی که گام‌ها بر پل صراط می‌لغزند، ثابت قدم خواهد بود.

اما حسین علیه السلام^۱؛ او از من است و پسر من و فرزند من است. او برترین خلق بعد از برادرش بوده و امام مسلمانان و مولای مؤمنان و جانشین خداوند جهانیان و فریادرس درماندگان و پناه پناهندگان و حجت خداوند بر همه مخلوقات است. او سرور جوانان بهشت و باب نجات امت است. امر او امر

۱. وَأَمَّا الْحُسَيْنُ علیه السلام فَإِنَّهُ مِنِّي وَهُوَ ابْنِي وَلَدِي وَخَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدَ أَخِيهِ وَهُوَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَخَلِيفَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَغِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَكَهْفُ الْمُسْتَجِيرِينَ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَبَابُ نَجَاةِ الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَإِنِّي لَمَّا رَأَيْتُهُ تَذَكَّرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهِ بَعْدِي كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ اسْتَجَارَ بِحَرَمِي وَقُرْبِي فَلَا يُجَارُ فَاسْأَلْهُ فِي مَنَامِي إِلَى صَدْرِي وَ أَمْرُهُ بِالرَّحْلَةِ عَنْ دَارِ هِجْرَتِي وَأُبَشِّرُهُ بِالشَّهَادَةِ فَيَزِلُّ عَنْهَا إِلَى أَرْضٍ مَقْتَلِهِ وَمَوْضِعِ مَصْرَعِهِ أَرْضِ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ وَقَتْلٍ وَفَنَاءٍ تَنْصُرُهُ عَصَابَةُ مَنْ الْمُسْلِمِينَ أُولَئِكَ مِنْ سَادَةِ شُهَدَاءِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَقَدْ رُمِيَ بِسَهْمٍ فَخَرَّ عَنْ فَرَسِهِ صَرِيحاً ثُمَّ يُدْبِحُ كَمَا يُدْبِحُ الْكَبْشُ مَظْلوماً ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَبَكَى مِنْ حَوْلِهِ وَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهُمْ بِالضَّجِيجِ ثُمَّ قَامَ علیه السلام وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي بَعْدِي ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ. رك: موسوعة الإمام الحسين علیه السلام ۱۸ / ۲۵۲.



من، اطاعت از او اطاعت از من است. هر که از او پیروی کند از من است و هر که با او مخالفت ورزد، از من نیست. وقتی او را دیدم، به یاد آن چه افتادم که پس از من با او می‌کنند؛ گویی من آن جا هستم که برای حرم و خویشاوندان من پناه می‌طلبم، ولی پناه داده نمی‌شود. من در خوابم او را در آغوش می‌گیرم و او را به کوچ از مدینه امر می‌کنم و شهادت را بر وی بشارت می‌دهم. او نیز حرکت می‌کند و به قتلگاه و محلّ به زمین افتادن خویش، سرزمین کرب و بلا و قتل و فناء می‌رود و گروهی از مسلمانان نیز که سروران شهیدان امت من در روز قیامت خواهند بود، او را یاری می‌کنند. گویا هم‌اکنون دارم او را می‌بینم که به سمتش تیری پرتاب شده و او از اسب بر زمین می‌افتد سپس سر او را با حالتی مظلومانه مانند سر گوسفند، از تن جدا می‌کنند. رسول خدا ﷺ و اطرافیان او پس از این سخنان گریه کردند و صدای ضجّه آن‌ها بلند شد. سپس حضرت برخاسته و فرمودند: بارخدا یا! از آن چه که پس از من بر سر اهل بیتم می‌آید به تو شکایت می‌کنم. و بعد وارد خانه خود شدند.^۱

در گفتار رسول خدا ﷺ نکته‌های مهمی وجود دارد، که یکی از آن‌ها آشنا بودن همه مخلوقات با اهل بیت است. در اینجا ما فقط به توضیح دو نکته از نکته‌های مهمی که در

۱. رک: تاریخ امام حسین علیه السلام: ۲۵۵/۱۸.



گفتار رسول خدا ﷺ وجود دارد، می‌پردازیم:

امام حسین علیه السلام یا باب نجات امت

۱- در این گفتار رسول خدا ﷺ امام حسین علیه السلام را باب نجات الامة می‌خوانند.

یعنی تمام امت اگر بخواهند از انواع گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها و گمراهی‌ها رهایی یابند، باب نجات آن‌ها، امام حسین علیه السلام هستند. باید از راه امام حسین علیه السلام وارد شده و از باب آن بزرگوار از همه گرفتاری‌ها و... نجات یافته و در امن و امان قرار گیرند. همانگونه که سرانجام تمامی مردمان جهان از طریق امام حسین علیه السلام از فتنه‌ها و کشتارهای آخر الزمان نجات یافته و وارد عصر ظهور شده و انوار پر فروغ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عالمیان می‌تابد.

امام حسین علیه السلام و همچنین یاوران بزرگوار آن حضرت که به تعبیر رسول خدا ﷺ - سرور شهیدان امت من در روز قیامت هستند - نقش مهمی در آشنا شدن مردم جهان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند. در واقع شهادت اصحاب امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نه تنها یاری نمودن آنان به امام حسین علیه السلام بوده است، بلکه یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ظهور امام زمان و تسخیر جهان نیز می‌باشد.

در این باره در صفحات آینده این کتاب مطالبی را عنوان می‌کنیم.



ضجّه رسول خدا ﷺ برای امام حسین علیه السلام

۲- نکته مهم دیگری که پسندیده است در عزاداری‌ها به آن توجه کنیم، «ضجّه» است.

ضجّه به معنای شیون و غوغا می‌باشد که یکی از انواع مهم عزاداری برای امام حسین علیه السلام است.

می‌توان گفت در مجالسی که شیون و غوغا می‌شود و عموم افراد خالصانه ضجّه و فریاد می‌زنند، مجلس مورد توجه خاص اهل بیت علیهم السلام و یا تشریف فرمایی آنان در مجلس می‌شود. حضور اهل بیت علیهم السلام در مجلس، حال و هوایی دیگر به مجلس می‌دهد هر چند عموم افرادی که در مجلس روضه شرکت می‌کنند متوجه این حقیقت نباشند.

به این جهت اگر در مجلسی حالت فوق العاده، ایجاد شد نباید درباره آن و یا درباره افرادی که ضجّه می‌زنند و شیون می‌کنند، قضاوت کنیم و به رفتار آنان ایراد بگیریم، زیرا ما حالات واقعی و باطنی مجالس را نمی‌بینیم. به این جهت نباید کسی را به خاطر اینکه ضجّه زده و شیون نموده، مورد انتقاد قرار دهیم.

در این باره جریان جالبی را از مرحوم علامه مدّاح نقل می‌کنیم. ایشان می‌گوید: عده‌ای از اهل دل در تهران مجلس عجیبی داشتند و خودشان را از گریه هلاک می‌کردند.



سیدالشهداء علیه السلام یکی از انواع مهم عزاداری است.

۲- عزاداری امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

سخنانی که امام حسین علیه السلام در آخرین ساعات عمر خود به زبان آورده‌اند آن چنان سوزناک و غم‌انگیز است که هر کس از شیعیان آن حضرت درباره آن دقت کند، غم و اندوه سراسر وجودش را فرا می‌گیرد و آن چنان می‌سوزد که اشک او بی اختیار جاری می‌شود. در کتاب «تاریخ امام حسین علیه السلام» می‌نویسد:

... چون حضرت سیدالشهدا به خیمه زین العابدین علیه السلام وارد شد، آن بیمار را بر بساطی از پوست افتاده، و عمه‌اش زینب خاتون را در حال پرستایش دید. علی بن الحسین چون پدرش را دید، خواست برخیزد. قدرت نداشت. به عمه‌اش فرمود: «مرا بر سینه خود بدار. همانا پسر رسول خدا می‌آید.»

پس زینب پشت سر آن حضرت نشست و او را به سینه خود تکیه داد. جناب سیدالشهدا صلوات الله علیه از رنجوری پسرش پرسش کرد و امام زین العابدین حمد خدای را به جای آورد. آن‌گاه عرض کرد: «ای پدر! امروز با این گروه منافق ملعون چه کردی؟»

فرمود: «ای فرزندان! قد استحوذ علیهم الشیطان فأنساهم ذکر الله الملك المّتان»؛ شیطان بر این جماعت چنگ افکند و یاد



خدای را فراموش کردند و آتش جنگ میان ما و آنها افروخته شد؛ چندان که زمین از خون ما و ایشان رنگین شد.»

علی بن الحسین عرض کرد: «ای پدر! کجاست عمّم عبّاس؟» چون این سؤال کرد، گریه در گلوئی جناب زینب خاتون گره گشت، و در چهره مبارک برادرش نظر می‌کرد تا چه پاسخ فرماید؛ زیرا از بیم این که مرض آن حضرت شدید گردد، از شهادت عمّم عبّاس خبر نداده بودند.

پس حضرت سیّدالشهداء ارواحنا و مهجنّا له الفداء فرمود: «ای فرزندا! عمویت را در کنار نهر فرات شهید کردند.»

علی بن الحسین علیه السلام چنان بگریست که بیهوش افتاد؛ چون به حال آمد، از دیگر عموها پرسید و آن حضرت فرمود: «کشته شدند.»

از برادرش علی و حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه و زهیر بن قین پرسید. امام علیه السلام فرمود: «ای پسر! دانسته باش که در این خیمه‌ها جز من و تو مردی زنده نیست و این جماعت که تو از ایشان سؤال می‌کنی همه روی خاک افتاده‌اند.»

امام زین العابدین بسیار گریست و به عمّه‌اش زینب فرمود: «ای عمّه! شمشیری و عصایی به من بده.»

پدرش فرمود: «با این‌ها چه می‌کنی؟»

عرض کرد: «بر عصا تکیه کنم و با شمشیر در پیش روی فرزند رسول خدا جنگ نمایم. چه بعد از وی، خیری در زندگی نیست.»



امام علیه السلام آن حضرت را منع کرد و او را در بغل گرفت و فرمود: «ای فرزند! تو اطیب ذریّه من هستی و افضل عترت من می باشی، و تو خلیفه من بر این عیال و اطفالی. چه ایشان همه غریب و تنها و بی یار هستند و به درد ذلت و یتیمی و شماتت دشمنان و نوائب زمان دچارند. همیشه فریاد ایشان را آرام کن و چون پریشان شوند، با آنها انس بگیر و با سخن نرم خاطرهای ایشان را تسلی ده! چه از مردان ایشان کسی که ایشان به او انس گیرند، غیر از تو باقی نیست و هیچ کس را ندارند که غم و اندوه خویش را به او شکایت کنند، مگر تو. ایشان را بگذار تا تو را ببینند و تو ایشان را ببوی و ایشان بر تو بگیرند و تو بر ایشان گریه کن.»

آن گاه دست او را بگرفت و به اعلی صوت خود صیحه زد: «ای زینب! ای امّ کلثوم! ای سکینه! ای رقیه! ای فاطمه! سخن مرا گوش کنید و بدانید که این پسر من، خلیفه من است بر شما و او امام مفترض الطاعه است.»

آن گاه فرمود: «ای فرزند من! سلام را به شیعیانم برسان و به آنها بگو که پدرم غریب از دنیا رفت. بر او ندبه کنید و شهید شد بر او گریه کنید.»

در آن کتاب نیز نوشته است که امام علیه السلام به ایشان فرمود:

«ای ستمدیدگان و غریبان! با این همه حال به مصیبت من مبتلا خواهید شد و بعد از آن، شما را اسیر و غارت خواهند کرد



و شهر به شهر و دیار به دیار خواهند گردانید و سر مرا با
سرهای برادران و فرزندان و خویشان و یاوران به هدیه از بهر
یزید مرتد می‌برند.»

چون جناب زینب خاتون و امّ کلثوم و سکینه این سخن را
شنیدند، بی‌تاب شدند و چنان گریستند که ساکنین آسمان‌ها را
به فریاد و ناله درآوردند^۱،^۲

۱. تاریخ امام حسین علیه السلام: ۶۱۰/۱۰.

۲. ... فجاء إلى خيمة ولده زين العابدين عليه السلام، فرآه ملقى على نطح من الأديم، فدخل عليه
وعنده زينب تمرّضه.

فلما نظر علي بن الحسين عليه السلام أراد النهوض، فلم يتمكن من شدّة المرض، فقال
لعمته: سنّديني إليّ صدرك فهذا ابن رسول الله قد أقبل، فجلست زينب خلفه وأسندته
إلى صدرها، فجعل الحسين عليه السلام يسأل ولده عن مرضه وهو يحمد الله تعالى.
ثم قال: يا أبتاه، ما صنعت اليوم مع هؤلاء المنافقين؟ فقال له الحسين عليه السلام: يا ولدي، قد
استحوذ عليهم الشيطان فأنسأهم ذكر الله، وقد شبت الحرب بيننا وبينهم لعنهم الله حتّى
فاضت الأرض بالدم منّا ومنهم، فقال علي عليه السلام: يا أبتاه، وأين عمّي العباس، فلما سأله
عن عمّه اختنقت زينب بعبرتها وجعلت تنظر إلى أخيها كيف يجيبه، لأنّه لم يخبره
بشهادة عمّه العباس خوفاً لأن يشنّد مرضه عليه السلام.

فقال له علي عليه السلام: يا بني، إنّ عمّك قد قتل، قطعوا يديه على شاطئ الفرات، فبكى علي بن
الحسين عليه السلام بكاء شديداً حتّى غشي عليه، فلما أفاق من غشوته جعل يسأل عن كلّ
واحد من عمومته، والحسين عليه السلام يقول له: قتل.

فقال: وأين أخي علي، وحبیب بن مظاهر، ومسلم بن عوسجة، وزهير بن القين؟
فقال له: يا بني، اعلم أنّه ليس في الخيام رجل حيّ إلا أنا وأنت، أمّا هؤلاء الذين تسأل
عنهم فكلّهم صرعي على وجه الثرى، فبكى علي بن الحسين عليه السلام بكاء شديداً.



توضیحی درباره کلام امام حسین علیه السلام

در مطالبی که امام حسین علیه السلام روز عاشورا به امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام فرمودند، نکته‌های مهمی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه داشته باشیم. ما در اینجا دو نکته از آنچه را که حضرت امام حسین علیه السلام فرموده‌اند توضیح می‌دهیم.

اگر دوستان، شیفتگان و شیعیان امام حسین علیه السلام تاکنون به این گونه گفتارهای امام حسین علیه السلام توجه می‌داشتند، نه تنها زندگی آن‌ها را تغییر می‌داد، بلکه در جهان تأثیر می‌گذاشت.

متأسفانه خو گرفتن دوستان و شیعیان به وضع موجود و

→ ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ لِعَمَّتِهِ زَيْنَبُ: يَا عَمَّتَاهُ، عَلِيٌّ بِالسَّيْفِ وَالْعَصَا، فَقَالَ لَهُ أَبُوهُ: وَمَا تَصْنَعُ بِهِمَا، فَقَالَ: أَمَّا الْعَصَا فَأَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا، وَأَمَّا السَّيْفُ فَأَذْبُ بِهِ بَيْنَ يَدَيِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ.

فمنعه الحسين عليه السلام من ذلك وضمه إلى صدره وقال له: يا ولدي، أنت أطيب ذريتي وأفضل عترتي، وأنت خليفتي على هؤلاء العيال والأطفال، فإنهم غرباء مخذولون قد شملتهم الدلة واليتم، وشماتة الأعداء ونوائب الزمان، سكتهم إذا صرخوا، وأنسهم إذا استوحشوا، وسلّ خواطرهم بلين الكلام، فإنهم ما بقي من رجالهم من يستأنسون به غيرك، ولا أحد عندهم يشكون إليه حزنهم سواك، دعهم يشمّوك وتشمّهم، ويبكوا عليك وتبكي عليهم، ثم لزمه بيده صلوات الله عليه وصاح بأعلى صوته: يا زينب ويا أم كلثوم، ويا سكينه، ويا رقية، ويا فاطمة، اسمعن كلامي واعلمن أن ابني هذا خليفتي عليكم، وهو إمام مفترض الطاعة، ثم قال له: يا ولدي، بلغ شيعتي عني السلام، فقل لهم: إن أبي مات غريباً فاندبوه ومضى شهيداً فأبكوه.... (معالي السبطين: ٢٤/٢، الدمعة الساكبة: ٣٤٢/٤، موسوعة الإمام الحسين عليه السلام: ٦٠٧/١٠).



معتاد شدن و عادت گرفتن به زندگانی بی معنی، راه را برای حاکمیت شیاطین بر جهان باز گذارده و آن‌ها انسان‌ها را از مدار توجّه به اهل بیت علیهم‌السلام باز داشته است.

و در نتیجه غفلت، مردم را از توجّه به اهل بیت علیهم‌السلام و نقش آنان در عالم هستی دور کرده است.

اگر مردم آن گونه که باید، توجّه به امیران عالم می‌داشتند و از قدرت و ولایت آنان آگاه بودند و به آنان پناه می‌بردند، این گونه مردم جهان در خسارت و زیان عالم گیر قرار نمی‌گرفتند.

نکته‌ای که می‌خواهیم اندکی به توضیح آن در پیرامون گفتار امام حسین علیه‌السلام پردازیم سلام امام حسین علیه‌السلام به شیعیان در روز عاشورا و پیام آن حضرت به شیعیان است.

سلام امام حسین علیه‌السلام و پیام آن حضرت به شیعیان در روز عاشورا

حضرت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا پس از بیان شهادت همه اصحاب و همه بنی هاشم به امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند:

یا ولدی بلغ شیعتی عنی السلام، فقل لهم: انّ ابي مات
غریباً فاندبوه ومضی شهیداً فابکوه.

ای فرزندم سلامم را به شیعیانم برسان و به آن‌ها بگو که پدرم
غریب از دنیا رفت بر او ندبه کنید و شهید شد بر او گریه کنید.



درک عظمت فرمایش امام حسین علیه السلام نیاز به توضیح دارد به این جهت به ترجمه آن اکتفاء نکرده تا حدودی که مقدور است آن را توضیح می دهیم.

دقت در دو نکته

دقت در دو نکته، عظمت فرمایش امام حسین علیه السلام را آشکار می کند:

۱ - توجه به شرایطی که امام حسین علیه السلام فرمایش خود را بیان فرموده اند.

اگر ما در شرایط و موقعیت و زمانی که امام حسین علیه السلام این سخنان را بیان فرموده اند، دقت کنیم تا حدی متوجه می شویم آن حضرت در چه حال و در چه شرایطی بوده اند که این سلام و پیام را به شیعیان خود ابلاغ فرموده اند.

برای اینکه تا حدی از موقعیت و شرایطی که امام حسین علیه السلام به شیعیان سلام رسانده و پیام داده اند آگاه شویم به این نکته توجه کنید.

شدت علاقه امام حسین علیه السلام به شیعیان نشان آن قدر زیاد است که وقتی خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی به آن حضرت رسید در حالی که گریه می کردند اینگونه برای اهل بیت علیهم السلام و شیعیان دعا کردند:



«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا وَلِشِيعَتِنَا عِنْدَكَ مَنْزِلًا كَرِيمًا واجمع
بيننا وبينهم في مستقرٍّ من رحمتك إِنَّكَ على كلِّ شيءٍ
قدير»^۱

خداوندا برای ما و شیعیان ما نزد خودت منزلی با کرامت قرار
ده و میان ما و آنان در جایگاهی که رحمت تو در آن مستقر
است جمع فرما که یقیناً تو بر هر چیزی قادر هستی.

شدّت علاقه و مهربانی امام حسین علیه السلام به شیعیان در روز
عاشورا پس از وداع آن حضرت با اهل بیت خود بیشتر آشکار شد.
سلام و پیام امام حسین علیه السلام به شیعیان پس از وداع آن حضرت با
امام سجّاد علیه السلام و اهل حرم بوده است و وداع امام حسین علیه السلام پس
از شهادت حضرت ابا الفضل علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام و همه
بنی هاشم و اصحاب و یاران آن حضرت بوده است یعنی شهادت
آن بزرگواران را شاهد بوده‌اند و پیکر غرق به خون جوانان
بنی هاشم و اصحاب خود را دیده‌اند و پس از آنکه آن همه داغ
دیده بودند و هنگامی که یک نفر یاور نداشتند با کمر شکسته و
جگر آتش گرفته از داغ‌ها و از شدّت عطش با چشمانی که همه جا
را تار می‌دیده است برای وداع با اهل حرم به خیمه‌ها رفته‌اند و با
امام سجّاد علیه السلام و اهل حرم وداع نموده‌اند یعنی در سخت‌ترین



شرایط و حالات که وداع با اهل حرم بوده است امام حسین علیه السلام به شیعیان خود سلام رسانده‌اند و به امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ فَقُلْ لَهُمْ إِنَّ أَبِي مَاتَ غَرِيباً
فانذبوه ومضى شهيداً فابكوه.

سلام مرا به شیعیانم برسان پس به آنان بگو که پدرم غریب از دنیا رفت بر او ندبه کنید و شهید شد پس بر او گریه کنید.

این مطالب را امام حسین علیه السلام در سخت‌ترین شرایط که در عالم هستی برای غیر امام حسین علیه السلام واقع نشده، فرموده‌اند.

۲- اینک با دقّت در آنچه گفتیم به این نکته نیز توجّه کنید که هر کسی در آخرین لحظات و ساعات عمر خود، مهمترین مطالبی را که در نظر دارد به اطرافیانش می‌گوید و امام حسین علیه السلام در آن لحظه‌ها به شیعیان سلام فرستاده و پیام داده‌اند.

حال با توجّه به اینکه امام حسین علیه السلام در سخت‌ترین شرایط در عالم هستی بودند در آخرین ساعات عمر، چرا به شیعیان سلام رسانده‌اند و چرا دستور داده‌اند که برای آن حضرت نوحه سرایی و گریه کنند؟!

آیا ما و شما در برابر این سلام و این پیام چه کرده‌ایم؟ و چه قدر به آن اهمیّت داده‌ایم؟

چرا دشمنان می‌خواهند عزاداری‌هایی را که در گوشه و کنار



جهان واقع می‌شود از شیعیان بگیرند. ما در بخش آخر کتاب به توضیح این نکته می‌پردازیم.

۳- عزاداری امام سجّاد علیه السلام برای امام حسین علیه السلام هنگام دفن آن حضرت

چون امام سجّاد علیه السلام به کربلا وارد شدند، بنی اسد را نزد شهداء متحیر مشاهده نمودند که به لحاظ بی سر بودن پیکرها نمی‌دانستند چه کنند.

حضرت سجّاد علیه السلام شهداء را به اسم معزّفی کردند. صدای گریه و فریاد بلند گشت و زنان بنی اسد موها را پریشان نمودند و بر صورت سیلی زدند.^۱

سپس زین العابدین علیه السلام به سوی پیکر پدر مظلومش رفت و بعد از آن که او را در آغوش کشید و با صدای بلند به گریه پرداخت، بدن را به موضع قبر برد و مقداری خاک برداشت که ناگاه قبری آماده و قبری سرباز مشاهده گشت. دست در زیر

۱. یکی از مطالبی که باید به آن توجه داشت این است که زنان بنی اسد در زمان دفن امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا شیون نموده و به صورت خود سیلی می‌زدند. و این در حضور حضرت امام سجّاد علیه السلام بوده است و آن حضرت، زنان بنی اسد را از شیون زدن در برابر نامحرمان و همچنین سیلی زدن آن‌ها بر صورت خود، منع نکردند و این دلیل بر صحّت کار زنان بنی اسد است. روایات دیگری درباره‌ی سر و سینه زدن وارد شده است که این مطلب را تأیید می‌کند.



پیکر گذاشت و فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَدَقَ
اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و آن را به تنهایی وارد قبر نمود و کسی از بنی اسد در تدفین امام
شهید با ایشان شرکت نجست و فرمود: «با من کسی هست که
یاریم کند.»

چون پیکر را در قبر نهاد، لب‌های شریفش را بر آن رگ‌های
بریده نهاد و فرمود:

طُوبَى لِرَاضٍ تَضَمَّنَتْ جَسَدَكَ الطَّاهِرَ، أَمَا اللَّيْلُ
فَمُسْهَدٌ وَالْحُزْنُ سَرْمَدٌ أَوْ يَخْتَارُ اللَّهُ لِأَهْلِ بَيْتِكَ دَارَكَ
الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ، وَعَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خوشا آن زمینی که جسد مطهرت را در بر گیرد. از شب بگویم
که دیگر خواب به چشمانم راه نیابد، یا از حزنم که دیگر پایانی
ندارد؟ تا آن هنگام که خاندان تو هم در آن جا که اقامت
گزیده‌ای، وارد شوند. از من بر تو درود ای فرزند رسول خدا و
رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

و بر قبر حضرتش نوشت:



هَذَا قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي قَتَلُوهُ
عَطْشَانًا غَرِيبًا.

این قبر حسین فرزند علی بن ابی طالب است که تشنه و
غریب او را کشتند.

سپس به سوی عمویش عباس رفت و او را در آن حالتی
مشاهده نمود که ملائکه آسمان را وحشت زده و حوریان بهشت را
گریان ساخته بود. امام خم شد و رگهای بریده گردن عمو را
بوسید و فرمود:

عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا يَا قَمَرَ بَنِي هَاشِمٍ وَعَلَيْكَ مِنِّي
السَّلَامُ مِنْ شَهِيدٍ مُخْتَسِبٍ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

بعد از تو ای ماه بنی هاشم، خاک بر سر دنیا! از من بر تو
ای شهید با اخلاص سلام باد و رحمت و برکات الهی شامل
حالت باد.

وقبری برای حضرت عباس حفر نمود و او را نیز چون پدرش
تنها وارد قبر ساخت و فرمود: «با من یاورانی - برای دفن آن
حضرت - هستند.»

سپس به بنی اسد دستور فرمود تا دو حفره حفر نمایند و در
یکی، بنی هاشم را نهند و در دیگری اصحاب را.^۱

۱. تاریخ امام حسین علیه السلام: ۲/۹.



در این جریان بسیار عجیب نکته‌های زیادی وجود دارد که دقت نمودن در آن‌ها مطالبی را روشن می‌سازد، به این جهت سزاوار است، پس از نقل این جریان مهم، چند نکته را به عنوان توضیح آن بیان کنیم:

۱- از این جریان استفاده می‌شود که چقدر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام دارای عظمت و مقام رفیع هستند، زیرا امام سجّاد علیه السلام پس از دفن نمودن حضرت امام حسین علیه السلام، قبل از دفن بنی هاشم و اصحاب به سوی علقمه رفتند، تا پس از دفن نمودن حضرت امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام را دفن نمایند و سپس به سوی امام حسین علیه السلام برگشتند و به بنی اسد دستور دادند، دو حفره بکنند و در یکی بنی هاشم و در دیگری سایر اصحاب امام حسین علیه السلام را دفن نمایند.

۲- نکته دیگر این است که در هنگام دفن امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام از بنی اسد کمک نخواستند و فرمودند کسی هست که مرا در تدفین امام حسین علیه السلام و همچنین حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام یاری کند. به این تعبیر که فرمودند: «با من یاورانی هستند».

۳- نکته سوم این است که هنگام دفن امام حسین علیه السلام لب‌های مبارک را به رگ‌های بریده امام حسین علیه السلام نهادند و همچنین هنگام



دفن حضرت ابوالفضل علیه السلام لب‌ها را به رگ‌های بریده حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نهاده و می‌بوسیدند، ولی در این نقل برای سایر شهداء چنین کاری وارد نشده است.

۴- مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام در ایام محرم در منزل امام رضا علیه السلام

مرحوم علامه مجلسی؛ از دعبل خزاعی نقل می‌کند که او می‌گوید: در مثل چنین ایامی - ایام محرم - بر سید و مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام داخل شدم و دیدم که ایشان با هیأت شخص محزون و اندوهگین نشسته است و یارانش در اطراف او هستند وقتی مرا دید که می‌آیم، به من فرمود: خوش آمد به تو ای دعبل! مرحبا به کسی که ما را با دست و زبانش یاری می‌کند! سپس از جای خود به من جای نشستن داد و مرا کنار خود نشانید! سپس به من فرمود: ای دعبل! دوست دارم برایم شعری بخوانی! چرا که این روزها ایام حزنی است که بر ما اهل بیت می‌گذرد و ایام سرور دشمنان ما مخصوصا بنی امیه است. ای دعبل! کسی که بگرید و یک نفر را بر مصائب ما بگریاند، اجر او بر عهده خداست. ای دعبل! کسی که چشمانش بر مصائب ما گریان شود و به خاطر مصیباتی که از دشمنان بر ما وارد شد بگرید، خدا او را با ما و در زمره ما محشور می‌کند. ای دعبل! کسی که بر مصیبت جدّم



حسین علیه السلام بگرید، حتماً خدا گناهانش را می بخشد!

سپس امام علیه السلام برخاست و پرده‌ای بین ما و حرم خود زد و اهل بیت خود را پشت پرده نشان داد تا بر مصائب جدشان حسین علیه السلام بگریند. سپس متوجه من شد و فرمود: ای دعبل! برای حسین علیه السلام مرثیه بخوان که تو یاور ما و مدّاح ما هستی مادامی که زنده باشی! پس هر قدر می توانی از یاری ما کوتاهی مکن! دعبل می گوید: من گریستم و اشکم جاری شد و شروع به خواندن این اشعار کردم:^۱

۱. قال العلامة المجلسي: رَأَيْتُ فِي بَعْضِ مَوْلَفَاتِ الْمُتَأَخِّرِينَ أَنَّهُ قَالَ حَكِي دَعْبِلُ الْخَزَاعِي قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جِلْسَهُ الْحَزِينِ الْكَثِيبِ وَأَصْحَابُهُ مِنْ حَوْلِهِ فَلَمَّا رَأَيْتُ مُقْبِلًا قَالَ لِي مَرْحَبًا بِكَ يَا دَعْبِلُ مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بَيْتِهِ وَلِسَانِهِ ثُمَّ إِنَّهُ وَسَّعَ لِي فِي مَجْلِسِهِ وَأَجْلَسَنِي إِلَى جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا دَعْبِلُ أَحِبُّ أَنْ تُشِيدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ، أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَيَّامَ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَعْدَائِنَا خُصُوصًا بَنِي أُمَيَّةَ يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى وَأَبْكَى عَلَى مُصَابِنَا وَلَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ يَا دَعْبِلُ مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي زُمْرَتِنَا يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ الْبَتَّةَ ثُمَّ إِنَّهُ عليه السلام نَهَضَ وَضَرَبَ سِتْرًا بَيْنَنَا وَبَيْنَ حَرَمِهِ وَأَجْلَسَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ لِيَبْكُوا عَلَى مُصَابِ جَدِّهِمُ الْحُسَيْنِ عليه السلام ثُمَّ التَفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ لِي يَا دَعْبِلُ ارْثِ الْحُسَيْنَ فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ قَالَ دَعْبِلُ فَاسْتَعْبَرْتُ وَسَأَلْتُ عَبْرَتِي وَأَنْشَأْتُ أَقُولُ:

أَفَاطِمُ لَوُخِلَتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِشَطِّ قُرَاتِ
إِذَا لَلَطَطْتَ الْخَدَّ فَاطِمُ عِنْدَهُ وَ أَجْرَيْتِ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ
أَفَاطِمُ قُومِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَانْدُبِي نُجُومَ سَمَاوَاتِ بِأَرْضِ فَلَاتِ

←



ای فاطمه! اگر حسین را به خاک افتاده تصوّر کنی که در کنار
شطّ فرات تشنه جان داده است،

ای فاطمه! در این صورت نزد او بر گونه خود لطمه خواهی زد
و اشک چشم بر گونه‌های خود جاری خواهی ساخت!
ای فاطمه! ای دختر نیکی‌ها! برخیز و ندبه کن بر ستارگان
آسمان که در زمین بیابانی افتاده‌اند!

قبوری در کوفه و قبور دیگری در مدینه و قبور دیگری در
سرزمین فحّ هستند که صلوات و درود من به آنان برسد! قبوری در
کنار رودخانه در سرزمین کربلا واقع شده که محل نزول آنان کنار
شطّ فرات است!

بالب تشنه در بیابان جان دادند و ای کاش من قبل از زمان وفاتم
بودم و با آنان جان می‌دادم؛
من از آتش اندوهم به خدا شکایت می‌برم، وقتی آنان را یاد
می‌کنم که مرا جام عزا و شدّت مصیبت می‌نوشاند؛
روزی که بخواهند بزرگ شوند، محمد ﷺ و جبرئیل و قرآن
و سوره‌های آن را می‌آورند و علی علیه السلام را صاحب مناقب و برتری‌ها

وَأُخْرِي بِفَحٍّ نَالَهَا صَلَوَاتِي
مُعَرَّسُهُمْ فِيهَا بِشَطِّ فِرَاتٍ
تُؤَفِّيْتُ فِيهِمْ قَبْلَ حِينٍ وَقَاتِي

→ قُبُورٌ بِكُوفَانٍ وَأُخْرِي بِطَبِيبَةٍ
قُبُورٌ بِبَطْنِ النَّهْرِ مِنْ جَنْبِ كَرْبَلَا (*)
تَوَافُوا [تُؤَفُّوا] عِطَاشًا بِالْعَرَاءِ فَلْيَتَنَّبِ

(*) نسخه صحیح: قبور بجنب النهر من أرض كربلا.



می‌شمارند و فاطمه زهرا علیها السلام را بهترین دختران می‌دانند!

و حمزه و عباس را صاحب دین و تقوا می‌شمردند و جعفر طیار
این خاندان را در پرده های بهشت می‌بینند.

آنان هند و حرب از بنی امیه را شوم می‌دانند و سمیه را از
احمقان و پلیدها بر می‌شمردند.

اینان پدران اهل بیت را از گرفتن حَقِّشان منع نمودند و آنان
فرزندان اهل بیت را گرو امور متفرق قرار دادند!

تا زمانی که سواری برای خدا حج کند و پرنده قُمری بر درختان
نوحه سرایی کند، من برای آنان گریه خواهم کرد.

پس ای دیده! بر آنان گریه کن و اشک بریز که وقت ریزش
اشک و زیاد گریستن فرا رسیده است!

دختران زیاد در کاخ‌ها مصون و محفوظ از چشم نامحرمان
هستند و آل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرمتشان هتک گردیده است.

و آل زیاد در دژهای بلند هستند و دختران رسول خدا در
بیابان‌ها سرگردان شده‌اند؛

خانه‌های رسول خدا خالی است و آل زیاد در حجره‌ها ساکن
گشته‌اند؛ آل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جسم‌های نحیف دارند، ولی آل
زیاد گردن‌هایی ضخیم دارند.

آل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خون از گلویشان جاری است در حالی که آل
زیاد پرده نشین هستند.



حرم آل رسول خدا ﷺ به اسارت برده می‌شوند، در حالی که آل زیاد اموالشان در امان است.

وقتی خونخواهی کنند، دستانی را که از خونخواهی بازداشته شده و بسته گردیده به سمت ظالمانشان دراز خواهند کرد! مادامی که خورشید بر زمین نور بپراکند و مؤذن که منادی خیر است ندای اذان برای نماز سر دهد، بر آنان خواهیم گریست! و مادامی که خورشید طالع شود و غروب آن فرا برسد، در صبحگاهان و شامگاهان بر آنان خواهیم گریست.^۱ تمام قصیده را مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در ابواب تاریخ امام رضا علیه السلام آورده است.

اکنون که با نمونه‌هایی از عزاداری‌های معصومین علیهم السلام برای امام حسین علیه السلام آشنا شدیم مطالبی را درباره اهمیت گریه و اشک بیان می‌کنیم. برای آشکار شدن عظمت گریه و اشک مقدمه‌ای کوتاه درباره عظمت کربلای امام حسین علیه السلام که اسرارآمیزترین نقطه جهان است ذکر می‌کنیم و سپس به بیان تأثیر عجیب اشک و اهمیت آن می‌پردازیم:

۱. بحارالانوار: ۴۹ / ۲۵۷. قصیده تائیه دعبل در کتاب‌های زیاد و به روایت‌های مختلفی نقل شده است، رک: دعبل شاعر امام رضا علیه السلام: ۲۳۰.



کعبه و کربلای امام حسین علیه السلام

کعبه علاوه بر مزایا و امتیازات معنوی، مغناطیس ظاهری و مادی زمین است، و کربلا علاوه بر حرارت معنوی و جاذبه‌ای که خداوند در قلب‌های مؤمنین در رابطه با امام حسین علیه السلام قرار داده است، دارای جاذبه و مغناطیس معنوی و روحی مؤمنان جهان است و برتری جاذبه معنوی بر جاذبه مادی انکارناپذیر است هر چند مردم از جاذبه و مغناطیس کعبه و همچنین جاذبه و کشش روحی و معنوی کربلا آگاه نباشند.

بدون شک کربلا، حرم امام حسین علیه السلام و بقعه آن حضرت، اسرارآمیزترین مکان در کره زمین است. کربلا قسمتی از خاک بهشت است که در زمین قرار گرفته و سرانجام در روز قیامت به جایگاه اصلی خود که بهشت است برده می‌شود.

آنچه گفتیم حقیقتی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده است؛ همانگونه که در روایت وارد شده، دعای هر دعا کننده در زیر قبه امام حسین علیه السلام به اجابت می‌رسد و به دعای هر کس که در آن مکان با عظمت دعا کند و خداوند را بخواند، خدا دعای او را بی پاسخ نمی‌گذارد و دعای او را به اجابت می‌رساند.

جریان‌هایی که نقل می‌کنیم نمونه کوچکی است از واقعیتهای بزرگ، که کربلا سرزمینی اسرارآمیز است.



«پلارک» رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات گفت: دکتر ساحلی، استاد دانشگاه و دارای سه دکترا از کشور آمریکا است. وی در رشته‌های ژئوفیزیک، باستان‌شناسی و تاریخ تحصیل کرده و برای گمانه زنی در کربلا در بحث ژئوفیزیک با ما همکاری دارد و متبرّع نیز هست.

کربلا؛ تنها جایی در جهان که آب سربالا حرکت می‌کند
ایشان با محاسبات ژئوتکنیک می‌گفت که تنها نکته‌ای از جهان که آب در آن باز می‌گردد و برعکس حرکت می‌کند کربلا است (آب رو به بالا حرکت می‌کند). آب از طرف خیمه‌گاه تا جلوی حرم آقا ابوالفضل (علیه السلام) می‌آید و از آنجا می‌چرخد و به حالت سرگردان به شدت رو به بالا حرکت می‌کند. چون آب نمی‌خواهد به حرم وارد شده و باعث تخریب حرم شود اگر چه سطح آب در خود حرم بالا است.^۱

صحنه‌های مجسم کربلا؛ نیزه شکسته‌های روز عاشورا را پیدا کردیم

«پلارک» می‌گوید: در کفّ العباس در عمق هفت تا هشت متری در حفاری به فلزات اکسیده (تجمعی از فلزات اکسیده در خاک)

۱. سایت شیعه نیوز، منبع: شبکه خبر.



رسیدیم که بدون شک همان نیزه شکسته‌ها بوده است. اینجا صحنه‌های کربلا کاملاً برای ما مجسم است.

در حرم امام حسین علیه السلام برای ترفیع گنبد ناچار بودیم ۲۰۰ تن بار برگنبد فعلی اضافه کنیم که طبیعتاً باید ستون‌ها تقویت می‌شد تا این بار را تحمل کنند. همزمان با این کار تصمیم گرفتیم دور ستون‌ها را باریک کنیم تا فضای اطراف ضریح بیشتر شود. طرح‌های مختلفی برای این مسئله ارائه شد و ما برای اطمینان از موفقیت طرح‌ها نمونه ستون‌های حرم را ساختیم و همان اندازه وزن بر روی آن گذاشتیم و امتحان کردیم تا در نهایت به طرح فعلی که با تکنیک‌های برتر دنیا طراحی شده است رسیدیم که توسط دو شیعه متعهد ایرانی مدرّس در آمریکا (دو برادر پروفسور بنان) ارائه شده بود.

وقتی آب در حرم امام حسین علیه السلام

به مرخصی می‌رود

اما یکی از مشکلات اساسی ما بعد از دو سال مطالعه بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی در حرم امام حسین علیه السلام بود، یعنی یک متر و نیم از بالای ستون‌های حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام وقتی حفاری می‌شد به آب می‌رسیدیم و این مشکل بزرگی برای انجام



پروژه بود اما به محض شروع عملیات تا هشت متر حفاری، ذره‌ای با آب بر نخوردیم، انگار آب یک دفعه مرخصی رفته است تا ما کارمان را انجام دهیم و دوباره بازگردد. همین باعث شده زمان بندی ساخت هر ستون که شش ماه پیش بینی شده بود به سه ماه کاهش پیدا کند چون دیگر آب مزاحمتی برای ما ندارد.

جالب این که وقتی چند سال پیش سنگ حرم را عوض می کردیم حتی در عمق یک متری هم به آب می خوردیم اما اکنون خبری از آب نیست که نیست و این ها از معجزاتی است که اکنون در کارمان مشاهده می کنیم. البته افرادی که مخلصانه کار می کنند کراماتی را مشاهده می کنند و نصیبشان می شود.^۱

آنچه نقل کردیم نمونه ای است کوچک از واقعیتی بزرگ. در روزگاری که جهان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه همچون بهشت برین شود اسرار سرزمین کربلا که قطعه ای از بهشت است آشکار می شود، و همگان از عظمت کربلا و قبه و بارگاه و حرم حضرت امام حسین علیه السلام آشنا می شوند.



۳- اشک اجازه ورود به حرم امام حسین علیه السلام

اکنون برای آگاه شدن از اهمیت اشک به این مطلب بسیار مهم توجه کنید که چه کسانی می توانند وارد حرم امام حسین علیه السلام بشوند و در زیر قبه آن حضرت دعا کنند؟

آیا برای ورود به حرم مطهر امام حسین علیه السلام شرطی وجود دارد؟ می دانیم امور زیادی در پیشرفت و تکامل معنوی انسان مؤثر است. مسایلی همچون خدمت به امام زمان ارواحنا فداه، خدمت به خلق، زهد، تقوی، علم و دانش، تهذیب نفس و قلب پاک، اخلاص، ایمان کامل و صفات ارزنده دیگری که در تحوّل و تکامل روحی انسان نقش فراوانی دارد؛ ولی با این همه، هیچ کدام از این ها دلیل بر جواز ورود به حرم امام حسین علیه السلام نیستند، آنچه دلیل بر اجازه ورود به حرم امام حسین علیه السلام می شود اشک ریختن برای آن حضرت در هنگام ورود به حرم است.

اشک یک راه کلیدی و بسیار مؤثر

اشک یک راه کلیدی برای نزدیک شدن و تقرّب به خداوند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. انسان می تواند با تحمّل سختی ها و کوشش فراوان برای نزدیک شدن به امام زمان ارواحنا فداه به این هدف نزدیک شود یا به مقصود خود برسد.

برنامه های عبادی زنگار تاریکی و ظلمت قلب را صیقل می دهد



و در آن صفا و نورانیت ایجاد می‌کند.

بدیهی است تفاوت برنامه‌های عملی برای رسیدن به این هدف بزرگ، سبب می‌شود که از نظر سرعت برای رسیدن به آن مختلف باشد، به گونه‌ای که برخی از آنها نسبت به دیگر برنامه‌های سازنده، راه کلیدی به شمار می‌آیند.

اشک یا اکسیر اعظم

شکّی نیست که اشک و سوختن از اعماق جان و دل برای حضرت امام حسین علیه السلام، اکسیر اعظم و یک راه کلیدی و بسیار مؤثر برای جلب توجّه امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.

برای برخی از کسانی که ده‌ها سال به تلاش‌ها و کوشش‌های فراوان پرداخته‌اند و سرانجام به راه وصال دست یافته‌اند، در میان انواع کارهایی که انجام داده‌اند، اشک و گریه و سوختن با تمام وجود برای حضرت امام حسین علیه السلام را، راه کلیدی و هموار می‌دانند. این گونه سوختن سبب مودّت و محبّت شدید و تقرّب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌شود.

اگر کسی بتواند جسد مطهّر و پر جراحات امام حسین علیه السلام در قتلگاه را تصوّر کند و در فکر خود به پیکر مقدّس آن حضرت نگاه کند و توجّه کند که نزدیک هزار و چهارصد سال از شهادت آن حضرت گذشته و هنوز از خون به زمین ریخته شده آن حضرت، از



دشمنان اهل بیت علیهم السلام انتقام گرفته نشده آن چنان او را جذب می‌کند و حرارتی را که خداوند برای امام حسین علیه السلام در قلب هر مؤمن ایجاد کرده، به جوش می‌آورد، که دل او از توجّه به امور دنیایی جدا می‌شود و جذبه‌های مادی او را به سوی خود نمی‌تواند بکشانند. به این جهت به راحتی می‌تواند خود را در محضر آن پیکر مقدّس ببیند و با تمام وجود بسوزد و با قلب سوخته اشک بریزد و گریه کند و خود را آماده برای خدمت‌گزاری به دین کند.

به خاطر حرارت یا شعله محبّتی که خداوند برای امام حسین علیه السلام در قلوب مؤمنین آفریده و قرار داده است، کسی که از اعماق وجود برای آن حضرت می‌سوزد و به گریه و زاری می‌پردازد، جذب عالم معنی می‌گردد و علاقه‌اش به امور مادی زدوده می‌شود. این یک راه هموار، سریع و کلیدی برای نابود کردن صفات نفسانی و رسیدن و پیوستن به عالم معنی است.

درود خدا بر

گریه کنندگان امام حسین علیه السلام

اکنون به گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره عظمت و اهمیّت اشک و گریه توجّه کنید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که آیه شریفه ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا



مِيثَاقُكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ^۱، «ای بنی اسرائیل، به یاد آورید هنگامی را که از شما عهد و پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید» در مورد یهودیان - یهودیانی که عهد و پیمان خداوند را نقض کردند و شکستند و رسولان الهی را تکذیب نمودند و اولیای خداوند را به قتل رساندند - نازل شد فرمودند:

به شما خبر دهم از کسانی که مشابه آنها هستند از یهود این امت؟

عرض کردند: آری، ای رسول خدا، فرمود: گروهی از امت من به خود می‌بندند که از اهل آیین من هستند (خود را مسلمان می‌دانند) بهترین ذریه من و پاک‌ترین فرزندان مرا به قتل می‌رسانند، شریعت و سنت مرا تغییر می‌دهند و دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام را به شهادت می‌رسانند همان‌طور که گذشتگان این یهودیان حضرت زکریا و یحیی را کشتند. آگاه باشید که خدا این‌ها را لعنت می‌کند همان‌طور که آن‌ها را لعنت فرمود، و بر باقی مانده ذراری این‌ها پیش از قیامت، هدایت شده و هدایت‌کننده‌ای از فرزندان امام حسین مظلوم علیه السلام را مبعوث خواهد نمود و با شمشیر دوستانش آن‌ها را به جهنم خواهد فرستاد.



آگاه باشید، خداوند قاتلان امام حسین علیه السلام و دوستان و یاران آنان و کسانی را که بدون علت و تقیه از لعن آنان ساکت اند لعنت خواهد نمود.

أَلَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَاكِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ رَحْمَةً وَشَفَقَةً، وَاللَّاعِنِينَ لِأَعْدَائِهِمْ وَالْمَمْتَلِّئِينَ عَلَيْهِمْ غِيظًا وَحَنَقًا...

آگاه باشید، خداوند بر گریه کنندگان از روی محبت و دلسوزی، بر امام حسین علیه السلام، و لعن کنندگان بر دشمنان ایشان، درود می فرستد.

آگاه باشید و بدانید کسانی که به کشتن امام حسین علیه السلام رضایت دارند با قاتلان آن حضرت شریک هستند، بدانید قاتلان امام حسین علیه السلام و یاری کنندگان آنان و حامیان و پیروان آنان از دین خداوند خارج هستند.

خداوند تبارک و تعالی به ملائکه مقرب خود دستور داده است که اشک های گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام را گرفته و به خازنان در بهشت تحویل دهند و آن ها را با آب حیات مخلوط کنند تا شیرینی و گوارایی آن هزار برابر گردد.

و نیز ملائکه گریه های کسانی را که به قتل امام حسین علیه السلام خوشحال و خندان هستند گرفته در هاویه ببرند و با حمیم بیامیزند تا هزار برابر به حرارت آن و شدت عذاب آن بیفزاید و به وسیله آن عذاب کسانی که به آنجا منتقل می شوند از



دشمنان آل محمد علیهم السلام شدید گردد.^۱

توجه به این نکته لازم است:

سزاوار است هر زن و مرد گریه کننده بداند که گریه بر مصائب سیدالشهداء علیهم السلام نه فقط به خاطر شدت مصیبت آن حضرت است، بلکه علاوه بر آن به خاطر آثار فراوانی است که مصائب وارده بر آن حضرت در آینده عالم؛ داشته و دارد و موجب ادامه ظلم و جنایت و خیانت در عالم شده است.

کسی که بر مصائب سیدالشهداء علیهم السلام گریه می کند اگر به آن چه گفتیم توجه کند این مطلب را درک می کند که این ظلم و ظلمت جز با ظهور حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه برطرف نخواهد شد و به این جهت برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت دعا می کند، و به خاطر اهمیت این مطلب در صدها دعا و زیارت، دعا برای فرج و ظهور آن حضرت وارد شده است، هر کس می خواهد آن دعاها را فراوان را ببیند به کتاب «الصحيفة المباركة المهدية» مراجعه کند آن کتاب تمام دعاها را تعجیل ظهور مولایمان حضرت مهدی علیهم السلام را در بردارد.^۲

۱. بحارالانوار: ۳۰۴/۴۴ ح ۱۷.

۲. صحیفه حسینیه: ۱۳۲.



فرمایش مهمّ امام صادق علیه السلام درباره اشک و بی تابى برای ائمه علیهم السلام

فی کامل الزیارات: عَنْ مَسْمَعٍ كَزْدِيْنٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا مَسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ أَمَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ قُلْتَ لَا أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَعِنْدَنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَى هَذَا الْخَلِيفَةِ وَأَعْدَاؤُنَا كَثِيرَةٌ مِنْ أَهْلِ الْقَبَائِلِ مِنَ النَّصَابِ وَغَيْرِهِمْ وَلَسْتُ آمَنُكُمْ أَنْ يَرْفَعُوا عَلَيَّ حَالِي عِنْدَ وَلَدِ سُلَيْمَانَ فَيُمَثِّلُونَ عَلَيَّ قَالَ لِي أَفَمَا تَذْكُرُ مَا صَنَعَ بِهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَتَجَزَعُ قُلْتُ إِي وَاللَّهِ وَأَسْتَعْبِرُ لِدَلِكِ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ فَأَمْتَنُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ.

قَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعْدُونَ فِي أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَخَافُونَ لِحَوْفِنَا وَيَأْمَنُونَ إِذَا أَمْنَا أَمَا إِنَّكَ سَتَرِي عِنْدَ مَوْتِكَ وَحُضُورِ آبَائِي لَكَ وَوَصِيَّتِهِمْ مَلَكَ الْمَوْتِ بِكَ وَمَا يَلْقَوْنَكَ بِهِ مِنَ الْبَشَارَةِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُكَ قَبْلَ الْمَوْتِ فَمَلَكَ الْمَوْتِ أَرْقُ عَلَيْكَ وَأَشَدُّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأَمِّ الشُّفِيقَةِ عَلَيَّ وَلَدَهَا.

قَالَ ثُمَّ اسْتَعْبَرَ وَاسْتَعْبَرْتُ مَعَهُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي



فَضَّلْنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَخَصَّصْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
بِالرَّحْمَةِ يَا مَسْمُوعُ إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَتَّبِعُنِي مِنْذُ قُتِلَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَحِمَهُ لَنَا وَمَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ
وَمَا رَقَاتُ دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مِنْذُ قُتِلْنَا وَمَا بَكَى أَحَدٌ رَحِمَهُ
لَنَا وَلِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ
عَيْنِهِ فَإِذَا سَالَ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ
دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأُطْفِئَتْ حَرُّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ
لَهَا حَرٌّ وَإِنَّ الْمَوْجَعَ قَلْبُهُ لَنَا لَيَفْرَحَ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ
فَرَحَهُ - لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا
الْحَوْضُ وَإِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُجِئِنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى
إِنَّهُ لَيَذِيقُهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَشْتَهِي أَنْ يَصُدَّرَ
عَنْهُ.^١

«کامل الزیارات» از مسموع کردین نقل می‌کند که گفت: امام
جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: تو اهل عراق هستی، آیا به
زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌روی؟ گفتم: نه زیرا من مردی
مشهور از اهل بصره هستم، نزد ما گروهی هستند که طرفدار
خلیفه می‌باشند. دشمنان ما که ناصبی‌ها و اهل قبایل و
دیگران هستند زیادند. من از اینکه شکایت مرا به خلیفه
بکنند و ضرری به من برسانند در امان نیستم.

١. کامل الزیارات: ١٥٠، بحار الأنوار: ٢٨٩/٤٤.



امام صادق علیه السلام فرمود: آیا مصیبت امام حسین علیه السلام را به خاطر نمی‌آوری؟ گفتم: بله. فرمود: از مصیبت آن حضرت بی‌تابی می‌کنی؟ گفتم: آری، به خدا قسم به قدری حال گریه به من دست می‌دهد که اهل و عیالم اثر آن را بر من مشاهده می‌کنند و من به نحوی از غذا خوردن بیزار می‌شوم که اثر آن در صورتم معلوم می‌گردد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا اشک‌های تو را رحمت کند، بدان که تو از افرادی هستی که برای مصیبت ما اهل بیت جزع می‌کنند، برای ترس ما می‌ترسند و برای امنیت ما ایمن خواهند بود. تو به زودی در هنگام مردن خود خواهی دید که پدرانم نزد تو حاضر می‌شوند و توصیه تو را به فرشته مرگ می‌کنند، بشارتی به تو خواهند داد که قبل از مرگ چشم تو روشن خواهد شد و فرشته مرگ در آن هنگام از مادری که نسبت به فرزند خود مهربان است، با تو مهربان تر خواهد بود. مسمع می‌گوید: سپس امام صادق علیه السلام گریان شد و من هم گریان شدم آن گاه آن حضرت فرمود: سپاس مخصوص آن خدایی است که ما را با رحمت خود، بر خلق خویش فضیلت و برتری داد و رحمت خود را به ما اهل بیت علیهم السلام اختصاص داد. ای مسمع، از آن زمان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام شهید شده است، زمین و آسمان برای ما گریه می‌کنند و ملائکه بیشتر برای ما گریه کردند. گریه ملائکه برای ما، از آن هنگام که مردان ما شهید شدند، خاتمه نیافته است. هیچ شخصی بر



مصائب ما گریه نمی‌کند مگر اینکه قبل از ریزش اشک چشمش، خدا او را می‌آمزد، هنگامی که اشک وی بر گونه‌های صورتش جاری شود، اگر یک قطره از آن در آتش جهنم بچکد به نحوی حرارت آن را خاموش می‌کند که حرارتی باقی نخواهد ماند.

کسی که دلش برای ما بسوزد، در هنگام جان دادن به قدری خوشحال می‌شود که تا وقتی نزد حوض کوثر بر ما وارد شود، آن خوشحالی در قلبش خواهد بود. حوض کوثر از ورود او برای محبتی که به ما دارد خوشحال می‌شود و به قدری از انواع و اقسام غذا به وی می‌دهد که دوست ندارد از آنجا خارج شود.

توضیحی درباره فرمایش امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام آثار مهمی را برای گریه و اشک ریختن و همچنین برای جزع و بی‌تابی بیان فرموده‌اند. برای روشن شدن اینکه معنای جزع و بی‌تابی چیست؟ کلامی را از مرحوم علامه مجلسی نقل می‌کنیم:

مرحوم علامه مجلسی می‌فرمایند: مرحوم شهید ثانی در کتاب «مسکن الفؤاد» از جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: سخت‌ترین جزع و بی‌تابی، فریاد همراه با واویلا و ناله کشیدن و سیلی زدن به صورت و کوبیدن به سینه و موی کندن



است...^۱

در قاموس آمده: «الصرخة» فریاد شدید است و «صراخ» بر وزن غراب به معنای صدا یا صدای شدید است و گفته: «أعول» یعنی صدایش را به گریه و فریاد بلند کرد و هم معنای «عول» است و اسم آن «العول و العولة و العویل» است و گفته: «اللطم» یعنی زدن بر صورت و پهنای سینه با کف دست باز.^۲

به صورت کوبیدن و سینه زدن در کلام اهل بیت علیهم السلام

بنابر معنایی که برای جزع و بی تابی نقل شد هر روایتی که در آن فضیلتی برای جزع و بی تابی نقل شده باشد مانند روایتی که از «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام نقل کردیم که حضرت به راوی فرمودند تو از کسانی که برای مصیبت ما اهل بیت جزع می کنند، این روایت دلیل بر جواز سینه زنی و به صورت کوبیدن و ... می باشد.

۱. مُسَكِّنُ الْقُودِ، لِلشَّهِيدِ الثَّانِي عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِأَلْوَيْلٍ وَالْعَوِيلُ وَلَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَجَزُّ الشَّعْرِ...

۲. في القاموس الصرخة الصيحة الشديدة وكغراب الصوت أو شديدة وقال أعول رفع صوته بالبكاء والصياح كعول والاسم العول والعولة والعویل وقال اللطم ضرب الخد و صفحة الجسد بالكف مفتوحة انتهى . بحار الأنوار: ۸۹ / ۷۹ .



نکته مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم این است که امام صادق علیه السلام جزع و بی تابي یا به سر و سینه زدن و... را مخصوص برای امام حسین علیه السلام بیان نمی کنند و جزع و بی تابي را برای هر یک از اهل بیت علیهم السلام ذکر می کنند و به «مسمع» در این روایت می فرمایند:

«اما اِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يَعْدُونَ فِي أَهْلِ الْجَزْعِ لَنَا»
آگاه باش تو یقیناً از کسانی شمرده می شوی که اهل جزع
برای ما اهل بیت علیهم السلام هستند.

بنابراین روایت، سینه زدن و به صورت کوبیدن و هر چه بر آن جزع و بی تابي صدق می کند، نه تنها برای امام حسین علیه السلام، بلکه برای همه اهل بیت علیهم السلام سزاوار و پسندیده است.

بی تابي و عزاداری برای امام حسین علیه السلام و همچنین سایر اهل بیت علیهم السلام انواع گوناگون و شکل های مختلف دارد.
ما دو نوع از آنها را که مرحوم شیهد از امام باقر علیه السلام در روایت گذشته، نقل کرده، بیان می کنیم و به توضیح مختصری درباره آن می پردازیم:

۱- سینه زنی عزاداران

یکی از انواع عزاداری که در میان شیعیان بالخصوص جوانان، رایج است سینه زنی است.



«در این آیین، عزاداران، به طور هماهنگ و با ریتمی مشخص، معمولاً همراه با نوحه خوانی، با دست بر سینه خود می‌کوبند. به کسی که سینه زنی می‌کند «سینه زن» گفته می‌شود. با توجه به نوحه و شرایط محل برگزاری، سینه زنان با نظر مدّاح می‌توانند در حالت ایستاده یا نشسته سینه زنی کنند.

شکل بالا بردن و فرود آوردن دست‌ها بر سینه، دفعات آن و سرعت ضربات در موقعیت‌های مختلف بسته به نوحه‌ای که خوانده می‌شود، متفاوت است. در برخی مناطق، هنگام سینه‌زنی، عزاداران مرد بالا تنه خود را برهنه می‌کنند. این عمل به سینه زنی شور و نظم بیشتری می‌دهد. در مواردی نیز لباس‌هایی مخصوص سینه زنی طراحی و دوخته می‌شود که در آن‌ها امکان برهنه کردن قسمت جلوی سینه بدون درآوردن کامل لباس فراهم شده است. سینه زنی مکان خاصی ندارد و در هر جا مجلس عزاداری برگزار شود، اعمّ از مسجد و حسینیه تا مکان‌های عمومی یا منازل شخصی، این آیین برگزار می‌شود. رایج‌ترین انواع سینه زنی، در فرهنگ اصطلاحات مرسوم مدّاحی، عبارت است از:

* «واحد»: سینه زنی با ریتم کند، تک ضربه محکم با فاصله‌ای چند ثانیه‌ای میان ضربات.

* «سنگین»: سینه زنی با ریتم متوسط، ضربه‌ای محکم و با مکثی کوتاه میان ضربات.



* «شور»: سینه زنی با ریتم تند، ضربه آرام تر و بدون فاصله میان ضربات.

* «دو ضرب» یا «سه ضرب» یا «چهارضرب»: دو یا سه یا چهار ضربه پشت سر هم با ریتم تند، با مکثی کوتاه میان هر نوبت. در یک مجلس نوحه خوانی کامل، همه این اشکال سینه زنی استفاده می شود و معمولاً سیر تغییر اشکال، با افزایش ریتم سینه زنی و نوحه خوانی، از اشکال ملایم تر سنگین و واحد آغاز می شود و به اشکال پرشتاب تر سه ضرب و شور ختم می شود....

نقطه اوج سینه زنی، در پایان سینه زنی شور است که گاه به «هروله» منتهی می شود. هروله اصطلاحاً به سر و سینه زدن جمعی توده عزاداران به صورت ممتد و بدون نظم و هماهنگی با هم، با ریتم تند و درحالتی شبیه دویدن و چرخیدن دور یک محور فرضی گفته می شود. در این حالت، سینه زنی شکلی بی قاعده دارد و سینه زنان حالت از خود بی خودشدگی دارند.^۱

۲- لطم زنی عزاداران

«لطم زنی» گونه ای از سوگواری شیعیان عرب است که در آن زنان همراه با خواندن دسته جمعی نوحه، با ریتمی مشخص با کف

۱. فرهنگ سوگ شیعی: ۲۹۶.



دست بر سر و صورت خود می‌زنند. در برخی مقاتل (از جمله در لهوف) نقل شده است که زنان اهل بیت علیهم‌السلام، روز عاشورا بر صورت خود می‌زدند و گریه می‌کردند. در زیارت ناحیه مقدسه هم به این موضوع اشاره شده است. ظاهراً همین عمل زنان اهل بیت مستند لطم زنی به عنوان آیین مذهبی بوده است...

پایان بخش لطم زنی، مرحله سریع اجرای آن یعنی «هوسه» است که در صورت تقاضا و توانایی عزاداران انجام می‌شود. در غیر این صورت عزاداری در مرحله مربعه به پایان می‌رسد.

در مرحله هوسه، ملایه، ابتدا چهار بیت مصیبت را قرائت می‌کند و در ادامه یک بیت نوحه را با ریتم تند می‌خواند. عزاداران بر سر می‌زنند و همان بیت را تکرار می‌کنند. حدوداً چهار بیت، چهار بار خوانده می‌شود و عزاداران هر بار بیت نوحه را تکرار می‌کنند. در بیت آخر، نام امام حسین علیه‌السلام ذکر شده و عزاداران در همان حال که بر سر می‌زنند و به طرف بالا می‌پرنند، این بیت را بارها تکرار می‌کنند. لطم زنی با دعا و سلام به امامان به پایان می‌رسد.

... امروزه لطم زنی در میان اعراب شیعه عراقی، اعراب خوزستان ایران و همچنین اعراب مهاجر در تهران، با تفاوت‌هایی برگزار می‌شود. لطم زنی اغلب در عزاداری عاشورا و گاه در



روزهای شهادت دیگر معصومین علیهم السلام برگزار می‌شود.^۱

توجه به یک نکته مهم در انواع عزاداری‌ها

آنچه درباره «سینه زنی» و «لطم زنی» گفتیم، بهانه‌ای است برای بیان یک مطلب مهم و بسیار لازم و مؤثر که در صورت توجه و عمل به آن در انواع عزاداری‌ها، می‌تواند در اعتقاد و زندگانی افراد، تحوّل ایجاد کند:

سزاوار است همه کسانی که در سوگواری‌ها و سینه زنی‌ها و... شرکت می‌کنند و به شور عزاداری می‌رسند و همچنین همه زنانی که با شور و شتاب و هیجان به یاد حضرت زینب کبری و اهل بیت امام حسین علیه السلام موهای خود را پریشان می‌کنند و یا حسین یا حسین می‌گویند.

به این نکته توجه کنید:

یکی از اموری که در دعاها و توسّلات نقش بسیار مهمی دارد حالت «انقطاع» است. یعنی انسان در هنگام دعا به حالتی برسد که امیدش از همه وسایل ظاهری قطع شود و یقین داشته باشد که خداوند قدرت بر همه امور دارد و می‌تواند سخت‌ترین گرفتاری‌ها و مشکلات را برطرف نماید. کسی که دعا می‌کند اگر به این حالت

۱. فرهنگ سوگ شیعی: ۴۲۳.



برسد و با تمام وجود - نه با زبان - متوجه خداوند شود، دعای او مؤثر واقع می‌شود حالت اضطرار و انقطاع اگر چه آداب و شرایط دعا مانند طهارت و تقوا در آن وجود نداشته باشد؛ ولی بسیار مؤثر است و بسیاری از افراد با انقطاع و قطع امید از هرگونه وسیله ظاهری دعا نموده و حاجت خود را از خداوند گرفته‌اند.

در عزاداری‌ها نیز شبیه این حالت به وجود می‌آید که عزاداران باید به آن توجه داشته باشند.

مهم‌ترین حالت در انواع عزاداری‌ها: سینه‌زنی‌ها، لطم‌زنی‌ها و ... حالت شور است، آن‌گاه که در مجالس عزاداری می‌شود و غوغا به پا می‌شود، بهترین حالتی است که عزاداران در سینه‌زنی‌ها، لطم‌زنی‌ها و ... باید آن را از دست ندهند.

هنگامی که در مجالس، شور و غوغا ایجاد می‌شود و وسایل ظاهری نقشی در آن ندارند - عنایت الهی و توجه خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه به آن مجالس می‌شود.

در هنگامی که عزاداران با تمام وجود اشک می‌ریزند و به یاد امام حسین علیه السلام می‌گیرند و یا با شور و هیجان تمام به صورت و سینه می‌زنند و یا حسین یا حسین و یا عباس یا عباس می‌گویند، در این حالت توجه عزاداران از همه امور منقطع می‌شود و هوش و



حواششان متمرکز و متوجّه به عزای امام حسین علیه السلام است .
حالت شور و هیجان که ناخودآگاه مجالس توسّل، و عزاداری‌ها
را فرا می‌گیرد، همچون حالت انقطاع در خواندن دعاها می‌باشد که
افراد باید هر چه بیشتر این حالات را زیادت‌ر نموده و سعی کنند آن
را از دست ندهند .

در این حالت باید سعی کنند مهمترین خواسته قلبی آنان از
خداوند ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و انتقام از خون به‌ناحق
ریخته امام حسین علیه السلام باشد .

شور و هیجان در اقامه

مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام

به دلیل روایاتی که درباره اهمیت اقامه مجالس عزاداری امام
حسین علیه السلام از اهل بیت علیهم السلام وارد شده و همچنین روایاتی که از آن
بزرگواران درباره فضیلت عزاداری وارد شده است، با اینکه قرن‌ها
از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام می‌گذرد؛ ولی با فرا رسیدن ماه
محرم هنوز مراسم عزاداری و سوگواری آن بزرگوار در نقاط
مختلف جهان با شور فراوان برگزار می‌شود .

در مجالس عزاداری و مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام نه تنها
شیعیان جهان؛ بلکه بسیاری از اهل تسنّن و پیروان ادیان دیگر نیز
در آن شرکت نموده و علاقه خود را به سالار شهیدان حضرت امام



حسین علیه السلام آشکار می نمایند.

معجزاتی که در این مجالس واقع می شود و حاجت هایی که در این مراسم روا می شود بر علاقه و اشتیاق مردم جهان به این سوگواری ها می افزاید و هر سال با شور و گداز بیشتری در این مراسم شرکت می کنند.

کتاب ها و نشریات در ایران، عراق، پاکستان و کشورهای دیگر، بحث های جالب و مؤثری را در این باره در بردارند و به این وسیله به علاقه و انگیزه آنان برای شرکت در این گونه مجالس می افزایند.

به خاطر آگاه شدن مردم از مقام و عظمت حضرت امام حسین علیه السلام و اهمیت جریان کربلا، استقبال مردم و روی آوردن آنان به مجالس و محافل حسینی رو به افزایش است.

روی آوردن مردم به مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، گوشه ای از عمل نمودن مسلمانان به روایت بسیار مهمی است که علمای معروف شیعه و اهل تسنن آن را در کتاب های خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي.^۱

من دو شیء سنگین (یا گران بها) را میان شما وا می گذارم:

۱. بحار الانوار: ۲/ ۱۰۰.



کتاب خداوند و عترت خودم را.

مردمی که خود را امت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیرو سنت و دستور آن حضرت می دانند، چگونه می توانند با توجه به این حدیث که مورد قبول و پذیرش همه علمای مسلمانان است، از شهادت امام حسین علیه السلام که سبط رسول الله و از عترت آن بزرگوار است غافل مانده و به خاطر آن، اندوهگین و عزادار نباشند؟!

با توجه به این نکته که رسول گرامی خداوند، تنها پیامبر زمان خود نیستند، بلکه پیامبر خدا برای همه قرن ها و زمان های پس از آن حضرت، می باشند، هرچند خطاب آن حضرت برای مردم آن زمان باشد ولی مقصود از آن همه مردمان همه قرون و اعصار می باشند.

بنابراین ما باید به کتاب خداوند و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارج نهاده و در تجلیل از مقام آنان بکوشیم.

بدیهی است عزاداری و سوگواری برای امام حسین علیه السلام، نوعی تجلیل و بزرگداشت از مقام عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اظهار برائت و دشمنی با دشمنان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

سوختن از اعماق جان و ریختن اشک از دیدگان برای شهادت آن بزرگوار، نیرو و انرژی ما را علیه دشمنان دین سرشار و متراکم می سازد و آماده انتقام و خونخواهی سرور شهیدان امام حسین علیه السلام



در تحت لواء حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می سازد .

در روایت دیگری که آن را نیز علمای بزرگ شیعه و سنی در کتاب‌های فراوان نقل کرده‌اند پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

من مات وهو لا يعرف امامه مات ميتة جاهليّة^۱.

هر کس بمیرد و امام خودش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است .

ما باید بدانیم در این زمان، امام ما حضرت مهدی حجة بن الحسن علیه السلام می‌باشند که نام آن بزرگوار در روایات بسیاری که علمای شیعه و سنی در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند، آمده است .

ما با اشک ریختن و عزاداری برای امام حسین علیه السلام نه تنها به مقام آن حضرت ارج می‌نهم، بلکه خود را آماده برای فداکاری و انتقام گیری خون امام حسین علیه السلام در زیر پرچم منتقم آل محمد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌نماییم .

در روزگار پرشکوه حکومت آن حضرت، از دشمنان دین انتقام گرفته می‌شود و جهان سرشار از عدالت می‌گردد .

در آن زمان انسان‌ها به اوج تکامل رسیده و همه توانایی‌های عظیم آنان شکوفا می‌شود . به امید فرا رسیدن آن روز باشکوه .



با توجّه به آنچه گفتیم شیعیان در سراسر جهان برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کنند و همانگونه که گفتیم گاهی پیروان ادیان دیگر نیز در این مراسم شرکت می‌کنند.

مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و آثار عجیب و معجزاتی که مردم در آن‌ها دیده‌اند، آن قدر زیاد است که گاهی بعضی از پیروان ادیان دیگر مانند هندوها، زرتشتی‌ها و ... در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام شرکت می‌کنند و یا خودشان آن را تشکیل داده و در آن شرکت می‌نمایند.

عزاداری همه موجودات برای امام حسین علیه السلام

از آنجا که امام حسین علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام حجت خداوند بر خلائق و همه آفریدگان او هستند، همانگونه که گفتیم شهادت امام حسین علیه السلام نه تنها در انسان‌ها، بلکه در سایر موجودات نیز آثار فراوانی داشته است. به گونه‌ای که در همه موجودات عالم تأثیر گذارده و آنان را به گریه انداخته است.

در گفتار اهل بیت علیهم السلام روایاتی وجود دارد که در آن‌ها به این حقیقت تصریح شده و در کتاب شریف «کامل الزیارات» ذکر شده است در آن کتاب روایتی از مفضل و چند تن دیگر از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل شده که همه آن‌ها از آن بزرگوار نقل کردند که:

«سمعنا ابا عبد الله علیه السلام يقول: ان ابا عبد الله الحسين بن



عليه السلام لَمَّا مَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ
وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَنْ يَنْقَلِبُ
عَلَيْهِنَّ، وَالْجَنَّةُ وَالنَّارُ، وَمَا خَلَقَ رَبَّنَا وَمَا يَرَى وَمَا
لَا يَرَى».

شنیدیم حضرت ابو عبدالله علیه السلام می فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیدند
آسمان‌های هفتگانه و طبقات هفتگانه زمین و آنچه در آن‌ها
و بین آن‌ها بود و تمام موجودات و جنبنده‌گان بر روی آن‌ها و
بهشت و دوزخ و بالأخره کلیه اشیائی که پروردگار ما آن‌ها را
آفریده و موجودات مرئی و نامرئی کلاً بر آن حضرت
گریستند.^۱

نکته‌ای که تذکر آن لازم می‌باشد این است که گریه موجودات
عالم برای امام حسین علیه السلام اعم از موجودات مرئی و نامرئی
اختصاص به هنگام شهادت آن حضرت ندارد، بلکه قبل از
شهادت و بعد از آن نیز عزاداری نموده‌اند و همانگونه که شیعیان
برای شهادت آن حضرت، قرن‌ها اشک می‌ریزند موجودات دیگر
نیز چه موجودات مرئی و چه نامرئی، برای آن حضرت گریه
می‌کنند و همچون ما انسان‌ها به تشکیل مجالس عزاداری
می‌پردازند.

۱. ترجمه کامل زیارات: ۲۵۳.



در کتاب‌ها جریان‌های زیادی از مراسم سوگواری اجته نقل شده که آن‌ها همچون ما مجالس روضه خوانی و گریه و زاری برای حضرت امام حسین علیه السلام تشکیل می‌دهند.

ملائکه و موجودات دیگری نیز هستند که همچنان برای مصیبت‌های حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و اسرای اهل بیت علیهم السلام به گریه و زاری می‌پردازند.

در این جا جریان بسیار مهمی را که دلالت بر این حقیقت دارد نقل می‌کنیم:

یک جریان جالب و بسیار مهم

در گوشه‌ای مردی که هر دو پایش از ران و هر دو دستش از بازو قطع شده بود و در عین حال خیلی چاق مانند توپی روی زمین افتاده و گدایی می‌کرد. مردم هم به حال او رقت می‌کردند و روی دستمالی که پهن کرده بود پول زیادی می‌ریختند. من در کناری ایستاده و منتظر شدم سرش خلوت شود تا چند دقیقه احوالش را بپرسم.

او متوجه من شد و با زبان عربی مرا صدا زد گفت: می‌دانم به چه فکر می‌کنی، مایلی شرح حال مرا بدانی و من بدون استثناء هر که باشد اگر اصرار هم کند شرح حال مرا برایش نمی‌گویم، نمی‌دانم چرا دلم خواست برای شما قصه‌ام را نقل کنم. در این بین یک نفر متوجه حرف زدن ما شد و طبعاً فهمید ما راجع به علت



قطع شدن دست و پای آن مرد گدا حرف می‌زنیم او هم نزدیک آمد
می‌خواست گوش بدهد که آن مرد گدا به من گفت اینجا نمی‌شود با
هم حرف بزنیم چون مردم جمع می‌شوند بیا با هم به منزل برویم تا
من جریان را برای شما نقل کنم.

من به دو علت از این پیشنهاد استقبال کردم:

۱- بخاطر آنکه راست می‌گفت ممکن نبود کنار معبر عمومی با
او حرف زد زیرا مردم جمع می‌شدند.

۲- بخاطر آن که بینم او چطور به خانه می‌رود زیرا او نه پا
داشت و نه دست به این جهت موافقت نمودم؛ ولی به او گفتم:

الان زوار زیاد است اگر از اینجا بروی احسان مؤمنین از دستت
می‌رود.

گفت: نه من هر روز به قدری که مخارج خودم و زن و بچه و
خدمتگذارانم رو براه شود بیشتر پول از مردم نمی‌گیرم و وقتی آن
مقدار معین تهیه شد، به منزل می‌روم و استراحت می‌کنم.

گفتم: امروز آنقدر را بدست آوردی؟

گفت: بله.

گفتم: هنوز اول صبح است؟

گفت: هر روز همان اول در ظرف مدّت دو ساعت آن پول

می‌رسد،

گفتم: ممکن است بگوئید در روز چقدر مخارج دارید و باید



چقدر پول برسد؟

خنده‌ای کرد و گفت: خواهش می‌کنم از اسرار ناگفتنی سؤال نکن و از طرفی هم شاید در ضمن نقل جریان خودم مجبور شوم این را هم برایتان بگویم.

گفتم: با شما می‌آیم اگر مایلید برویم او اول با یک حرکت سریع و مخصوص بدنش را روی دستمال پول‌ها انداخت و آن چنان ماهرانه آن را جمع کرد و وارد جیبی که بر روی پیراهنش دوخته بودند نمود که خود این عمل به قدری شگفت‌انگیز بود که دیگر برای من مسئله رفتن به منزل حل شده بود ولی در عین حال حرکات ماهرانه او تماشائی بود او همانطور که نشسته بود مقعدش را روی زمین حرکت می‌داد و آنچنان سریع می‌رفت که گاهی من عقب می‌افتادم! در عین حال یک جوان قوی هیکلی هم که بعداً معلوم شد نوکرش است هوای او را داشت و آماده بود که اگر خسته بشود کولش کند؛ البته احتیاج نبود زیرا در همان نزدیکی ماشین شورلت بزرگی مهیا بود و نوکرش او را بغل کرد و در صندلی راست عقب ماشین نشاند و به من گفت:

از طرف چپ ماشین سوار شوید. من به همراهان گفتم: شما به مدینه برگردید تا یکی دو ساعت دیگر من هم به شما ملحق می‌شوم و سوار ماشین آنها شدم و به مدینه رفتم. خانه این مرد مفصل بود زندگی خوبی داشت و زن و فرزندان مؤدبی



داشت؛ همه از او حساب می‌بردند او را زیاد احترام می‌گذاشتند. اوّل کاری که پس از ورود به منزل برای او انجام دادند زنش پیش او آمد و لباس‌هایش را عوض نمود و پیراهن تمیزی به تن او کرد بعد او را بغل کردند و به اطاق پذیرائی بردند و به من هم تعارف کردند که به آنجا بروم. این اطاق مفروش به فرش‌های ایرانی و کاملاً مرتّب و تزئین شده به لوسترهائی بود وقتی نشستیم او قصّه خود را این طور آغاز نمود.

آغاز ماجرای بسیار عجیب!

من تا بیست سالگی یعنی بیست سال قبل هم دست داشتم و هم پا داشتم در همین خانه با همین زن که تازه ازدواج کرده بودم زندگی می‌کردم.

در نیمه‌های شب پشت در منزل ما صدای فریاد زنی که معلوم بود او را جمعی به قصد کشتن می‌زنند بلند شد، من لباسم را پوشیدم و به در منزل رفتم دیدم آن زن بر روی زمین افتاده و خون از سرش که شکافی برداشته بود جاریست و سه نفر جوان که او را می‌زدند وقتی مرا دیدند فرار کردند، و من از آن‌ها در تاریکی شب‌چی بیشتر ندیدم فوراً ماشینم را برداشتم و آن زن را به بیمارستان رساندم که شاید بتوانند او را از مرگ نجات دهند؛ ولی از همان ساعتی که روی زمین افتاده بود بیهوش بود که من هر چه



زیر چراغ ماشین خواستم او را بشناسم، نتوانستم قیافه اش را تشخیص دهم، به هر حال مسئله از نظر من مهم نبود زیرا من روی حس انسان دوستی این کار را انجام دادم و احتیاج به شناسائی او نداشتم. او را به بیمارستان تحویل دادم متصدی بیمارستان طبق معمول گزارشی از من سؤال کرد و من هم تمام جریان را از اول تا آخر برای او گفتم. او همه را نوشت و زیر آن گزارش آدرس کامل مرا هم نوشت و من از بیمارستان بیرون آمدم.

وقتی به منزل رسیدم دیدم در منزل باز است و زن جوانم که در منزل بوده از او خبری نیست ولی یک لنگه از کفش هایش آنجا افتاده است. فوراً باز سوار ماشین شدم و جریان را به شرطه (پلیس) خبر دادم او مرا به شهربانی برد و اجازه گرفت که با اسلحه همراه من بیاید و ما دو نفری سوار ماشین شدیم و در آن نیمه شب دور کوچه ها و خیابان ها می گشتیم.

من بی صبرانه گریه می کردم و اسم زنم را با فریاد صدا می زدم تا آنکه از عقب یک کوچه بن بست صدای ناله زنم را شنیدم که مرا به کمک می طلبید.

فوراً ماشین را متوقف کردم دیدم او بر روی زمین افتاده و از سر و صورتش خون می ریزد او را برداشتم و به داخل ماشین انداختم و آن شرطه هم کمک کرد تا او را به بیمارستان برسانیم که ناگاه در وسط راه سنگ محکمی به شیشه ماشینم خورد و شیشه ماشینم



خورد شد و روی زمین ریخت.

من باز ماشینم را در گوشه‌ای متوقف کردم و از ماشین بیرون آمدم که ببینم چه کسی آن سنگ را زده است سنگ دوم به سرم خورد و من نقش زمین شدم.

شرطه متوحشانه در حالی که یک پایش را از ماشین بیرون گذاشته بود ولی جرأت نمی‌کرد که کاملاً پیاده شود اسلحه‌اش را کشید و به اطراف شلیک می‌کرد.

مردم صدای تیراندازی را که شنیدند از خانه‌ها بیرون آمدند و خیابان شلوغ شد یکی از میان جمع صدا زد که فعلاً مجروحین را به بیمارستان برسانید تا بعد ببینیم چه کسی به این کارها دست زده است. یک نفر از اهالی همان خیابان پشت فرمان نشست و به شرطه گفتند تو تحقیق کن بین آیا ضارب را پیدا می‌کنی یا نه؟ شرطه در واقع می‌ترسید که بماند و لذا بهانه آورد که دشمن ممکن است در تعقیب این‌ها باشد به این جهت باید تا بیمارستان محافظ این‌ها باشم. و بالاخره من و زنم را عقب ماشین انداختند و راننده و شرطه جلو ماشین شیشه شکسته نشستند و هر دوی ما را به بیمارستان رساندند.

زخم من سطحی بود چند تا بخیه‌ای بیشتر لازم نداشت؛ ولی زخم زنم عمیق بود او احتیاج به عمل پیدا کرد و علاوه بدنش در اثر کتک خوردن سخت کوبیده و کبود بود و احتیاج زیادی به



استراحت داشت.

رئیس بیمارستان در حالی که کاغذ و قلمی در دست گرفته بود برای تهیه گزارش پیش من آمد و اسم مرا پرسید وقتی من جواب دادم به من گفت: شما همان آقائی که دو ساعت قبل خانم مجروحی را به اینجا آوردید نیستید؟
گفتم: چرا،

گفت: ببخشید من شما را نشناختم سر و صورتت خون آلود بود و قیافه تان خوب مشخص نبود شناخته نمی شدید. من از رئیس بیمارستان سؤال کردم حال آن زن چطور است؟
گفت: اگر مایلید با او ملاقات کنید مانعی ندارد، گفتم: متشکرم و لذا با او رفتیم، وقتی شوهر آن زن مرا دید از من تشکر کرد و گفت:

اگر به او نمی رسیدید آن طور که این آقا (یعنی دکتر بیمارستان) می گفت زنم مرده بود. من ابتداء برای رئیس بیمارستان و شوهر آن زن جریان خودم را نقل کردم و بعد به شوهر آن زن گفتم جریان زن شما چه بوده است که آن سه نفر او را این طور کتک زدند و بعد به خاطر کمکی که من به او کردم این بلا را سر من و زنم آوردند.
شوهر آن زن گفت من امشب دیرتر به منزل آمدم وقتی که وارد منزل شدم زنم را در منزل ندیدم و هیچ اطلاعی از جریان او نداشتم تا آنکه نیم ساعت قبل این آقا (دکتر) به منزل ما تلفن زد و



مرا به اینجا احضار نمود و هنوز زخم حالی پیدا نکرده که بتواند جریان را نقل کند.

تا آنجا این موضوع برای افراد کاملاً بغرنج بود و تنها کسانی که از جریان اطلاع داشتند زن من و آن زن بود که متأسفانه آن‌ها هم حالی نداشتند که بتوانند جریان را نقل کنند به علاوه دکتر می‌گفت: چون به آن‌ها ضربه مغزی وارد شده هر چه دیرتر جریان را از آن‌ها سؤال کنید و دیرتر حرف بزنند بهتر است.

بالاخره آن شب گذشت و جریان در ابهام کامل باقی بود تا آن که من صبح فردای آن شب از زخم که نسبتاً حالش بهتر بود سؤال کردم که دیشب بعد از رفتن من چه شد که مجروح شدی و در آن کوچه بن بست افتاده بودی.

گفت وقتی که شما آن زن را به بیمارستان بردید من هنوز دم در ایستاده بودم ناگهان سه جوان نقاب‌دار پیدا شدند اول یکی از آن‌ها در دهان مرا گرفت که فریاد نکنم ولی من تلاش می‌کردم که خودم را از دست آن‌ها نجات بدهم. یکی از آن‌ها با چیزی که در دست داشت به سر من زد من بیهوش شدم؛ دیگر نفهمیدم چه شد تا آنکه تازه قدری به هوش آمدم که شما مرا در آن کوچه پیدا کردید و به بیمارستان آوردید.

موضوع از ابهامش بیرون نیامد شوهر آن زن هم وقتی از زنش سؤال می‌کند که چه شد مجروح شدی و در میان آن کوچه افتادی



می گوید:

زنگ در منزل زده شد گمان کردم که شمائید در را باز کردم ناگهان مورد هجوم سه نفر نقابدار واقع شدم آن‌ها اوّل دهان مرا گرفتند و بعد مرا برداشتند و در کوچه بردند من نفهمیدم که چه می‌خواهند بکنند که دستشان از در دهان من کنار رفت من فریاد زدم آن‌ها با چیزی که در دستشان بود به سر من کوبیدند من بیهوش شدم و در بیمارستان به هوش آمدم.

در این بین رئیس بیمارستان نزد ما آمد و گفت: متوجّه شدید بالاخره دیشب چه شد؟

گفتم: نه، گفت: بعد از جریان شما پنج نفر زن جوان دیگر را به همین گونه زخمی کرده‌اند، و به این بیمارستان که مخصوص سوانح است آورده‌اند و ما به شرطه خبر داده‌ایم امروز رئیس شرطه با جمعی از متخصصین علل جرائم، بسیج شده‌اند و عجیب این است که از هر کدام از این مجروحین سؤال می‌شد چه بر سر شما آمده آن‌ها عین همین مطالبی را که زن‌های شما می‌گویند گفته‌اند! بالاخره ما هفت نفر شوهرهای آن زن‌های مجروح دور هم نشستیم و هر چه افکارمان را روی هم ریختیم که ببینیم چرا این بلای مشترک به سر ما آمده چیزی متوجّه نشدیم.

یکی از آن‌ها گفت من دلائلی دارم که این کار را اجنّه کرده‌اند بقیه خندیدند و گفتند: اجنّه چه دشمنی با ما داشته‌اند که هفت نفر

را انتخاب کنند؟

من گفتم: لطفاً دلائل خود را بفرمایید استفاده کنیم!

گفت: ببینید یک نواختی حوادث و یک گونه رفتار کردن با همه و نکشتن هیچکدام از آنها و بیهوش شدن همه و با این سرعت بهبودی همه دلیل بر این است که این کار بشر نبوده.

من گفتم این دلیل نمی‌شود زیرا اولاً خیلی یک نواخت انجام نشده بلکه مختصراً اختلافی هم داشته، ثانیاً از کجا معلوم که حتماً کار اجته یکنواخت باشد و کار انسان نامنظم باشد و از طرف دیگر چه دشمنی با زن‌های ما داشتند این کار را بکنند! دیگری گفت من که مایلیم هر چه زودتر خودم و زنم را از این جریان بیرون بکشم یکی دو نفر دیگر هم که از جمله شوهر آن زنی بود که من او را به بیمارستان آورده بودم از بس ترسیده بودند با او موافقت کردند. ولی من گفتم: باید ریشه این کار را به کمک پلیس در بیاورم و این سه جوان جانی را به کیفر برسانم، شما هم اگر با من موافقت کنید بهتر است چون زودتر به هدف می‌رسیم، ولی آنها هر کدام اظهار بی‌میلی کردند حق هم داشتند زیرا دیده بودند که به خاطر رساندن یک مجروح به بیمارستان با من چه کردند، شیشه ماشینم را شکستند، خودم را مجروح کرده بودند و بالاخره ممکن بود که اگر آنها هم وارد این کار شوند به آنها هم صدمه وارد کنند. اما من این مسئله را تعقیب کردم حدود ده شب در کوچه‌هایی که آنها این





عده را مجروح کرده بودند با اسلحه که از شهربانی گرفته بودم می‌گشتم ولی چیزی دستگیرم نشد بالاخره نزدیک بود مایوس شوم که به فکرم رسید خوب است در این موضوع با آقای شیخ عبدالمجید که استاد دانشگاه در روان‌شناسی است مشورت کنم روز بعد نزد او رفتم و جریان را به او گفتم او به من گفت: آیا ممکن است من با مجروحین ملاقاتی داشته باشم؟

گفتم: ترتیبش را می‌دهم و لذا یکی دو روز معطل شدم تا توانستم از شوهرهای آن زن‌هایی که در آن شب دچار این جریان شده بودند دعوت کنم آن‌ها در یک جا با زن‌هایشان جمع شوند تا استاد از آن‌ها سؤالاتی کند. محل ملاقات همین منزل من بود در همین اطاق همه آن‌ها نشسته بودند.

استاد دانشگاه که من تا آن روز نمی‌دانستم در علوم معنوی و روحی چقدر وارد است سؤالاتی را به ترتیب از اول کسی که دچار حادثه شده بود و منزلش هم در کنار شهر مدینه منوره بود و بعد هم به ترتیب از یک یک آن‌ها سؤالاتی کرد تا آن‌که آخرین آن‌ها اتفاقاً زن من بود سؤالاتش این بود که باید به من بگوئید روز قبل از حادثه از اول صبح تا وقتی که جریان اتفاق افتاده چه می‌کردید؟ آن‌ها همه را برای او نقل کردند و او آنچه آن‌ها می‌گفتند می‌نوشت، سؤال دوم او این بود که چگونه آن حادثه برای شما اتفاق افتاد و چند نفر در کار شرکت داشتند؟ آن‌ها هر کدام خصوصیات را برای



او نقل کردند و او آن‌ها را نوشت . سؤال سوّم او این بود که آیا بعد از این حادثه چه تغییر حالی پیدا کردید؟

آن‌ها هر کدام حالاتی را از خود نقل کردند که باز او آن‌ها را نوشت و بعد گفت: من باید در این مطالب که نوشته‌ام سه روز مطالعه کنم و سپس نتیجه را به شما بگویم . من که عجله داشتم و نمی‌خواستم موضوع این قدر طول بکشد به استاد گفتم: به این ترتیب آن‌ها دیگر فرار می‌کنند و ممکن است بخاطر طول زمان موفق به دستگیری آن‌ها نشویم .

استاد به من گفت: حالا هم موفق به دستگیری آن‌ها نمی‌شوی و اگر بیشتر از این در تعقیب آن‌ها کوشش کنی خودت هم دچار حادثه‌ای خواهی شد که جبران ناپذیر است!

گفتم: پس مطالعه سه روزه شما به چه درد می‌خورد، گفت: اولاً از نظر علمی اهمیت زیادی دارد . ثانیاً احتمالاً شما کاری می‌کنید که ارواح خبیثه و یا اجنه با آن مخالفند و شما را اذیت کرده‌اند و اگر آن را ادامه دهید گرفتاری‌های بیشتری پیدا خواهید کرد .

من که آن وقت این حرف‌ها را خرافاتی می‌دانستم خنده تمسخرآمیزی کردم و گفتم: من که تا آخرین قطره خونم پای تحقیق از این موضوع ایستاده‌ام و خودم آن سه جوان را دیدم که فرار می‌کردند و لذا حتّی احتمال هم نمی‌دهم که آن‌ها اجنه و یا چیز دیگری از این قبیل باشند .



استاد گفت: پس احتیاج به جواب ندارید؟ ولی من به شما توصیه می‌کنم که بیش از این کار را تعقیب نکنی که ناراحت می‌کنند. دوستانی که زن‌هایشان مبتلا به آن جریان شده بودند همه متفقاً گفتند: ولی ما تقاضا داریم که جواب را به ما بدهید و حتی یکی دو نفر از آن‌ها هم او را در این که این کار ممکن است از اجته صادر شده باشد تأیید کردند.

به هر حال آن روز آن مجلس به هم خورد و من از این که این استاد دانشگاه را برای تحقیق از این موضوع دعوت کرده بودم پشیمان بودم تا آن که سه روز گذشت.

استاد دانشگاه به من مراجعه کرد و گفت: حاضرم در جلسه دیگری که شوهرهای آن زن‌ها جمع شوند ولی زن‌ها و یا شخص غریبه‌ای در مجلس نباشد نتیجه، مطالعاتم را برای آن‌ها و شما بگویم.

من گفتم: بسیار خوب، باز هم در منزل ما جلسه تشکیل شود ولی چون کار زیادی دارم چند روز دیگر آن‌ها را دعوت می‌کنم تا شما با آن‌ها حرف بزنید. گفت: دیر می‌شود اگر شما همین امروز اقدام نمی‌کنید که جلسه تشکیل شود من خودم آن‌ها را دعوت می‌کنم و مطلب را به آن‌ها می‌گویم گفتم نه من وقت ندارم خودتان این کار را بکنید (اما من وقت داشتم ولی نمی‌خواستم حرف‌های خرافی او را گوش کنم).



او وقتی از من جدا شد آهی کشید و به من گفت: جوان تو حیفی خودت را به خاطر نادانی و سرسختی بی چاره می کنی. من اهمیّت ندادم او ظاهراً همان روز در منزل خودش جلسه ای تشکیل می دهد و طبق آنچه یکی از دوستان که زنش دچار جریان شده بود می گفت: او چند موضوع از حالات زن ها را قبل از حادثه و چند موضوع را در وقت حادثه و چند موضوع را بعد از حادثه مشترک می دانست اما موضوعات مشترک برای آن ها قبل از حادثه اتفاق افتاده بود این بود:

جریانات قبل از وقوع حادثه

- ۱- همه آن ها روز قبل از حادثه در منزل یا برای تفریح و یا برای سرگرمی و یا به خاطر عقاید خرافی و سائل سرور و شادی متجاوز از حدّ تشکیل داده بودند و از صبح تا شب می خندیدند.
- ۲- آن ها آن روز نماز و اعمال عبادی خود را انجام نداده بودند و حتّی هیچ کدام یادشان نبود که حتّی برای یک مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم گفته باشند.
- ۳- صبح آن روز عمل زناشوئی انجام داده و تا شب وقت حادثه غسل نکرده بودند.
- ۴- غذای خوشمزه ای تهیه کرده بودند و زیاد خورده بودند و معده آن ها کاملاً سنگین بوده است.



۵- به درب خانه آنها فقیرهایی که بعضی از آنها اظهار کرده بودند از اشراف (سادات) هستیم آمده بودند آنها با آنها که امکانات داشتند جواب مثبتی به آنها نداده بودند و بلکه جسارت هم کرده بودند.

۶- آب جوش روی زمین ریخته و بسم الله نگفته بودند او معتقد بود که همه آنها دست به دست هم داده بودند و این حادثه را برای آنها به وجود آورده بود و یا بعضی از اینها در جریانی که اتفاق افتاده مؤثر بوده است و حتماً این کار مربوط به اجنه است.

جریانات هنگام وقوع حادثه

اما موضوعات مشترکی که بین آنها در وقت حادثه بوده عبارتست از: ۱- همه آنها سه نفر جوان را می دیدند که نقابدارند و به آنها حمله می کرده اند.

۲- در اولین ضربه ای که به سر آنها وارد می کردند آنها را بیهوش می نمودند و بعد آنها را به جای دور دست می انداختند.

۳- با آنها که تقریباً ضربه هائی که به سر آنها وارد شده عمیق بوده است آنها دچار آسیب مهلکی نشدند.

۴- همه آنها اظهار می کردند که وقتی آن جوانها به ما می رسیدند حرف نمی زدند و هیچ کدام از آنها صدای آن جوانها را نشنیده بودند.



۵- همه آن‌ها اظهار می‌کردند که وقتی آن جوان‌ها با ما تماس می‌گرفتند و ما را بغل می‌کردند به قدری دست‌ها و بدنشان لطیف بود که ما احساس فشار بر بدنمان نمی‌کردیم.

۶- با آن‌که زن‌ها جوان بودند و بیشتر از هر چیز احتمال بی‌عفتی از طرف جوان‌ها نسبت به آن‌ها می‌رفت در عین حال با هیچ یک از آن‌ها عمل منافی با عفت انجام نداده بودند.

او متعقد بود که این دلایل ثابت می‌کند که عاملین آن جریان ارواح یا اجنه بودند که به صورت‌هایی درآمدند اما موضوعاتی که بعد از حادثه برای آن‌ها اتفاق افتاده بود.

جریان‌ات بعد از وقوع حادثه

۱- به همه آن‌ها یک حالت ضعف و رخوت عجیبی دست داده بود که خود آن‌ها آن را مربوط به خونی که از آن‌ها رفته بود می‌دانستند ولی از نظر طبیعی نباید از ده روز که از حادثه گذشته برای زن‌های جوانی که می‌توانند زودتر از این، آن ضایعه را جبران کنند ادامه داشته باشد.

۲- آن‌ها در حال حزن عجیبی بودند که در این مدت ده روز حتی یک تبسم هم نکرده بودند.

۳- در حال خواب فریاد می‌زدند و گاهی بی‌جهت از خواب می‌پریدند.



۴- حالت وحشت و ترس عجیبی به آنها دست داده بود که با هر صدائی از جا می پریدند.

۵- رنگ آنها بیشتر از آنچه توقع می رفت زرد شده بود و روز به روز بدتر می شدند و لذا شوهرهای زن هایی که مبتلا به این حادثه بودند خیلی زیاد اصرار داشتند که اگر ممکن است این موضوع پیگیری شود تا زن هایشان از این حالات بیرون بیایند.

اما من با سرسختی عجیبی این ها را تصادفی تصوّر می کردم و می گفتم: این ها خرافات است هر کسی که ضربه مغزی می خورد ضعف دارد در خواب فریاد می زند رنگش زرد می شود ترس بر او مستولی می شود و خواهی نخواهی به خاطر این ناراحتی ها حال حزن خواهد داشت. به این جهت تصمیم گرفتم از پا ننشینم تا آن سه جوان را پیدا کنم حتی یک روز به شهربانی رفتم و به رئیس شهربانی پرخاش کردم که در مدینه منوره ناامنی نبوده شما چرا این سه جوان را که این طور با جمعی رفتار کرده اند پیدا نمی کنید تا آنها را مجازات کنند. رئیس شهربانی به من گفت: ما در تعقیب آنها بوده ایم حتی در روزنامه و مجلات اعلام کرده ایم که مردم آنها را دستگیر کنند ولی چه کنیم که کوچک ترین ردّ پایی از آنها مشاهده نمی شود. آن استاد دانشگاه که بعد معلوم شد تسخیر جن هم دارد به دوستان گفته بود که من جن هایم را احضار کرده ام و از آنها درباره این موضوع تحقیق نموده ام



آن‌ها می‌گویند این عمل را سه نفر از جن‌هایی که شیعه بودند و با ما سنی‌ها مخالفند انجام داده‌اند.

نتیجه توهین به امام حسین علیه السلام و به عزاداری برای آن حضرت

استاد دانشگاه از آن‌ها پرسیده بود: چرا آن‌ها این هفت نفر از زن‌های سنی را انتخاب کرده‌اند و به بقیه اهل سنت اذیت وارد نکرده‌اند؟ در جواب جن‌ها به استاد دانشگاه گفته بودند: چون آن روزی که شب بعدش آن جریان اتفاق می‌افتد روز عاشورا بوده است و شیعیان عزادار بوده‌اند و به خصوص شیعیان از اجنه مجلس عزا در آن مکان‌هایی که آن زن‌ها زندگی می‌کردند داشته‌اند و چون آن‌ها آن روز زیاده‌تر از دیگران خوشحال بوده‌اند و آن‌ها زیاد می‌خندیدند به سه نفر جوان از اجنه مأموریت می‌دهند که آن‌ها را تنبیه کنند. استاد دانشگاه گفته بود: من به آن‌ها گفتم که تقصیری نداشتند، اولاً عزاداری شیعیان اجنه را نمی‌دیدند و ثانیاً از عاشوراء خبری نداشتند (چون اهل سنت به خصوص در مدینه از این موضوع غافلند) آن‌ها گفته بودند ما یک افرادی را به صورت فقراء به در خانه‌های آن‌ها فرستادیم. ولی آن‌ها عوض آن که از خنده و خوشحالی دست بردارند بعضی از آن‌ها با گفتار و بعضی عملاً به حضرت سیدالشهداء علیه السلام توهین هم کرده بودند و تا آن‌ها از این



عملشان توبه نکنند رنگشان رو به زردی می‌رود و این حالات مشترک آن‌ها را رنج می‌دهد. به این جهت استاد دانشگاه اصرار داشت که آن‌ها هر چه زودتر توبه کنند تا حالشان خوب شود بعضی از آن‌ها بدون آن که جریان‌شان را برای کسی نقل کنند نزد شیعیان در محله نخاوله رفته بودند و پولی برای عزاداری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) داده بودند و توبه کرده بودند. اما من همچنان این مسئله را توجیه می‌کردم و حتی به استاد دانشگاه یک روز گفتم: مثل این که تو شیعه هستی و با این کلک می‌خواستی از این موقعیت استفاده کنی و این عده را با شیعیان مرتبط نمایی؟! او به من گفت: به خدا من شیعه نیستم این آن چیزی بود که من فهمیده بودم و حالا تو هم خواهی فهمید، مبدا جریان را به پلیس بگوئی که هم تو دیگر نمی‌توانی ضررها را جبران کنی و هم من با این همه محبتی که به شما بدون تقاضای مزدی کرده‌ام در ناراحتی می‌افتم. گفتم: شما که جن دارید می‌توانید از آن‌ها کمک بگیرید، او هر چه التماس کرد من توجه نکردم و چون در آن مدت با پلیس همکاری کرده بودم و آن‌ها به من اعتماد پیدا کرده بودند جریان را به آن‌ها گزارش کردم.

رئیس شهربانی مرا در خلوت خواست و گفت: تو بد کردی که مسئله را در حضور افسرها و به خصوص افسر نگهبان عنوان کردی



زیرا او خیلی متعصب است حالا من مجبورم آن استاد دانشگاه را تعقیب کنم. و اگر صبر می‌کردی تا ببینیم اگر حال زنان خوب شد و تنها زن تو مریض باقی ماند معلوم می‌شود جریان صحت داشته و چه اشکالی دارد که به خاطر رفع کسالت زنت پولی به شیعیان برای عزاداری حضرت حسین بن علی (علیه السلام) بدهی!!

من عصبانی شدم گفتم: مثل این که شما هم از این بدعت‌ها بدتان نمی‌آید، این اعتقادات با رژیم عربستان سعودی که مذهب رسمی آن وهابیت است منافات دارد!!

رئیس شهربانی زنگی زد یک نفر پلیس آمد اول به او دستور داد که فلان استاد دانشگاه را به اینجا دعوتش کنید و بعد گفت: اسلحه این جوان را هم تحویل بگیرید و دیگر او را بدون اجازه به اینجا راه ندهید. بالاخره آن روز اسلحه مرا گرفتند و مرا از شهربانی بیرون نمودند من به منزل رفتم، شب تا صبح برای درد سر درست کردن استاد دانشگاه و رئیس شهربانی و آن عده که پول به شیعیان داده بودند نقشه می‌کشیدم، عاقبت فکرم به اینجا رسید که نزد قاضی القضاات (بن باز) بروم از همه شکایت کنم و جریان را از اوّل تا به آخر به او بگویم او قدرت دارد حتی رئیس شهربانی را هم تعقیب کند به خصوص که آن روز وقتی شنیدم که استاد دانشگاه مسافرت رفته و این دستور رئیس شهربانی برای نجات او از



محاكمه بوده بیشتر عصبانی شدم و مستقیماً به در خانه (بن باز) رفتم او تصادفاً در منزل نبود به خدمتکارانش گفتم: فردا به محضرشان مشرف می شوم. دوباره شب را به منزل رفتم و در اطاق خواب استراحت کردم و از فکر اذیت این افراد بیرون نمی رفتم که ناگهان دیدم شخصی وارد اطاق خواب من شد اول فکر کردم زنم از اطاق بیرون رفته و حالا برگشته است، ولی وقتی به او نگاه کردم دیدم مرد قوی هیکلی است با حربه مخصوصی که در دست داشت می خواهد به من بزند، من فکر کردم این یکی از همان هائی است که آن زن ها را مجروح کرده، از جا برخاستم و با فریاد به او گفتم: بدبخت امروز که اسلحه نداشتم از ترس به سراغم آمدی می دانم با تو چکار کنم، ولی او فقط یک دستش را دراز کرد و وقتی دستش نزدیک من آمد بزرگ شد به طوری که هر دو پای مرا با یک دست گرفت و به قدری فشار داد که از حال رفتم وقتی به هوش آمدم صبح شده بود پاهایم درد شدیدی می کرد. زنم به من گفت: چه شده؟ جریان را به او گفتم. او گفت: خواب بدی دیده ای حالا از جا برخیز تا بشارتی به تو بدهم هر چه کردم در اثر درد پا نتوانستم برخیزم.

به او گفتم: بشارتت چیست بگو؟ گفت: من علت کسالت خود را پیدا کرده ام و آن این است که روز قبل از جریان آن شب سید



فقیری به درخانه ما آمد و از من چیزی درخواست کرد من از رادیو آهنگ مخصوصی را گوش می دادم فوق العاده خوشحال بودم و حتی گاهی می رقصیدم و به او اعتنائی نکردم آن سید فقیر به من گفت: امروز عاشوراء است شیعیان برای حضرت حسین (علیه السلام) عزاداری می کنند چرا تو این قدر خوشحالی؟ به او گفتم: خفه شو و چند جمله جسارت به حسین بن علی (علیه السلام) و شیعیان کردم او مرا نفرین کرد و رفت که شب آن اتفاق افتاد ولی دیروز غروب همان سید فقیر را دیدم از او عذر خواستم، او به من گفت: اگر پولی به شیعیان نخواستی برای عزاداری سیدالشهداء (علیه السلام) بدهی شفا خواهی یافت.

من به گمانم آن دوستان به زخم کلک زده اند و او این دروغ را جعل کرده که مرا به آنچه استاد دانشگاه گفته معتقد کنند سیلی محکمی به صورت زخم زدم و به او گفتم: دیگر این دروغ ها را به من نگوئی ولی بعد پشیمان شدم به خصوص که آنچه استاد دانشگاه گفته بود از او پنهان می کردم. پاهایم هم به خاطر این عصبانیت دردش شدیدتر شد و من از طرفی فریاد می زدم و زخم به خاطر کتکی که خورده بود گریه می کرد بالاخره طاقت نیاوردم. به او گفتم: مرا هر چه زودتر به بیمارستان برسان، او مرا به بیمارستان برد. دکتر گفت: مثل اینکه پاهای شما ضربه شدیدی خورده و



خون از جریان افتاده اگر موفق بشویم خون را به جریان بیندازیم با ماساژ دادن درد پای شما برطرف می‌شود. آن‌ها تا شب پاهای مرا ماساژ می‌دادند ولی نه خون به جریان افتاد و نه درد پای من بهتر شد دکتر معالجم گفت: شما اگر اصل جریان پایتان را بگوئید، ممکن است در معالجه‌اش مؤثر باشد. من جریان را برای او گفتم، او گفت: شما ترسیده‌اید، چیزی نیست خیالم را راحت کردی، ولی درد پا مرا بی‌طاقت کرده بود، قرص‌های مسکن ابداً تأثیری نداشت. آخرهای شب نمی‌دانم به خواب رفته بودم یا این که بیدار بودم دیدم در اطاق باز شد این دفعه سه نفر نقابدار وارد اطاق شدند پرستار هم ایستاده بود!!! اما مثل این که او آن‌ها را نمی‌دید اول یکی از آن‌ها صورتش را باز کرد دیدم همان مردیست که شب قبل پاهایم را فشار داده بود. به من گفت: تا به حال با شماها حرف نمی‌زدم چون مردمی که تا این حدّ نافهمند نباید با آن‌ها حرف زد ولی حالا مجبورم به تو چند چیز را بگویم: اولاً ما همان سه نفری هستیم که به خاطر جسارتی که آن هفت نفر زن به عاشوراء و حضرت حسین بن علی (علیه السلام) کرده بودند آن‌ها را تنبیه کردیم. ثانیاً بدان که پاهای تو ولو توبه کنی خوب نمی‌شود و اگر آن‌ها را قطع نکنند تو از بین می‌روی در این بین آن دو نفر هم نقاب‌ها را از صورت برداشتند و آن شخص که با من حرف می‌زد به یکی از آن‌ها گفت: حالا به



خاطر این که زنش را سیلی زده و هم موضوع را درست باور نمی‌کند یک دستش را تو فشار بده و دست دیگرش را او فشار بدهد، تا دیگر پا نداشته دست هم نداشته باشد دنبال این کارها برود و دست هم نداشته باشد که سیلی به صورت زنش بزند آن‌ها دست مرا فشار دادند من داد کشیدم. پرستار با آن که در تمام این مدت در مقابل من ایستاده بود مثل این که از خواب پریده گفت: چه شده و تا او نزدیک تخت من آمد من از حال رفته بودم. وقتی به هوش آمدم طیب بالای سرم ایستاده و شانه‌های مرا ماساژ می‌داد و دست‌هایم هم مثل پاهایم درد می‌کرد وقتی جریان را به طیب گفتم. پرستار گفت: پس چرا من کسی را ندیدم؟ من به طیب اصرار کردم دست و پای مرا قطع کنید تا من از درد راحت شوم، طیب گفت: ما حالا معالجات لازم را انجام می‌دهیم اگر فایده‌ای نکرد بعد آن کار را خواهیم کرد. به هر حال اطباء حدود بیست روز برای معالجه من تلاش کردند علاوه بر آن که نتیجه‌ای نداشت روز به روز دست و پایم بدتر می‌شد کم کم مثل این که رگ‌های دست و پای مرا قطع کنند از همان جایی که ملاحظه می‌کنید سیاه شده و اطباء تجویز کردند که آن‌ها را یکی پس از دیگری قطع کنند و مرا به این روز بنشانند.

چند شب قبل از آن که از بیمارستان بیرون بیایم و تقریباً جای



زخمم بهبود پیدا کرده بود خیلی نگران وضع خودم بودم که حالا وقتی با این وضع از بیمارستان بیرون بیایم چه بکنم، زخم به من گفت: من تو را تا این حد لجباز نمی دانستم بیا قبول کن که مقداری پول نذر عزاداری حسین بن علی (علیه السلام) نمائی و آن را به شیعیان بدهی شاید وضعت از این بدتر نشود. گفتم: مانعی ندارد پولی برای آنها فرستادم و به آنها پیغام دادم که مجلس عزاداری برای حضرت حسین بن علی (علیه السلام) ترتیب بدهند و برای رفع کسالت من دعاء کنند. آنها هم ظاهراً آن مجلس را برپا کرده بودند و متوسل به حضرت ابا الفضل (علیه السلام) شده بودند من از این توسل اطلاعی نداشتم. در عالم رؤیا حضرت ابا الفضل (علیه السلام) را دیدم که به بالینم آمده اند و مرا به خاطر آن که آنها برای من توسل کرده اند از درد نجات دادند و بحمدالله از آن روز تا به حال (درد ندارم و) همین زندگی خوبی را که می بینی دارم.

این بود قضیه من.

من به او گفتم: شما با این کراماتی که از عزاداری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) دیده اید چرا شیعه نمی شوید؟ گفت: هنوز حَقَّانیت مذهب شیعه برایم ثابت نشده ولی به عزاداری برای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) خیلی عقیده دارم و در ایام عاشورا خودم مجلس ذکر مصیبت تشکیل می دهم و از شیعیان دعوت



می‌کنم که در آن مجلس اجتماع کنند امید است که اگر حق با شیعه باشد از همین مجالس مستبصر شوم. و این که قصّه‌ام را برای شما گفتم برای این است که به شیعیان علاقه دارم.^۱

جریانی که نقل کردیم دلیل بر این است که عزاداری امام حسین (علیه السلام) اختصاص به انسان‌ها ندارد؛ بلکه اجته هم برای شهادت و مظلومیت آن حضرت، سوگوار هستند و عزاداری می‌کنند. علاوه بر این، نه تنها انسان‌ها و اجته برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری می‌کنند بلکه همه موجودات عالم عزادار آن بزرگوار شده‌اند.

گریه دشمنان امام حسین (علیه السلام) برای آن حضرت در روز عاشورا

نکته‌ای را که می‌خواهیم در اینجا بیان کنیم، این است که نه تنها انسان‌ها و اجته و سایر موجوداتی که ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را پذیرفته‌اند به خاطر شهادت آن حضرت عزادار شده‌اند؛ بلکه گاهی سنگدل‌ترین افراد برای مظلومیت امام حسین (علیه السلام) غمناک شده و اشک ریخته‌اند.

جریان اشک ریختن مروان هنگامی که نوحه سرایی حضرت امّ البنین (علیها السلام) را گوش داد، معروف است.

۱. سایت عاشورا.



غیر از مروان افراد دیگری نیز که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند با شنیدن جریان شهادت امام حسین علیه السلام اشک ریخته‌اند. حتی در جریان کربلا چند بار لشکر کوفه و شام برای امام حسین علیه السلام گریه کردند؛ ولی متأسفانه دست از جنایت خود برنداشتند.

در اینجا جریان گروهی از لشکریان کوفه و شام را که در کربلا بر اثر شنیدن نصیحت‌ها و سخنان حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام اشک ریختند نقل می‌کنیم.

نصیحت‌های حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام

در روز عاشورا

یکی از برنامه‌های بسیار مؤثر در زندگانی حضرت ابا الفضل علیه السلام، نصیحت به مردم و خیرخواهی برای آنان بوده است. پند و اندرزی که از زبان آن حضرت جاری می‌شد و نگاه‌های پر هیبتی که آن بزرگوار به این و آن می‌نمودند در دل و جان آنان نفوذ می‌کرد و افکار و اندیشه‌های آنان را دگرگون می‌ساخت.

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ بَالِغَتْ فِي النَّصِيحَةِ...^۱

۱. صحیفه حسینیّه، زیارت بیستم: ۵۰۰.



و شهادت می‌دهم که شما نهایت تلاش را در نصیحت انجام دادید.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام آن چنان زیاد به نصیحت و خیرخواهی افراد می‌پرداختند، که هر کس به زیارت آن بزرگوار شرفیاب می‌شود، باید به این حقیقت که در زیارت نامه آن حضرت وارد شده، تصریح کند.

از این جمله، چنین استفاده می‌کنیم: حضرت ابوالفضل علیه السلام زیاد مردم را پند و اندرز داده و آنان را نصیحت می‌نمودند، هر چند متن آن گفتارها - جز مقدار کمی - به ما نرسیده است.

بنابراین حضرت عباس علیه السلام با برخورداری از قدرت الهی نه تنها به خاطر دارا بودن نیروی جسمانی؛ بلکه از قدرت روحی که از سرچشمه ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌جوشیده است بهره‌مند بودند و با قدرت فصاحت و بلاغتی که از پدر بزرگوارشان در ایشان وجود داشته، چنان سخن می‌گفته‌اند و چنان به نصیحت خواهی می‌پرداختند که همگان را تحت نفوذ گفتار و سخنان خود قرار می‌دادند. گاهی با سخنانی کوتاه آن چنان در افکار مردم موج ایجاد می‌کردند که آنان از اندیشه‌های موروثنی خود دست برداشته و حق و حقیقت را در کلام حضرت عباس علیه السلام می‌یافتند.

اکنون نمونه‌ای از تأثیر کلام آن حضرت را که در روز عاشورا بیان فرموده‌اند نقل می‌کنیم.



گریه لشکریان یزید

بر اثر نصیحت‌های حضرت ابوالفضل علیه السلام

حضرت ابوالفضل علیه السلام در روز عاشورا از امام حسین علیه السلام اجازه خواستند که به میدان جنگ بروند و از منافقین خونخواهی نمایند امام حسین علیه السلام فرمودند حال که اراده میدان رفتن داری مقداری آب برای کودکان بیاور...

حضرت ابوالفضل علیه السلام به اسب نهیبی زده و به سوی قوم روان شدند تا به وسط میدان رسیدند. آن گاه ایستادند و به نصیحت آن قوم پرداختند و فرمودند: یابن سعد این حسین پسر دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که یاران او و برادران و پسر عموهای او را کشتید و با اولاد و عیالش تنها باقی مانده. آن‌ها همه تشنه‌اند که تشنگی قلب‌های آن‌ها را آتش زده است، پس مقداری آب به آن‌ها بدهید، زیرا که کودکان و عیالش نزدیک به مرگ رسیده‌اند. و او با این همه می‌گوید: مرا واگذارید تا به طرف روم، یا هند بروم و حجاز را برای شما خالی بگذارم و برای شما شرط می‌کنم که در روز قیامت نزد خداوند با شما مخاصمه نکنم تا هر چه را خدا می‌خواهد انجام دهد. چون حضرت ابوالفضل علیه السلام گفتار امام حسین علیه السلام را به آن‌ها رساند، بعضی ساکت شدند و جوابی ندادند و بعضی از آن‌ها نشستند و گریه کردند.



در این هنگام شمر که لعنت خدا بر او باد و شبث بن ربعی به نزد حضرت عباس علیه السلام آمدند و گفتند به برادرت بگو اگر بر روی تمام کره زمین آب باشد و در اختیار ما باشد به شما قطره‌ای از آن نمی‌آشامیم مگر آنکه با یزید بیعت کنید ^۱، ^۲.

شدت عطش در روز عاشورا

در اینجا توجه شما را به دو نکته جلب می‌کنیم:

۱- گفتار حضرت ابوالفضل علیه السلام دلیل آشکار و صریحی است بر شدت عطش اهل بیت علیهم السلام در روز عاشورا، به طوری که حضرت ابوالفضل علیه السلام حال آنان را چنین بیان نموده‌اند که آنان به حالت مرگ رسیده‌اند.

اگر در کربلا به خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام مشرف شوید احساس

۱. تاریخ امام حسین علیه السلام: ۲۳۹/۴.

۲. فهمز جواده نحو القوم حتی توسط الميدان، فوقف وقال: یا بنی سعد! هذا الحسین بن بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم إنکم قتلتم أصحابه، وإخوته، وبنی عمه، وبقی فریدا مع أولاده وعیاله وهم عطاش قد أحرق الظمأ قلوبهم، فاسقوهم شربة من الماء، لأن أطفاله وعیاله وصلوا إلى الهلاك، وهو مع ذلك يقول: دعوني أخرج إلى طرف الروم، أو الهند وأخلي لكم الحجاز، وأشرط لكم أن غدا في القيامة لا أخاصمکم عند الله حتی يفعل الله بکم ما يريد. فلما أوصل العباس إليهم الكلام عن أخيه، فمنهم من سكت ولم يرد جواباً، ومنهم من جلس يبكي. فخرج الشمر (لعنه الله) وشبث بن ربعي، فجاءا نحو العباس وقالوا: قل لأخيك لو كان كل وجه الأرض ماء وهو تحت أيدينا، ما أسقيناكم منه قطرة إلا أن تدخلوا في بيعة يزید. (موسوعة الامام الحسين علیه السلام: ۲۳۹/۴)



می‌کنید در حرمی از حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده‌اید جاذبه معنوی بسیار زیاد آن مکان مقدّس این مطلب را به ذهن نزدیک می‌کند که شاید در آن مکان با عظمت از اهل حرم دفن شده باشند. بعضی از اهل بیت علیهم‌السلام یکی دو روز پس از عاشورا بیشتر زنده نماندند و شدّت عطش آن‌ها سبب شهادت آن‌ها شد.

حضرت خدیجه خاتون خواهر گرامی حضرت ابوالفضل علیه‌السلام تا کوفه در اسارت بودند و در آنجا به خاطر آثار شدید تشنگی و عطش به شهادت رسیدند و همان جا دفن شدند. حرم و بارگاه آن حضرت در کنار مسجد کوفه زیارتگاه شیعیان است.

چرا افرادی که گریه کردند

دو مرتبه از شمر و سنان پیروی نمودند

۲- نکته دیگری که باید در آن دقّت شود گریه عده‌ای از مردم کوفه و شام است که با شنیدن گفتارها و نصیحت‌های حضرت ابوالفضل علیه‌السلام به زمین نشسته و گریه کردند و اگر شمر و سنان نبودند شاید آن‌ها به حضرت ابوالفضل علیه‌السلام آب می‌رساندند. آن‌ها با اینکه از کار خود شرم سار بوده و گریه کرده بودند؛ چرا از شمر و سنان پیروی کردند؟

در این باره باید گفت: معمولاً بزرگ‌تران قوم هستند که آن‌ها را شستشوی مغزی داده و در دام بلا دچار می‌سازند.



و گاهی در واقع مردم حرف آن‌ها را نمی‌پذیرند؛ ولی از نظر روانشناسی از باب «بازتاب شرطی» گرفتار یک نوع تسخیر شدگی می‌شوند و از آنان پیروی می‌کنند.

آنچه بسیار مهم است و نباید از آن غفلت کرد، تأثیر لقمه‌های حرامی است که آنان به خورد مردم می‌دهند.

اهمیت شرکت در مجالس عزاداری

همانگونه که مجالسی که برای عزاداری امام حسین علیه السلام تشکیل می‌شود، از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارد، کسانی که در آن مجالس شرکت می‌کنند، نیز با هم تفاوت دارد.

در زیارت امام حسین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام نیز، افرادی که به زیارتشان می‌روند، از جهت درک معنویت زیارت، با یکدیگر فرق دارند. به این جهت ما نباید مرحوم علامه امینی را در زیارت‌هایی که انجام داده‌اند، یا مرحوم آیت الله خوانساری را در شرکت مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام با زیارت و شرکت خود در مجالس عزاداری، مقایسه کنیم. اگر مرحوم علامه امینی بزرگترین دستاورد زندگی خود را زیارت امام حسین علیه السلام بیان می‌کنند و یا اگر مرحوم آیت الله خوانساری مهم‌ترین لحظات زندگی خود را زمان شرکت در مجالس عزاداری می‌دانند، به خاطر نتیجه‌های بسیار عظیمی است که آن بزرگواران و امثال آن‌ها از



زیارت و عزاداری به دست آورده‌اند.

بنابراین ما نباید به آنچه بزرگان ما آن را بیان کرده‌اند، به دیده انکار بنگریم؛ بلکه سزاوار است سخنان آنان را بشنویم و باور کنیم. و اگر دوست داریم ما نیز همچون آن بزرگواران اهمیت زیارت و عظمت عزاداری و آثار آن‌ها را درک کنیم، باید در برنامه زندگی، همچون آنان باشیم و از امتحان‌های بزرگی که برای آن بزرگواران در طول زندگیشان برایشان پیش آمده و به خوبی از عهده آن برآمده‌اند، ما نیز در سختی‌ها و مشکلات و فتنه‌های آخرالزمان به خوبی از عهده آن‌ها براییم.

اشکال کار ما در این است که دوست داریم به هدف و مقصدی که بزرگان ما رسیده‌اند، برسیم، اما نمی‌خواهیم راهی را که آنان رفته‌اند طی کنیم.

برای آگاه شدن از عظمت مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و اهمیت شرکت در آن‌ها به این جریان توجه کنید:

مرحوم علامه مدّاح در خاطرات خود می‌نویسد:

«یکی از علمای بزرگ تهران، مرجع بلندپایه شیعه آیت الله آقای حاج سید احمد خوانساری اعلی الله مقامه بود که از زمان مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، بسیار مورد توجه بود و تمام مراجع نسبت به آن بزرگوار، اظهار علاقه و عقیده می‌کردند.



من نیز به ایشان، بسیار علاقه داشتم. سال‌های سال (شاید به مدّت ۱۰ سال) ماه‌های جمادی الأوّل و جمادی الثّانی و رجب، بعد از نماز در مسجد حاج سیّد عزیزالله که ایشان امام جماعت آن بودند منبر می‌رفتم. این باعث شد که من برای حضرت زهرا علیها السلام خیلی کار کنم و شعرهای زیاد حفظ کنم و با بضاعت کم خود و ناتوانی‌ام، دربارهٔ زندگانی آن حضرت تا اندازه‌ای شعر بگویم. آن قدر به آن مجلس علاقه داشتم که حتّی روزهای عاشورا، مجالس را رها می‌کردم و روضهٔ ظهر عاشورا را در مسجد حاج سیّد عزیزالله می‌خواندم.

در ایّامی که مریض بودم و حالم خیلی سخت بود، آقا زادهٔ محترم آن مرحوم (حضرت حجّة الاسلام والمسلمین حاج سیّد جعفر خوانساری) صبح به عیادت من آمدند و گفتند: در همین حال و در بستر یک توسّل به مادرم حضرت زهرا علیها السلام پیدا کن و یک روضهٔ خودمانی برای شفای خودت بخوان.

آن مرحوم آن قدر در مجلس حضرت سیّد الشهداء علیه السلام به همه احترام می‌گذاشت که جلوی پای هر شخصی بلند می‌شد و اظهار ادب می‌کرد. در ایّام مریضی آن مرد خدا، هر چند روز، یک بار، می‌رفتم عیادت و روضه‌ای خودمانی برای آن بزرگوار می‌خواندم. سه روز قبل از فوت آن بزرگوار رفتم. دستور فرمودند: خانم‌ها



بیایند پشت پرده. سپس عبای مبارک را به دوش انداختند و با ادب نشستند. پس از سه روز، تلفن زدند که: آقا از دنیا رفت. من برای حضور در مراسم غسل، مشرف شدم. پس از غسل، آقا زاده ایشان گریه کنان گفتند: وقتی تو رفتی، آقا مرا صدا زدند و گفتند: جعفر! من دارم دست خالی از دنیا می‌روم. فقط تنها چیزی که با خود می‌برم، تشرّف به مجالس امام حسین و اهل بیت علیهم‌السلام است.

کسی که بعضی از علما به تقوای کامل او نظر می‌دادند و خدا خواست تغییر ماه در عربستان سعودی با فتوای او مطابق باشد و وقتی در تهران بود، هیچ موشکی به شهر اصابت نکرد، می‌گوید: دست خالی می‌روم! پس وای بر ما!

خدایا، به فضل خودت - که اندازه ندارد - با ما معامله کن؛ نه با عدلت. خدایا! این نوکر پیر را - با لطف بی‌کران که به اهل بیت علیهم‌السلام داری - به آن‌ها ببخش و با حُسن ظنّ مردم با این حقیر معامله کن و در قیامت ما را شرمنده اهل بیت علیهم‌السلام و دوستانشان قرار مده؛ یا أرحم الراحمین.^۱

اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که مجالس عزاداری امام حسین علیه‌السلام و سایر اهل بیت علیهم‌السلام دارای چه اسراری است که شخصیت‌هایی همچون مرحوم آیه الله خوانساری تنها سرمایه عمر

۱. خاطرات شصت سال خدمت گذاری در آستان اهل بیت علیهم‌السلام: ۱۵۸.



و زندگی خود را شرکت در آن مجالس می‌دانند؟

آثار عجیب عزاداری را که آن‌ها درک می‌کردند به چه خاطر بوده است؟

برای پاسخ به این سؤال یکی از اسرار مهم آن را که تفکر در نقش مصائب اهل بیت علیهم‌السلام در عالم است بیان می‌کنیم.

نقش تفکر در

مصائب اهل بیت علیهم‌السلام در عالم

بعضی از مردم در عزاداری‌ها شرکت می‌کنند و با شنیدن عزاداری‌ها و مرثیه‌هایی که درباره اهل بیت علیهم‌السلام خوانده می‌شود با تمام وجود می‌سوزند و اشک می‌ریزند. واضح است که این سوختن‌ها و اشک ریختن‌ها در قلب آنان آثار عجیبی ایجاد می‌کند و به تقرب آن‌ها به اهل بیت علیهم‌السلام می‌افزاید. و این خود یک امر بزرگ و یک جریان مهم معنوی است؛ ولی همانگونه که می‌دانیم هر چه قدر معرفت انسان و تعقل و تفکر او درباره امور بیشتر باشد از آثار بیشتری برخوردار می‌شود. به عنوان مثال کسی که برای شدت عطش امام حسین علیه‌السلام و کثرت جراحات آن حضرت قلبش می‌سوزد و اشک از چشمانش جاری می‌شود، با کسی که برای این امور اشک می‌ریزد و علاوه بر آن توجه دارد که بر اثر شهادت امام حسین علیه‌السلام به خاطر شدت عطش و کثرت جراحات و... و... بر



عالم هستی چه مصیبت عظیمی وارد شده تفاوت دارد شهادت آن حضرت تا چه حدّ جهانِ هستی را از هزاران سال پیش - حتّی قبل از شهادت آن حضرت - تا زمان‌های آینده تحت تأثیر قرار داده است؟ و بر اثر این جنایت بزرگی که بر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام وارد شده، در موجودات عالم هستی چه تأثیراتی ایجاد شده؟ و آنان را دچار چه محرومیت‌های بزرگی نموده است؟ واضح است که معرفت و توجّه به این نکته‌ها تا چه حدّ از جهت آثاری که به خاطر عزاداری معمولی است، تفاوت دارد.

عزاداری که همه مصیبت‌های امام حسین علیه السلام را در انحصار این عالم خاکی می‌پندارد، با کسی که از عزای آن حضرت در عرش الهی نیز باخبر است و به خوبی می‌داند به سبب شهادت مظلومانه آن حضرت، «اقشعرت له اظلة العرش»^۱، و می‌داند اظلة عرش الهی بر اثر شهادت امام حسین علیه السلام به لرزه در آمده تفاوت فراوان دارد.

بدیهی است عزاداری که می‌داند که مصایب گودال قتلگاه عرش الهی را به لرزه درآورده و از عظمت ولایت آن حضرت بر عالم هستی و بر ما سوی الله با خبر است، با عزاداری کسی که شهادت را منحصر در گودال قتلگاه می‌داند و چیزی بیش از آن نمی‌داند،

۱. صحیفه حسینیّه، زیارت پنجم: ۴۴۴.



بسیار تفاوت دارد.

عزاداری‌هایی که واقع می‌شود و مصیبت‌هایی که خواننده می‌شود و اشک‌هایی که ریخته می‌شود بیشتر از نوع اول است و کم اتفاق می‌افتد کسی که گریه می‌کند و اشکش جاری می‌شود دربارهٔ اعماق این مصائب هم فکر کرده باشد و با توجّه به عمق مصیبت و تأثیر آن در عالم برای آن اشک ریخته باشد.

معرفت در عزاداری

به این نکته باید توجّه داشته باشیم همانگونه که در زیارت هر چه زائر معرفتش بیشتر باشد زیارتش آثار بیشتری دارد در عزاداری هم هر چه عزادار معرفتش به عزاداری بیشتر باشد، عزاداریش آثار بیشتری دارد. درک عظمت شهادت و توجّه دربارهٔ آثار آن در عالم، دلیل بر معرفت عزادار، در عزاداری او می‌باشد.

عزاداری با توجّه به امر عظیم شهادت و اندیشه دربارهٔ آثار آن در عالم

بعضی از بزرگان شیعه به هنگام عزاداری، به عظمت شهادت و آثار آن در عالم هستی توجّه می‌کنند و این امر سبب تقرّب زیاد آنان به محضر مبارک حضرت بقیّة الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه



می شود.

عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام

به این جهت اشک و عزاداری آنان با افراد دیگر تفاوت فراوان دارد. در اینجا جریانی را از مرحوم شیخ محمد کوفی اعلی الله مقامه - که بارها خدمت امام زمان ارواحنا فداه رسیده است - نقل می کنیم، ایشان می گوید در حدود سال هزار و سیصد و سی و پنج، شب هجدهم ماه رمضان قصد مسجد کوفه نمودم که در شب نوزدهم، شب ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و شب بیست و یکم، شب شهادت آن جناب در آن جا بیتوته کنم و در این امر عظیم و حادثه بزرگ تفکر نمایم و عزاداری کنم.

فرمود: نماز مغرب و عشا را در مقام مشهور به مقام امیرالمؤمنین علیه السلام به جا آوردم، برخاستم به یک طرفی از اطراف مسجد بروم و افطار کنم، نان و خیار همراه داشتم.

پس به طرف شرقی مسجد متوجه شدم. چون از طاق اول گذشتم و به طاق دوم رسیدم، دیدم بساطی فرش شده، شخصی به خود عبا پیچیده و بر آن فرش خوابیده است و شخص معممی در لباس اهل علم نزد او نشسته. به او سلام کردم. جواب سلام را داد و گفت: بنشین، نشستیم.

آن گاه شروع کرد از حال یک یک علما و افاضل سؤال کرد و من می گفتم به خیر و عافیت است. سپس آن شخص خوابیده، کلمه ای





به او گفت که نفهمیدم چه گفت و آن شخص دیگر سؤالی نکرد.

سؤال کردم: این شخص که خوابیده است کیست؟

گفت: این سید عالم است - به فتح لام - کلام او را کلام بزرگی
شمردم و گمان کردم می خواهد این شخص را بزرگ شمارد، در
نفس خود گفتم: سید عالم، آن حجت منتظر - سلام الله علیه - است.
گفتم: این سید، عالم - به کسر لام - است.

گفت: نه! این سید عالم - به فتح - است. پس ساکت شدم و از
آن کلام متحیر گردیدم و این که می دیدم بر دیوارها نور ساطع
است، مثل نور چراغ ها و حال آن که شب تاریک و در اول های
شب است و ملتفت نمی شدم به این نوری که ظاهر است و به معنی
کلام این شخص که می گفت: این سید عالم (به فتح) است.

شیخ محمد فرمود: شخص جالس آب خواست. دیدم،
شخصی با کاسه آبی در دست نمودار شد. کاسه آب را به او داد،
آشامید و بقیه را به من داد. گفتم: تشنه نیستم. آن شخصی که آب
آورده بود کاسه را گرفت و چند قدمی که رفت، غایب شد. پس به
جهت نماز در مقام برخاستم و در مصیبت عظمای امیر المؤمنین علیه السلام
تفکر نمودم.

آن شخص از مقصد من سؤال کرد مقصود خود را گفتم، به من

مرحبا گفت و دعا کرد.



به مقام آمدم، چند رکعت نماز به جا آوردم و کسالت و خواب آلودگی بر من غالب شد. به خواب رفتم و بیدار نشدم مگر این که دیدم هوا مثل روز، روشن است. بنا گذاردم بر ملامت کردن خود بر فوت شدن قصد من از عبادت و بدحالی خود و محزون بودم به جهت مصیبت آن حضرت و این که چه چیز در این مقام مرا به خواب کرد و حال آن که فوز من در قیام در این مقام بود.

آن گاه در آن جا جماعتی دیدم که دو صف کشیده‌اند، اقامه نماز شده و یک نفر امام جماعت است. یکی از آن جماعت گفت: این جوان را با خود ببریم. امام جماعت گفت: دو امتحان از او باقی مانده است؛ یکی از آن در سال چهل، و یکی در سال هفتاد.

مرحوم شیخ محمد گفت: به جهت وضو به خارج مسجد رفتم و چون برگشتم، دیدم هوا تاریک است و اثری از آن جماعت نیست. بعد متنبّه شدم که آن سید عالم، همان حجّت منتظر بود که استراحت نموده بود و نوری که بر دیوارها ساطع بود، نور امامت بوده و او در مرتبه دوّم امام جماعت بود و هوا به انوار متجلّی آن حضرت، روشن و منجلی شده بود، آن جماعت، خواصّ آن حضرت بودند و آب آوردن آن شخص و برگشتنش از اعجاز آن حضرت علیه السلام بوده است.^۱



آری افرادی که راه رفته و راه یافته‌اند و همچون مرحوم شیخ محمد کوفی اول در امر عظیم و حادثه بزرگ مصیبت تفکر می‌کنند و سپس عزاداری می‌نمایند.

مهمترین مجلس عزاداری چگونه مجلسی است!

بسیاری از افراد دوست دارند بدانند کدام یک از مجالس عزاداری امتیاز بیشتری دارد، آیا مجالسی که سال‌های سال سابقه عزاداری دارد؟ یا مجالسی که دارای جمعیت بیشتری باشد، یا مجالسی که اموال زیادی در آن‌ها مصرف می‌شود؟ و یا مجالسی که ...

۱- عموم مجالس عزاداری مورد توجه هستند

در پاسخ به این سؤال باید گفت:

مواردی که ذکر شد مؤثر در ازدیاد توجه امام حسین علیه السلام می‌باشد، ولی می‌توان به طور کلی بگوییم مجالس عزاداری سه گونه‌اند؛

عموم مجالسی که برای عزاداری و سوگواری امام حسین علیه السلام برگزار می‌شود مورد توجه امام حسین علیه السلام است.



۲- مجالسی که مورد توجّه و عنایت خاصّ هستند

برخی از مجالس مورد نظر و توجّه خاصّ آن بزرگواران است. از مهمترین مجالس عزاداری، مجلسی است که توجّه خاصّ اهل بیت علیهم السلام را به خود جلب کند. زیرا ملاک در برتری مجالس روضه خوانی و عزاداری، توجّه و عنایت خاصّ اهل بیت علیهم السلام به آن مجالس است.

آنچه مهمّ می‌باشد این است که انسان کوشش کند مجلسی را که برای عزاداری امام حسین علیه السلام برگزار می‌کند با عموم مجالسی که مورد توجّه است از نظر معنوی فرق داشته باشد یعنی مورد توجّه خاصّ آن حضرت باشد. به این معنی که دارای خصوصیتی باشد که سبب شود آن مجلس نه تنها مورد عنایت باشد؛ بلکه از توجّه خاص برخوردار باشد.

بدیهی است مجلسی که مورد توجّه خاصّ امام حسین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام باشد از مزایای زیادی برخوردار می‌باشد که یکی از آنها توجّه امام زمان عجل الله تعالی له الفرج به افرادی می‌باشد که در آن مجلس شرکت کرده‌اند.

ما در اینجا یک مجلس از مجالسی را که مورد توجّه خاصّ امام حسین علیه السلام بوده است نقل می‌کنیم هر چند آن مجلس از جهات



ظاهری مورد توجه مردم نبوده؛ ولی مورد عنایت خاص امام حسین علیه السلام بوده است:

یکی از علمای بزرگ تهران شبی امام حسین علیه السلام را خواب دید. از ایشان سؤال کرد که در این مجالس تهران، شما به کدام یک از آنها بیشتر علاقه دارید؟ فرمودند: «به همه آنها علاقه دارم». آن شخص حضرتش را به حضرت علی اکبر علیه السلام قسم داد که موردی را ذکر کنند. فرمود:

«صابون پزخانه، کوچه خالو قنبر، درب پنجم، منزل پیرزنی است. به این منزل خیلی علاقه دارم.»

این مرد بزرگوار حرکت کرد. آن موقع هم مثل حالا تاکسی تلفنی یا تاکسی سرویس نبود؛ پیاده حرکت کرد تا منزل پیرزن را یافت. گفت: مادر جان! روزه دارید؟ گفت: بله؛ اما از دست روزه خوانها ناراحت ام. گاهی روزه خوان آمده است؛ مستمع ندارم. گاهی مستمع آمده است؛ روزه خوان ندارم. شما بلدی روزه بخوانی؟ فرمود: بله. گفت: برایم روزه می خوانی؟ گفت: افتخار می کنم که برای شما روزه بخوانم. پیرزن - که نمی دانست این آقا کیست - گفت: باید صبر کنی تا مستمع را خبر کنم. آن زن همسایه ها را خبر کرد و آن عالم هم روزه خواند.

بعد از روزه، پیرزن گفت: فردا هم می آیی؟ ایشان گفت: آری،



فردای آن روز هم آمد و گفت: تا آخر روضه، می آیم، افراد دیگر هم منبر می رفتند مجلس رونق گرفت و جمعیت زیادی می آمدند. شبی که فردایش روز آخر مجلس توسل این پیرزن بود، آقا به این زن گفت: من از شما یک خواهش دارم؛ اجازه بده فردا پول منبری هایت را من بدهم. یک مرتبه پیرزن شروع کرد به گریه کردن و گفت: خیلی زرنگی؟! یک سال من در خانه مردم رخت شویی کرده ام و کهنه و کثافت زمستان و تابستان خانه ها را شسته ام؛ به این امید که سالی ده روز، برای امام حسین علیه السلام روضه دارم. شما می خواهی این مجلس را از من بگیری؟ من هرگز چنین اجازه ای به شما نخواهم داد. آری، در کوی ما شکسته دلی می خرنند و بس...^۱

شدت علاقه آن پیرزن و اخلاص او سبب شد که با همه تنگدستی و تنهایی مجلس عزاداری را اقامه کند. در این گونه مجالس ممکن است بعضی از اهل بیت علیهم السلام و یا سایر اولیاء الهی شرکت کنند هر چند کسی متوجه حضور آن بزرگواران نشود.

آنچه مسلم می باشد این است که هر کس این چنین باشد لطف امام حسین علیه السلام و نظر خاص آن حضرت به او، آن چنان خواهد بود

۱. خاطرات شصت سال خدمت گذاری در آستان اهل بیت علیهم السلام: ۶۶.

که به آن پیرزن داشتند.



۳- مجلس عزاداری در حضور اهل بیت علیهم السلام

مهم‌تر از مجالسی که مورد توجه خاص اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، مجالسی است که آن بزرگواران در آن‌ها حاضر می‌شوند، و ذاکر یا بعضی از عزاداران متوجه حضور آن بزرگواران می‌شوند.

اینگونه مجالس از قرن اول اسلام وجود داشته و در بعضی از روایات وارد شده که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مجالس عزای امام حسین علیه السلام حاضر می‌شوند. و روایتی نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مجلس یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام حاضر شده‌اند. از آن زمان تاکنون نیز اینگونه مجالس وجود داشته است و آنان که اهل هوی و هوس نبوده‌اند از حضور اهل بیت علیهم السلام آگاه شده و بلکه آن بزرگواران را مشاهده کرده‌اند؛ اما اینگونه موارد نادر است و ما از باب وصف العیش نصف العیش و همچنین به خاطر اینکه سؤال را جواب داده باشیم، این مورد را که حضور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه یا سایر اهل بیت علیهم السلام در مجالس عزاداری می‌باشد نقل می‌کنیم. جریان تشریف‌فرمایی حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه و مشاهده بعضی از افراد، در کتاب‌هایی که جریان‌های تشریف‌خدمت آن حضرت را نوشته‌اند، نقل شده است به عنوان نمونه می‌توانید به کتاب «العبقری الحسان» رجوع



کنید. ما در اینجا یک نمونه از حضور اهل بیت علیهم السلام در مجلس عزای امام حسین علیه السلام را که برخی از اولیاء خدا آن را دیده‌اند نقل می‌کنیم:

مجلس عزاداری در محضر امام حسین علیه السلام

استاد جلیل‌القدر، عالم ربّانی مرحوم آقای حاج شیخ محمود نگارنده می‌فرمودند:

مرحوم شیخ غلام رضا تولّایی^۱ از ذاکرین مهمّ حضرت امام حسین علیه السلام بودند ایشان با اینکه لکنت زبان داشتند، هر وقت روی صندلی یا منبر برای خواندنِ روضه می‌نشستند، از اوّل تا آخر روضه را بدون هیچگونه لکنت زبان می‌خواندند. در آن زمان ذاکرینی که معروف بودند مرکب سواری داشتند تا ایّامی که برای روضه خوانی زیاد دعوت می‌شدند، بتوانند خود را به همهّ مجالس برسانند.

در یکی از روزهای ماه محرمّ که ایشان مجالس زیادی داشتند، پس از خواندن نماز ظهر و عصر و تناول غذا مرکب خود را آماده می‌کنند و سوار بر آن می‌شوند تا با عجله خود را به اوّلین مجلسی که برای روضه‌خوانی دعوت بودند برسانند، ولی هر چه سعی و

۱. ایشان والد بزرگوار مرحوم آیه الله حاج شیخ محمود تولّایی بودند.



تلاش می‌کنند مرکب ایشان از راهی که باید به سوی آن مجلس بروند، از آن راه نمی‌رود و به راهی دیگر می‌رفته است و چون سعی و تلاششان برای رفتن از مسیری که مجلس روضه خوانی ایشان در آن راه، بی‌نتیجه می‌ماند، او را به حال خود وا می‌گذارند تا اگر سرّی در کار است مانع آن نشوند.

در این هنگام مرکب سواری با عجله تمام کوچه پس کوچه‌ها را طی می‌کند تا به دالانی می‌رسد و مقابل آن دالان می‌ایستد. ایشان نگاه می‌کنند، می‌بینند در آخر دالان درب منزلی باز است و گویا افرادی در آنجا هستند. با خود می‌گویند شاید امروز باید در این منزل روضه بخوانم، از مرکب پیاده شده و وارد آن خانه می‌شوند، متوجّه می‌شوند گویا افرادی که در آن منزل هستند منتظر ایشان بوده‌اند. صاحب منزل ایشان را تعارف می‌کند که روضه بخوانند.

ایشان مانند همیشه بدون هیچ لکنتی روضه می‌خوانند و مجلس منقلب می‌شود. پس از تمام شدن روضه از منبر پایین می‌آیند و وقتی که می‌خواهند از مجلس خارج شوند صاحب منزل پاکتی را به ایشان می‌دهد؛ ولی آن بزرگوار قبول نمی‌کند و پاکت را نمی‌گیرد و می‌گوید چون من بدون دعوت به این مجلس آمده‌ام چیزی قبول نمی‌کنم.



نکته مهمّ جریان اینجا است که وقتی ایشان می‌گویند من بدون دعوت به مجلس آمده‌ام، صاحب منزل به ایشان می‌گوید: چطور شما بدون دعوت آمده‌اید و حال آن که امام حسین علیه السلام خودشان به شما دستور دادند به این مجلس بیایید؟

مرحوم حاج شیخ غلام رضا بسیار تعجب می‌کنند، زیرا اطلاعی از دعوت امام حسین علیه السلام نداشتند.

صاحب منزل به ایشان می‌گوید: یادتان هست امروز صبح در فلان مجلس شرکت کردید و همین روضه‌ای را که الان خواندید آنجا خواندید و مجلس بسیار منقلب شد؟ حضرت امام حسین علیه السلام در آن مجلس بودند، روضه شما در من بسیار اثر کرد. من در آن مجلس از امام حسین علیه السلام تقاضا کردم به شما امرکنند امروز در این مجلس شرکت کنید و همان روضه‌ای را که آنجا خواندید در اینجا نیز بخوانید. امام حسین علیه السلام تقاضای مرا پذیرفتند و به شما فرمودند امروز در این مجلس شرکت کنید و همان روضه را بخوانید. شما به دعوت امام حسین علیه السلام اینجا آمده‌اید چطور می‌گویید بدون دعوت آمده‌ام؟!

این جریان دلیل بر این می‌باشد که ممکن است امام حسین علیه السلام و یا امام زمان عجل الله تعالی فرجه و یا سایر اهل بیت علیهم السلام در مجلسی حاضر شوند، هر چند افراد متوجّه نشوند. و همچنین دلیل بر



آنست که گاهی آن بزرگواران به دوستان خود مأموریت‌هایی می‌دهند و آنان آن را انجام می‌دهند، هر چند متوجه نشوند که آن کار را بر اساس مأموریتی که به ایشان محوّل کرده بودند، انجام داده‌اند.

عزاداری یا جایگزین زیارت

در صورتی که در کشورها و شهرهایی زندگی می‌کنیم که به هیچ وجه امکان تشرّف به حرم‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام برای ما ممکن نیست، می‌توانیم با خواندن زیارت‌هایی که از راه دور خوانده می‌شوند این کمبود را جبران کنیم و یا با اقامه عزاداری، عدم تشرّف به زیارتگاه‌های اهل بیت علیهم‌السلام را جبران کنیم؛ زیرا بر فرض دشمنان برخی از زیارتگاه‌ها را تصرّف کنند... همانگونه که بیت الله الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و بقیع را در اختیار گرفته‌اند و ما از زیارت آن‌ها محروم هستیم، اما قلب دوستان اهل بیت علیهم‌السلام در اختیار آنان نیست، و به این جهت دوستان و شیعیان آن بزرگواران، می‌توانند، در صورت از دست دادن زیارت حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام، با اقامه مجالس عزاداری و شرکت در آن‌ها کمبود معنوی خود را تا حدّی جبران کنند.

اگر در بعضی از کشورها مانند عربستان افرادی علاوه بر زیارت حرم‌های مطهر، در اقامه عزاداری‌ها نیز کارشکنی کردند و برای به



پا داشتن آن‌ها شرایطی قرار دادند - در صورت عدم امکان عزاداری به نحوی که مرسوم بوده - دوستان اهل بیت علیهم‌السلام تا می‌توانند حتی با جمعیت‌های کم به اقامه عزاداری بپردازند و هیچ‌گاه نعمت تشکیل عزاداری و همچنین شرکت در آن مجالس را از دست ندهند.

اگر افرادی با اقامه مجالس پرشور عمومی مخالفت می‌کنند و مانع برگزاری آن می‌شوند، دوستان اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانند با مجالس پرشور خصوصی، قلب‌های خود را سرشار از محبت اهل بیت علیهم‌السلام نموده و قلب خود را متوجه به عظمت آن بزرگواران بنمایند.

بنابراین، عزاداری می‌تواند برای ما همچون زیارت کارساز باشد و با ایجاد حیات قلبی ما را به خداوند و اهل بیت رسالت علیهم‌السلام نزدیک نموده و ریشه‌های مودت را در دل ما بارور سازد.

بنابراین از آنجا که گاهی شرایط زیارت برای انسان فراهم نیست و نمی‌تواند به زیارت اهل بیت علیهم‌السلام برود و اعماق جان خود را با زیارت آن بزرگواران آکنده از شور و شوق و محبت نماید، در این صورت می‌تواند، عزاداری را جایگزین زیارت نموده و با اقامه مجالس عزاداری و با شرکت در آن، آثاری از زیارت را در قلب خود به وجود آورد. یعنی چون شرایط زیارت برای او فراهم نیست، عزاداری را جایگزین زیارت نماید و با ریختن اشک،



محبت اهل بیت علیهم السلام را در قلب خود بیشتر نموده و آن را محکم تر و شدیدتر نماید.

دلیل هایی وجود دارد که ما می توانیم در صورتی که قدرت به انجام زیارت نداریم، عزاداری را جایگزین زیارت نماییم و به جای زیارت، به عزاداری پردازیم. در میان دلیل های متعدد، آنچه که برای ما از اهمیت بیشتری برخوردار است روایتی است که درباره زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا وارد شده است. در این روایت امام باقر علیه السلام به یکی از اصحاب خود که امکان زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای او نبوده، می فرمایند چون زیارت در روز عاشورا برای ممکن نیست، در آن روز عزاداری کن. اکنون به متن این روایت توجه کنید:

صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حج و عمره آن، مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حج و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه ای دور دست بود که



امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟

فرمود: اگر آن گونه بود، به صحرایی برود و یا به مکان بلندی در خانه‌اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین بر قاتلانش، تلاش کند و پس از آن دو رکعت نماز بگذارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در خانه‌اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می‌کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی‌تابی، بر این مصیبت در خانه‌اش عزاداری بپا نماید و به یکدیگر تعزیت بگویند. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می‌کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلند مرتبه، داشته باشد.

گفتم: فدایت گردم، آیا شما برای ایشان این گونه ضمانت می‌کنی؟

فرمود: آری، من ضامن هستم و عهده دار برای کسی که آن را انجام دهد.

گفتم: چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم؟

فرمود: بگویید:

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ
مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ



مُحَمَّدٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

خداوند اجرهای ما را بر مصیبت مان بر حسین، بزرگ گرداند،
و ما و شما را از انتقام جویان خونس همراه با ولّیش، امام و
پیشوای هدایت شده از آل محمد - که سلام بر آنان باد - قرار دهد.

همانگونه که این روایت با صراحت اعلام می کند، می توان
عزاداری امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا که از مهمترین روزهای
زیارتی آن حضرت است، جایگزین زیارت نمود.

روایات بسیاری درباره آثار عجیب زیارت اهل بیت علیهم السلام
مخصوصاً حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام وجود دارد، همانگونه
روایات بسیاری درباره آثار عجیب عزاداری حضرت
سیدالشهداء علیه السلام وجود دارد. در میان این روایات، روایاتی وجود
دارد - مانند روایتی که نقل کردیم - که دلالت می کند زیارت امام
حسین علیه السلام در روز عاشورا برتر از عزاداری آن حضرت است، به
گونه ای که باید عزاداری در آن روز را اگر زیارت ممکن نبود
جایگزین زیارت نمود. به این معنی که اگر زیارت در روز عاشورا
ممکن باشد دارای فضیلت بیشتری است.

۱. مصباح المتهجد: ۷۷۲، المصباح: ۶۴۰، و مانند آن در کامل الزیارات: ۳۲۵ وارد شده
است، صحیفه مهدیه: ۲۸۱.



اقامه مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و خدمت‌گزاری در آنها

نکته‌ای که لازم است بیان کنیم، این است که همانگونه که عزاداران و کسانی که مجالس عزاداری را تشکیل می‌دهند، از الطاف و عنایات امام حسین علیه السلام برخوردار می‌شوند، کسانی که این مجالس را تشکیل می‌دهند و یا در آنها به خدمت‌گزاری می‌پردازند از عنایات خاصه آن حضرت برخوردار می‌شوند، همانگونه که در زیارت‌ها کسانی که به خدمت‌گزاری زوار می‌پردازند، از اجر و پاداش والایی بهره‌مند می‌شوند. و گاهی خدمت‌گزاران به عزاداران و زائران، از عنایات بیشتر و ویژه‌ای برخوردار می‌شوند.

آل بویه و عزاداری امام حسین علیه السلام

اهمیت عزاداری از نظر اهل بیت علیه السلام آن قدر زیاد است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آل بویه که احیاگران مراسم عزاداری بوده‌اند نام برده‌اند و به حکومت رسیدن آنان را بشارت داده‌اند. به این جهت سزاوار است در اینجا نامی از آل بویه که در احیای مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام نقش بسیار مهمی داشته‌اند ببریم و با یاد آنها - که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بشارت به حکومت رسیدن آل بویه را داده‌اند - به زحمات فراوان آنها در تقویت



شیعه، ارج نهیم.

پیشگویی حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام

درباره آل بویه

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در «سفینه البحار»^۱ از حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام درباره حکومت دیلمیان روایتی نقل کرده که چنین است:

«يُخْرِجُ مِنْ دَيْلِمَانَ بَنُو الصِّيَادِ ثُمَّ يَسْتَقْوِي أَمْرَهُمْ
حَتَّى يَمْلِكَ الزُّورَاءُ وَيَخْلَعُ الْخُلَفَاءُ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: فَكَمْ
مَدَّتْهُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: مِائَةٌ أَوْ تَزِيدُ قَلِيلًا؛

فرزندان صیادی از دیلمان قیام خواهند کرد، آنگاه حکومتشان آن چنان قوی خواهد شد که زوراء را به دست آورند. در این هنگام شخصی از امام علی‌علیه السلام پرسید: یا امیرالمؤمنین؟ آیا چند سال حکومت خواهند کرد، فرمود: صد سال یا کمی بیشتر...

معزالدوله احمد در سال ۳۳۴ مرکز خلافت عباسیان یعنی بغداد را به دست آورد و کلام امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام را که حدود سیصد سال پیش از این واقعه فرموده بودند به واقعیت مبدل ساخت، معزالدوله به دلیل تشیع برای خلیفه عباسی احترامی قایل نبود،

۱. سفینه البحار، مرحوم محدث قمی: ۲/۳۳۴.



چنانکه پس از یک ماه و نیم از فتح بغداد، روزی دو تن از رؤسای دیلمی، عمامه مستکفی را به گردنش انداخته و او را کشان کشان به پای تخت جلوس معزالدوله انداختند، معزالدوله مستکفی را کور کرده به زندان انداخت و جانشین وی به نام (المطیع لله) را خلیفه نمود، ولی این خلیفه جدید نیز اختیاری نداشت.

معزالدوله از سال ۳۳۴ تا سال ۳۵۶ که سال درگذشت اوست یعنی به مدت ۲۲ سال با قدرت تمام بر بغداد و عراق تسلط داشت. وی در این مدت ۲۲ سال چندین لشکرکشی به نواحی مختلفی چون آذربایجان و الجزیره در شمال عراق و سواحل خلیج فارس انجام داد که در تمامی آنها فاتح بود.

مهم ترین فتح معزالدوله، فتح ناحیه عمان است که آن را با یاری برادرزاده خود به نام عضدالدوله به دست آورد و بر قلمرو حکومت دیالمه افزود.

در مدت ۲۲ سال حکومت معزالدوله، مذهب شیعه در عراق رواج کلی یافت، به طوری که شیعیان از حالت عزلت سابق بیرون آمده و مصدر کارها شدند.

معزالدوله اولین عزاداری سیدالشهداء حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را در بغداد به راه انداخت. پیش از این در بغداد اول محرم به عنوان آغاز سال جدید جشن و چراغانی برپا می شد که



معزالدوله دستور داد از روز اوّل محرم بغداد را برای عزای امام حسین علیه السلام سیاه پوش کنند و جشن غدیر را برای اوّلین بار عمومی کرد و نیز دستور داد بر بالای مساجد شهر لعن معاویه و دیگر غاصبان حق ولایت را بنویسند.^۱

در کتاب «تاریخ تشیع» می نویسد: «اقدامات این خاندان از زمان به قدرت رسیدن بر ایران و عراق، علاوه بر اینکه موجب رشد و گسترش تشیع در مناطق تحت نفوذ آنان شد، حکایت از شیعه بودنشان دارد.

از جمله این اقدامات، احیای شعائر مذهبی شیعه بود که تا آن موقع، شیعیان یا نمی توانستند انجام دهند و یا اگر می توانستند، به طور پنهانی و بسیار ضعیف و معمولاً با جنگ و خونریزی همراه بود.

مهم ترین شعار مذهبی شیعه که خلفای عباسی، به خصوص متوکل با آن شدیداً مخالفت و مبارزه می کردند^۲، مراسم سوگواری در روز عاشورا بود که به دستور معزالدوله، به طور رسمی از سال ۳۵۲ ق،^۳ تا انقراض آل بویه (۴۴۸ ق) در بغداد، مرکز خلافت

۱. پیشگویی های امیرالمؤمنین علیه السلام از فتنه ها و حوادث آینده: ۴۱۱.

۲. المنتظم: ۲۳۷/۱۱.

۳. ذهبی می گوید: «وهذا أوّل يوم نبح عليه بغداد»؛ تاریخ اسلام و وفيات المشاهير والأعلام: ۱۱ حوادث سال های ۳۸۰-۳۵۱ ق.



عبّاسی، انجام می‌گرفت. در این روز، بازارها تعطیل می‌شد و شیعیان به صورت دسته جمعی به عزاداری می‌پرداختند.^۱

شیعیان، چنان در این مراسم شرکت می‌کردند که به تعبیر ابن اثیر و ابن کثیر، به سبب ازدیاد شیعیان و حمایت سلطان (معزالدوله)، اهل سنت بغداد نمی‌توانستند از آن جلوگیری کنند.^۲ با این حال، این مراسم با توجه به وجود سنّیان متعصّب بغداد، همیشه به آرامی برگزار نمی‌شد، و گاه، شیعیان مورد تهاجم سنّیان حنبلی مذهب محلّه باب البصره و محلّه نهر قلابتی قرار می‌گرفتند.^۳

بر اثر همین درگیری‌های مذهبی بود که در سال ۴۱۶ ق، منزل سیّد مرتضی در محلّه کَرْخ و منزل شیخ طوسی در سال ۴۴۸ ق، آتش گرفت و بر اثر آن، تمام کتاب‌های وی سوخت و شیخ، ناگزیر به نجف هجرت کرد.^۴

مراسم دیگری که باعث تشدید این نزاع‌ها شد، برقراری جشن

۱. المنتظم: ۱۴/ ۱۵۰.

۲. الكامل في التاريخ: ۷/ ۲۷۹، البداية والنهاية: ۱۱/ ۲۵۹.

۳. المنتظم: ۱۴/ ۷۵، ۸۴ و ۱۰۹.

۴. المنتظم: ۱۵/ ۱۷۱ و ج: ۱۶/ ۵۸، البداية والنهاية: ۱۲/ ۷۳. تشدید این نزاع‌های

مذهبی، به جهت روی کار آمدن ترکان سلجوقی و تعصّبات شدید عمید الملک کُنْدُری، وزیر طغرل بیک بود.



و سرور در عید غدیر (هجدهم ذی الحجّه) ۳۵۲ ق، به دستور معزالدوله بود.^۱

این دو موضوع، باعث شد تا اهل تسنّن در بغداد، دست به مقابله با شیعیان بزنند و مراسمی مشابه روز عاشورا و عید غدیر برگزار کنند. آنان در معارضه با عاشورا، مراسمی به مناسبت کشته شدن معصب بن زبیر در روز هیجدهم محرم بر سر مزارش در مَسْکِن برگزار کردند و در برابر عید غدیر به مناسبت «روز غار» در بیست و ششم ذی الحجّه، مراسم جشن و سرور برپا کردند!^۲

از جمله اقدامات دیگری که به دستور معزالدوله در سال ۳۵۱ ق، صورت گرفت و به خوبی حکایت از تشیع وی دارد، نوشته شدن برخی از شعارهای شیعی بر سر در مساجد بغداد بود که یکی از آن شعارها چنین بود:

لعن الله ... ، ولعن من غصب فاطمه (علیها السلام) فدکاً، ومن منع أن یدفن الحسن (علیه السلام) عند قبر جدّه، ومن نفی أباذر الغفاري ومن

۱. المنتظم: ۱۴ / ۱۵۱.

۲. المنتظم: ۱۴ / ۱۵. ناگفته پیداست که روز غار که اشاره به هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه و رفتن به غار ثور به همراه ابوبکر دارد، در ماه ربیع الأول رخ داده است و هیچ ارتباطی به ۲۶ ذی الحجّه ندارد؛ اما تعصبات کورمذهبی باعث شد برخلاف تواتر و فقط برای مقابله با هیجدهم ذی الحجّه عید غدیر، آنان این روز را برای جشن انتخاب کنند. (تذکر این نکته لازم است که اصل رفتن ابوبکر به غار مورد اختلاف است)

أخرج العباس من الشورى.^۱

ناگفته پیداست که این شعارها - به جز جمله آخر که برای به دست آوردن دلِ خلیفه عباسی اضافه شده بود - مخالفت اهل سنت را بر می‌انگیخت و به همین دلیل، طولی نکشید که این شعارها پاک شد و چون معزالدوله خواست دستور به دوباره نوشتن آن جملات بدهد، وزیرش مهلبی او را از این کار، بازداشت. لذا به نوشتن جمله «لعن الله الظالمين لآل رسول الله ﷺ من الأولين والآخرين» اکتفا کرد و تنها به لعن بر معاویه تصریح شد.^۲

این نیز از آن جهت بود که لعن بر معاویه، اختصاص به شیعه نداشت و پیش از این تاریخ، به لعن او بر سر منابر، اقدام شده بود. مأمون، معتز و معتضد، از جمله کسانی بودند که معاویه را بر منابر لعن می‌کردند.^۳

همچنین در سال ۳۲۱ ق، علی بن تلبق (از امرای ترک دربار خلیفه) و کاتب او حسن بن هارون، به این کار اقدام کرده بودند.^۴ از بارزترین شعارهای مذهبی شیعه، جملات «أشهد أن علياً ولي

۱. المختصر في أخبار البشر: ۲/ ۱۰۴، الكامل في التاريخ: ۷/ ۲۵۷.

۲. المنتظم: ۱۴/ ۱۴۰.

۳. تاريخ الأمم والملوك: ۸/ ۱۸۳-۱۸۲.

۴. تجارب الأمم: ۵/ ۲۶۰.



الله» و «حيّ على خير العمل» است که آل بویه تا پایان حکومت خود، در اذان آن‌ها را احیا کردند.^۱

از سال ۴۴۸ ق، یعنی زمانی که طغرل بیک سلجوقی وارد بغداد شد و حکومت آل بویه را منقرض کرد تا زمان شاه اسماعیل صفوی، به مدت ۵۲۸ سال، گفتن این ذکرها از اذان در بلاد اسلام حذف شد تا اینکه در زمان شاه اسماعیل صفوی، به دستور او این دو جمله در ایران در اذان گفته شد.^{۲، ۳}

بنابراین آل بویه که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) سیصد سال قبل از به قدرت رسیدن آن‌ها حکومت آنان را پیشگویی کرده بودند، بزرگترین خدمات‌ها را به شیعه انجام داده‌اند:

۱- آن‌ها «أشهد أن علياً ولي الله» و «حيّ على خير العمل» را در اذان احیا کردند. بنابراین کسانی که می‌گویند صفویه برای اولین بار شهادت ثالثه را در اذان احیاء کردند و شیعه را شیعه صفوی می‌نامند صحیح نیست، زیرا قبل از صفویه، آل بویه شهادت ثالثه

۱. نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة: ۳۳/۲، البداية والنهاية: ۲۸۷/۱۱، وج: ۷۳/۱۲، السيرة الحلبية...: ۳۰۵/۱، برای اطلاع بیشتر ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ع): ۲۷۷/۴ به بعد.

۲. احسن التواريخ: ۶۱/۲. با توجه به اینکه شروع سلطنت شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ق بوده، فاصله زمانی از طغرل تا شاه اسماعیل، ۴۵۹ سال می‌شود.

۳. تاریخ تشیع: ۵۷/۲.



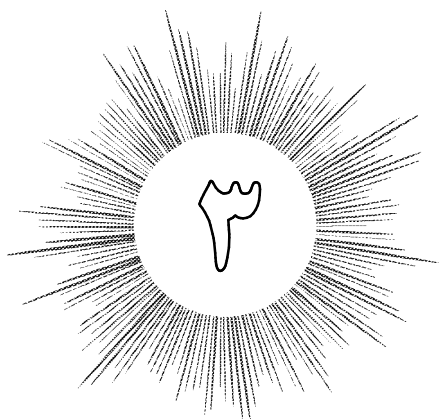
را در اذان احیاء کردند.

۲- بازسازی حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام؛

۳- بازسازی حرم حضرت امام حسین علیه السلام؛

۴- برقراری جشن و سرور در عید غدیر در سال ۳۵۲ به دستور
معز الدولة؛

۵- احیاء مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از
سال ۳۵۲ تا پایان حکومت آل بویه. در این روز در بغداد بازارها
تعطیل می شد و شیعیان دسته جمعی عزاداری می کردند.
آل بویه خدمات های دیگری نیز به شیعه نموده اند که در کتب
تاریخی ذکر شده است.^۱



مخالفت با زیارت و عزاداری



عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام





مخالفت با زیارت و عزاداری

چرا مخالفان شیعه با زیارت و عزاداری مخالفت می‌کنند؟

چرا آن‌ها زائران اهل بیت علیهم‌السلام را می‌کشند؟

چرا از عزاداری شیعیان برای امام حسین علیه‌السلام ترس و وحشت دارند؟

چرا در برخی از کشورها از تشکیل مجالس عزاداری ممانعت می‌کنند؟

چرا در برابر این عزاداری‌ها، دست به کارشکنی‌های غیر انسانی می‌زنند؟

این‌ها سئوالاتی است که بسیاری از افراد دوست دارند از پاسخ آن‌ها آگاه باشند.

بدیهی است جریان بسیار مهمی در پشت پرده قرار دارد، که دست‌های پنهان نمی‌خواهند آن را آشکار کنند.

ما قبل از آن‌که به پاسخگویی به این مطلب پردازیم، توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنیم، که مخالفت و ممانعت از برگزاری



عزاداری‌هایی که شیعیان جهان انجام می‌دهند، مخصوص این زمان نیست و مخالفت با عزاداری از همان اول وجود داشته است و همانگونه در قرن‌های بعد و تا این زمان ادامه داشته است. گاهی به خاطر زد و خورد و مخالفت و ممانعت از عزاداری، هزاران نفر از شیعیان و مخالفین آن‌ها کشته شده‌اند؛ ولی باز هم شیعیان دست از عزاداری بر نداشته و با تشکیل مجالس و مراسم عزاداری راه خود را ادامه دادند.

گزارش منابع تاریخی

درباره مخالفت با عزاداری امام حسین علیه السلام

«به گزارش منابع تاریخی، نخستین تنازعات بر سر برگزاری مراسم عزاداری عاشورا به اواخر قرن چهارم هجری بر می‌گردد. مورّخانی مانند ابن اثیر و ابن کثیر در کتاب‌های خود، تلاش عده‌ای از سنّیان حنبلی برای برهم زدن عزاداری شیعیان محلّه کرخ بغداد را (از جمله در سال‌های ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۶۲ و ۳۶۳ ق) گزارش کرده‌اند. یکی از شدیدترین این درگیری‌ها در سال ۳۶۲ ق - درست ۱۰ سال پس از برگزاری نخستین عزاداری علنی در بغداد به دستور معزالدوله رخ داد. به گزارش ابن اثیر در الکامل در محرّم آن سال، آشوبی در بغداد به راه افتاد که در آن قریب ۱۷ هزار نفر در آتش سوزانده شدند و ۳۰۰ دکان و ۳۳ مسجد تخریب شد و اموال



بسیاری به غارت رفت. ثمره این تنازعات، ارتقای جایگاه عزاداری نزد شیعیان و اصرار بیشتر آن‌ها بر برگزاری آن بود با روی کار آمدن سلجوقیان و به ویژه از دوره سلطان محمود غزنوی به بعد، این تنازعات به موازات اعلام ممنوعیت عزاداری توسط حکومت شدت گرفت. به عنوان نمونه می‌توان به درگیری‌های سال‌های ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۵۸ ق اشاره کرد. در قرن ششم نیز این اختلافات ادامه داشت.^۱

کشتن عزاداران و زائران امام حسین علیه السلام منحصر به قرن‌های گذشته نیست، بلکه در روزگار ما مخالفان زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام نقشه‌های بسیار گسترده‌ای را برای از میان برداشتن آن طرح نموده و انجام می‌دهند.

از سوزاندن شیعیان در عزاداری محرم تا کشتار آنان در زیارت اربعین

به شهادت رساندن عزاداران به وسیله قتل یا آتش زدن در قرن چهارم، نه تنها مانع شیعیان از عزاداری نشد، بلکه سبب شد شیعیان هر چه بیشتر به عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام مشغول شوند و آن را همچنان ادامه دهند. این عزاداری‌ها قرن‌ها همچنان ادامه یافت، تا سرانجام به

۱. فرهنگ سوگ شیعی: ۳۴۶.



زیارت میلیونی شیعیان در ایام اربعین امام حسین علیه السلام رسید. دشمنان که ادامه عزاداری‌ها، آنان را همچنان به هراس انداخته به مخالفت با زیارت شیعیان نیز در ایام اربعین پرداختند و با به شهادت رساندن زائرین، از مخالفت و ممانعت خود از زیارت میلیونی زائرین در ایام اربعین دست برداشتند.

آن‌ها سال‌های سال در ایام اربعین زائرین عزادار را به شهادت رساندند. به دو گزارش از اربعین‌های خونین سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۹۷ هـ. ق و همچنین اربعین‌های خونین ۱۴۲۵ تا ۱۴۳۴ هـ. ق در عراق برای شما نقل می‌کنیم.

دقت در این دو گزارش روشنگر این واقعیت است که کارشکنی‌ها و دشمنی‌های دشمنان عزاداری و زیارت نه تنها هیچگونه اثر منفی در زائرین و عزاداران نداشت؛ بلکه جهانیان اجتماع زائران و عزاداران در ایام اربعین امام حسین علیه السلام را که بزرگترین اجتماع بشر در طول تاریخ است، مشاهده کردند. اکنون به این دو گزارش توجه کنید:

اربعین‌های خونین در عراق معاصر

«۱- اربعین‌های خونین ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ هـ. ق

از گذشته‌های دور در عراق، روز اربعین صدها هزار زوار به سوی حرم امام حسین علیه السلام آمده و می‌آیند که اکنون تعداد آن‌ها به



میلیون‌ها نفر می‌رسد. دکتر علی الوردی می‌نویسد:

همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه دیاله بین شیعه و سنی مشاهده می‌گردد و بسیار دیده می‌شود که محله سنی‌ها در برخی دسته‌های عزاداری و مجالس حسینی شرکت می‌کنند و برخی از آنان دسته‌های مخصوص به خودشان را بیرون می‌آورند و این وضع در شهرهایی چون ناصریه دیده می‌شود.^۱

اما با تسلط بعثی‌ها در زمان احمد حسن البکر، روند خشونت‌آمیز علیه شیعیان شدت یافت و این حرکت مقدس، چندین بار از طرف رژیم بعثی عراق، به خاک و خون کشیده شد. یکی از این نوبت‌ها در سال ۱۳۹۷ هـ. ق بود؛ به طوری که حکومت بعث، راهپیمایان را در طول راه، از آسمان و زمین به گلوله بست. از تعداد شهدای حادثه سال ۱۳۹۷ هـ. ق (۱۳۵۶ هـ. ش) اطلاع دقیقی در دست نیست، اما می‌توان گفت هزاران شیعه بی‌گناه به خاک و خون کشیده شدند.

۲- اربعین‌های خونین ۱۴۲۵ تا ۱۴۳۴ هـ. ق در عراق

صدام در دوران حاکمیت بیش از سی ساله خود، کلیه مراسم عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام) را تعطیل کرد. اما بعد از کشته شدن وی، عقده‌های چندین ساله مردم عراق سر باز کرد و انفجاری از حضور

۱. ر.ک: سابقه سوگواری برای سالار شهیدان در عراق.



محبان اهل بیت علیهم السلام در حرم‌های ائمه علیهم السلام رخ داد. از این رو مراسم پیاده‌روی اربعین به بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین تجمع جهانی شیعیان تبدیل شد.

امروزه اربعین امام حسین علیه السلام، بیش از مناسبت‌های دیگر، شاهد حضور فعال مسلمانان است؛ به طوری که تعداد زائران بارگاه ملکوتی امام حسین علیه السلام، در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ م، بین ۱۰ تا ۱۴ میلیون نفر بود. همچنین آمارها گویای آن است که مراسم زیارت اربعین سال ۱۴۳۴ هـ. ش (۲۰۱۳ م) که با حضور حدود بیست میلیون نفر برگزار شد، بزرگ‌ترین تجمع بشری در جهان محسوب می‌شود. علاوه بر آن، هر سال، خیل عظیمی از پیروان سایر ادیان نیز برای شرکت در مراسم اربعین وارد کربلا می‌شوند. به جرئت می‌توان گفت با اربعین حسینی، بزرگ‌ترین همایش انسانی دنیا اکنون در اختیار شیعیان است و از نظر جمعیت شرکت‌کننده در کنگره عظیم حج که با حضور حداکثر چهار میلیون مسلمان برگزار می‌شود، پیشی گرفته است. چند سالی است که جمعیتی چهار برابر حج تمتع در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام گرد هم می‌آیند.

برتری اجتماع اربعین در فهرست بزرگ‌ترین اجتماعات مسالمت‌آمیز جهان.



- ۱- اجتماع ۲۰ میلیون نفری شیعیان در کربلا در دسامبر ۲۰۱۳ م در روز اربعین (۱۴۳۵ هـ. ق)؛
- ۲- اجتماع ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفری شیعیان در کربلا در ژانویه ۲۰۱۳ م در روز اربعین (۱۴۳۴ هـ. ق)؛
- ۳- اجتماع ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۲ م در روز اربعین؛
- ۴- اجتماع ۱۵ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۱ م در روز اربعین؛ ...»^۱

این نکته جالب توجه است که اجتماع ۲۰ میلیونی زائران و عزاداران در اربعین ۱۴۳۵ هـ. ق، در سال‌های بعد افزایش یافت و توجه جهانیان را بیشتر به خود متوجه ساخت و در نتیجه قلب هزاران نفر به آئین تشیع گرایش یافته و متمایل شد. اجتماع زائرین عزادار در کربلا به چند برابر جمعیت حاجیان در مکه رسید و خشم و غضب و همچنین هراس و وحشت سیاستمداران جهان را برانگیخت، این همان واقعیتی است که بزرگترین سازمان‌های سیاسی جهان از آن وحشت دارند. ترس و وحشت آنان را در صفحات آینده برای شما نقل می‌کنیم و علت هراس آنان را برای شما بیان می‌کنیم.

۱. نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه: ۶۹۳.



کشتار شیعیان در جشن‌ها

و موالید ائمه علیهم‌السلام

این نکته قابل توجه است که دشمنی دشمنان منحصر به عزاداری و زیارت نیست، بلکه آنان حتی از اجتماع شیعیان در ایام سرور و شادی آنان به مخالفت پرداخته و بارها و بارها در کشورهای مختلف به اجتماعات شیعی حمله‌ور شده و تعدادی از شیعیان را به شهادت رساندند.

حمله‌ور شدن گروه‌های تروریستی که مخالف با شیعیان و اجتماعات سرورآفرین آنان هستند بیشتر از همه در ایام برگزاری جشن‌های جاویدان عید غدیر واقع شده است. توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنیم:

«حمله به مراسم مذهبی شیعیان، منحصر به عزاداری‌ها نیست، بلکه جشن‌های شیعیان نیز در طول تاریخ بارها مورد حمله متعصبان قرار گرفته است. در دوره معاصر نیز مراسم جشن شیعیان در عید غدیر و موالید ائمه علیهم‌السلام مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرد و شیعیان قتل عام می‌شوند؛ از جمله در شرق ایران دو انفجار تروریستی هنگام برگزاری مراسم میلاد حضرت امام حسین علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام و مراسم دعای کمیل در مقابل



مسجد جامع شهر زاهدان به وقوع پیوست که طبق آخرین آمار منتشر شده، ۲۷ تن کشته و بیش از ۱۶۰ تن زخمی شدند.^۱ همچنین در عید غدیر خم سال ۱۴۳۴ ه. ق بیش از سی کیلوگرم مواد منفجره در جنوب عراق کشف شد که تروریست‌ها قصد داشتند آن را در روز عید غدیر منفجر کنند. علاوه بر آن در بحرین نیز نیروهای امنیتی رژیم آل خلیفه به مراسم جشن میلاد پیامبر اسلام ﷺ در روستای سنابس یورش بردند و با شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای شمار زیادی از شرکت‌کنندگان مراسم را زخمی کردند. پایگاه‌های حقوق بشری، تصاویری از شهروندان بحرینی زخمی شده بر اثر حمله مزدوران آل خلیفه را منتشر کردند که در مراسم بزرگداشت میلاد پیامبر ﷺ هدف قرار گرفته بودند.^۲

به این جریان نیز توجه کنید: اجتماعات زائران و عزاداران در ایام محرم و صفر و ایام دیگر برای زیارت و عزاداری و همچنین اجتماعات شیعیان برای مراسم سرور و شادی در عید غدیر منحصر به زمان ما نیست؛ بلکه قبل از حکومت بعثی عراق پیاده روی‌های هزاران نفری در ایام سوگواری به سوی کربلا و

۱. گزارش شبکه العالم.

۲. نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه: ۷۰۵.



همچنین پیاده روی های هزاران نفری از شهرهای مختلف عراق به سوی نجف اشرف برای برپایی جشن و سرور در عید جاودانه غدیر، وجود داشته است بعضی از سفرنامه ها پیاده روی های شیعیان را به سوی نجف اشرف به گونه ای بیان کرده اند که با توجه به کم بودن جمعیت عراق در آن زمان، بسیار شگفت انگیز است. این جریان را که در یکی از سفرنامه ها درباره پیاده روی شیعیان به سوی نجف اشرف برای درک عید غدیر نقل کرده است، بسیار عجیب است و دلالت بر این واقعیت می کند که از زمان های دور شیعیان پای بند به این گونه پیاده روی ها بوده اند و از جان و دل در آن ها شرکت کرده اند، به این گزارش توجه کنید:

ازدحام شیعیان با پای پیاده

به سوی نجف در عید غدیر

صبح روز پانزدهم ذیحجه: بعد از نائل شدن به فیض زیارت، عزم حرکت به طرف نجف اشرف نمودیم و در بین راه به ملاحظه زیارتی مخصوص عید غدیر، به قدری جمعیت بود که اگر کاسه آب به دست یکدیگر می دادند از کربلا تا نجف اشرف می رسید! یعنی تمامی زائرین کربلا و دو ثلث از اهالی آن، زن و مرد روانه نجف اشرف بودند. و نیز از بغداد و کاظمین و اطراف دیگر، آنچه اهالی شیعه بودند از اعراب و غیره به طرف نجف اشرف



حرکت می نمودند که آن انبوه جمعیت و ازدحام زیاد بین راه به عقل نمی گنجید.^۱

نکته‌ای که قلب شیفتگان مقام ولایت را جریحه دار می کند

اگر صفحات تاریخ را ورق بزنید و در زندگانی بزرگترین شخصیت‌های جهان دقت کنید، از بزرگترین پادشاهان از بزرگترین دانشمندان از بزرگترین انبیاء الهی، هیچکس به مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وجود ندارد برای هیچ کس در قرن‌ها و قرن‌ها همچون حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مخالف وجود نداشته است که علیه او در طول قرن‌ها کارشکنی کنند.

در تمام عالم چه کسی وجود دارد که از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بیشتر دشمن داشته باشد؟ آن هم دشمنانی که علیه او دست به فعالیت‌های گسترده بزنند.

عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که برای ما امکان تصوّر آن وجود ندارد و هیچکس جز خدا و پیامبرش نمی تواند آن حضرت را بشناسد چرا این همه مخالف داشته‌اند؟

۱. پنج سفرنامه یا سفر به اقلیم عشق: ۳۹۷.



این همه مخالفان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، کی می‌توانند تحمل کنند که میلیون‌ها نفر به زیارت آن حضرت می‌روند، آن هم پس از قرن‌ها اشاعهٔ تهمت و افترا و ناسزا به آن حضرت، انوار تابناک آن بزرگوار درخشان‌تر شده و دشمنانش خوار و زبون گشته‌اند.

به این جهت دشمنان بی‌حیا به دشمنی با شیعیان و پیروان آن حضرت پرداخته‌اند تا شاید بتوانند زیارت و عزاداری آنان را برچینند تا جایی که نامی از مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شیعیان آن حضرت باقی نماند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف میلیارد‌ها دلار خرج کرده و می‌کنند.

اعترافات شاهزادهٔ سعودی دربارهٔ

خرج‌های میلیارد‌ها دلاری برای نابودی شیعیان

«اعترافات شاهزادهٔ سعودی دربارهٔ بودجهٔ حیرت‌آور برای نابودی شیعیان:

ترکی بن بندر بن محمد بن عبدالرحمان، شاهزادهٔ مخالف سعودی که در پایتخت فرانسه به سر می‌برد، با حضور تعدادی از روشنفکران، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران عرب، اطلاعات مهمی دربارهٔ تلاش‌های ضد شیعی آل سعود افشا کرد. ترکی بن بندر در اظهاراتی گفت:



مسلمان شیعی بهتر از مسلمان سلفی است؛ زیرا مسلمان شیعی با زیارت حسین علیه السلام تقرّب به خداوند را می‌طلبد، امّا مسلمان سلفی با اعمال خود، تقرّب به شیطان را؛ علی‌رغم اینکه ادّعا می‌کند قصد نزدیک شدن به خدا را دارد. شیعه کار حرامی که اسلام از آن نهی کرده، یعنی قتل نفس را انجام نمی‌دهد؛ کاری که سلفی به راحتی آن را مرتکب می‌شود.

وی در سخنی که برای اولین بار است افشا می‌شود، می‌گوید: زمانی که در وزارت کشور و در اطلاعات سعودی مشغول بودم، شعبه‌ای خاص به نام «شعبه روافض» وجود داشت. بودجه این گروه به اندازه کلّ بودجه سه کشور تونس، اردن و یمن بود! از جمله وظایف این شعبه اجرای توطئه‌هایی علیه شیعه و بدنام کردن و بدجلوه دادن آن‌ها از طریق کتاب‌های جعلی پر از دروغ و تقلّب برای پخش آن‌ها در ایّام حجّ میان حجاج بود تا به این وسیله، حجاج را به قتل شیعه تحریک کنند.

وی می‌افزاید: «در همان زمان اشتغال در اطلاعات، سعودی یک روحانی‌نمای شیعی را به خدمت گرفته بود. وی از برجسته‌ترین افراد اطلاعات سعودی بود و فقط یکبار هفت میلیون دلار برای بازگشایی یک شبکه، مجله و رادیو خاص از سعودی دریافت کرد. در مقابل این پشتیبانی‌ها سعودی از وی



خواسته بود اوامرش را اجرا کند؛ از جمله اینکه به مردم بگوید زوّار حسین علیه السلام سگ هستند، عزاداری‌های حسینی از بدعت‌های فارس و هند است و.... پس از مرگ این روحانی، سعودی روحانی‌نماهای دیگری را به خدمت گرفت. برخی از آنها در حال حاضر در عراق هستند و از طریق واسطه‌گری افسر سابق اطلاعات عراق جذب شده‌اند؛ از جمله این افراد می‌توان از الصرخی، الحسنی و ... نام برد؛ کسانی که میلیون‌ها دلار از سعودی دریافت می‌کنند، اما ثمری نخواهند داشت؛ زیرا این افراد نزد شیعه مهره سوخته هستند و به غیر از عده‌ای ساده لوح، کسی از آنها پیروی نمی‌کند»^۱.

فتاوی قتل و کشتار

یکی از مؤثرترین راه‌های قتل و کشتار و به شهادت رساندن شیعیان، استفاده از فتوای مفتی‌های وهابی است. مفتی‌های وهابی گاه به تنهایی و گاهی دسته جمعی فتوی به قتل شیعیان داده و آنان را گروهی کافر شمرده‌اند. برخی از مفتی‌های وهابی کشتن یهودیان را حرام اعلام می‌کنند اما کشتن شیعیان را حلال و جایز می‌شمارند و وجود آنان را

۱. نسل کشی سادات و مسلمانان شیعه: ۷۶۰.



خطرناک‌تر از یهود و نصاری می‌دانند. برای آگاه شدن از فتواهای مفتی‌های وهابی به این مطلب توجه کنید:

«یکی از علل مهم در کشتار بی رحمانه شیعیان، فتوای تکفیر است؛ به طور مثال شیخ ناصرالدین الالبانی یکی از مفتیان مشهور وهابی فتوا داده است: «کشتن شیعیان، حلال؛ اما یهودیان، حرام است!»^۱ این در حالی است که در سال‌های اخیر به جای برخورد معقولانه با پدیده تکفیر، اعلام براءت از اقدامات خشن مذهبی، مجدداً در آذرماه ۱۳۸۵ ه. ش، سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی، در بیانیه‌ای، هواداران خود را به قتل شیعیان ترغیب کردند.

ذیلاً به برخی فتاوی شرم‌آور مفتیان وهابی سعودی در خصوص قتل عام شیعیان اشاره می‌کنیم:

۱. «سعد الدریهم»: وی در فتوایی چنین می‌نویسد: «مجاهدین (تروریست‌ها) باید تلاش کنند حتی زنان و کودکان رافضی (شیعه) را به قتل برسانند تا از این طریق بتوانند ترس و وحشت را در دل آنان بیندازند».

۱. این چهره سرشناس وهابی که متولد کشور آلبانی بوده، بارها و بارها انجام هرگونه عملیات استشهادی را در سرزمین‌های اشغالی، علیه شهرک نشینان صهیونیستی، حرام اعلام کرده بود. نشانی گزارش در فضای مجازی:



۲. ناصر العمر: چندی پیش سؤالی جهت دار از این مفتی وهّابی به این مضمون شد که: «همان طور که می‌دانید، خطر رافضی‌ها از خطر یهودی‌ها و نصرانی‌ها برای اسلام بیشتر است، ما چگونه می‌توانیم برای نجات اسلام، خطر رافضی‌ها را کنترل نماییم؟!».

ناصر العمر در جواب این سؤال، جملات موحشی را ارائه کرد که خلاصه آن، چنین است: «در ابتدا باید بدانیم که شیعیان جز با یک حکومت اسلامی جهادی ریشه‌کن نمی‌شوند. شیعیان بعد از برپایی حکومت اسلامی دو راه دارند: یا اینکه اسلام را بپذیرند! یا اینکه سر بریده شوند. اگر اصرار کردند بر مذهب خود باقی بمانند با آن‌ها باید این چنین برخورد کنید:

اول: همه شیعیان را چون گوسفند، سر ببرید تا خون سراپای آن‌ها را فرا بگیرد و چه منظره بدیعی است زمانی که می‌بینی اجساد شیعیان در دریایی از خون شناورند و صدای امواج خون رافضی گوش‌هایت را نوازش می‌دهد و جنازه‌هایشان، چشم‌هایت را به وجد می‌آورد.

دوم: زنان آن‌ها را به اسارت ببرید و میان رزمندگان به صورت عادلانه تقسیم کنید.

سوم: کودکان شیعه را به فراگیری تعلیمات اسلامی صحیح



و ادارید و توحید و عقیده را به آنها آموزش دهید و به آنها آموزش‌های نظامی دهید تا در فتوحات اسلامی از آنها استفاده شود.

چهارم: معابد و ضریح‌های شرک‌آلود شیعه را نابود و ویران کنید.

پنجم: خانه‌های آنها را تفتیش کنید و کتاب‌های شرک‌آلود آنها را از بین ببرید.

ششم: روز عاشورا را جشن بگیرید و شیعیان را مجبور کنید در آن شرکت کنند.

هفتم: آنها را مجبور کنید کودکان خود را به اسم‌هایی مانند معاویه، یزید، عایشه، حفصه و... نامگذاری کنند؛...^۱. همانگونه که مشاهده کردید ناصر العمر شیعیان را از یهودی‌ها و نصرانی‌ها خطرناک‌تر برای خودشان می‌داند.

او راه‌هایی را برای نابودی شیعیان ذکر کرده است که مهمترین آنها یکی خراب کردن حرم‌ها و ضریح‌های اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد و دیگری نه تنها ممانعت و مخالفت با عزاداری شیعیان در روز عاشورا بلکه جشن گرفتن در روز عاشورای حسینی^۲ و مجبور

۱. نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه: ۷۳۶.

۲. در راستای احیای سنت بنی‌امیه؛ اقدام ۱۰ هزار نفری سعودی‌ها در دشمنی با امام



کردن شیعیان به شرکت در آن مجالس می باشد.

از گفته های این فرد وهّابی به خوبی روشن می شود که دشمنان شیعه تا چه حدّ با «زیارت» و «عزاداری» مخالف هستند و آن دو را از مهم ترین عوامل بقاء شیعه، و شیعه را خطرناک تر از یهود و نصاری برای خودشان می دانند.

بدیهی است این همه تندروی علیه شیعیان و این همه دشمنی با برنامه های زیارت و عزاداری آنان، نیاز به کمک های میلیارد دلاری کشورهای خارجی و سیاستمداران جهانی دارد.

→ حسین علیه السلام در گینس ثبت شد.

«این تعداد روزه دار بیشترین تعداد افطار روزه داران به طور دسته جمعی در خارج از ماه رمضان در جهان محسوب می شود و در گینس ثبت شد».

به گزارش سرویس بین الملل جام نیوز به نقل از روزنامه الکترونیکی «سبق»، ۱۰ هزار نفر از شهروندان سعودی در مقابل ورزشگاه الجوهرة جدّه در روز عاشورا افطار کردند.

به نوشته «سبق» عربستان، سعودی ها که در روز عاشورا روزه گرفته بودند، ضمن جشن گرفتن این روز، ساعاتی قبل از بازی تیم ملی فوتبال امارات با عربستان افطاری خوردند.

بنابراین گزارش، این تعداد روزه دار بیشترین تعداد افطار روزه داران به طور دسته جمعی در خارج از ماه رمضان در جهان محسوب می شود و در گینس ثبت شد.

خاطر نشان می شود که سعودی ها طبق فتوای مفتیان وهّابی در دشمنی با امام حسین علیه السلام، عاشورا روزه می گیرند و مطابق رسم بنی امیه این روز را جشن می گیرند.



سازمان سیا و قدرت‌های مهم سیاسی جهان، این گونه اعمال و رفتار مفتیان وهابی را طراحى می‌کنند و با داشتن بودجه‌های میلیارد دلاری و خرج آن‌ها در این راه، پشتیبان آنان می‌باشند.

آن‌ها اگر از نام شیعه می‌هراسند، اگر از زیارت و عزاداری شیعیان می‌هراسند، اگر معتقد هستند که شیعیان در تمام جهان باید نابود شود به خاطر ترس و وحشت از مقام عظیم ولایت اولیاء شیعیان است. آن‌ها از عظمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، از مقام امام حسین علیه السلام از وجود امام زمان ارواحفاده می‌ترسند.

آن‌ها می‌دانند با آن همه فعالیت در طول تاریخ برای نابودی شیعه و در واقع از میان برداشتن نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، گرایش جهانیان به سوی تشیع هر روز بیشتر می‌شود و زیارت‌ها و عزاداری‌های میلیونی، دو عامل مهم آن می‌باشند. به همین جهت سازمان سیا سرمایه‌گذاری‌های گزافی برای نابودی شیعیان و از بین بردن زیارت و عزاداری آن‌ها، تعیین کرده است.

عزاداری امام حسین علیه السلام و سازمان سیا آمریکا

سازمان جاسوسی و اطلاعات آمریکا برنامه‌های مفصلی برای براندازی تشیع دارد.



آنها با جستجو و تحقیق درباره تشیع و عوامل پیشرفت آن آشنا هستند و برای نابود نمودن تشیع دست به فعالیت‌های گسترده‌ای زده‌اند.

آنها مهمترین عامل پیشرفت تشیع را عزاداری امام حسین علیه السلام می‌دانند.

عزاداری چه به صورت مجالس در مساجد و خانه‌ها و یا به صورت هیئت‌های سینه زنی در خیابان‌ها و به ویژه عزاداری به صورت پیاده روی در اربعین امام حسین علیه السلام، آن چنان عظمت دارد که دشمنان دین، هیچ‌گاه نمی‌توانند آن را تحمل کنند.

به این جهت سازمان‌های اطلاعات در کشورهای بزرگ به مقابله با آن برخاسته‌اند تا از شوکت و عظمت تشیع بکاهند و پیشرفت آن را کنترل نموده و بلکه تشیع را در صورت امکان از میان براندازند!

طرح شوم سازمان سیا علیه تشیع و عزاداری

مجله «مبلغان» می‌نویسد:

«یکی از مقامات سابق سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا (سیا) در اظهاراتی افشاگرانه تصریح کرد: سیا صدها میلیون دلار برای نابودی تشیع اختصاص داده و هزینه کرده است.



به گزارش رجانیوز، اخیراً در آمریکا کتابی با عنوان «طرح تفرقه و منزوی کردن دین» به چاپ رسیده است. در بخشی از این کتاب، مصاحبه‌ای از دکتر مایکل برانت (Michael Brant) به چاپ رسیده است. وی در این مصاحبه از اقدامات سازمان سیا برای مبارزه با تشیع پرده برداشته است. مایکل برانت از کارشناسان برجسته دفتر شیعه شناسی سازمان سیا و معاون باب وودوردز (Bob Woodward) از مقامات سابق سیا است.

بر اساس گفته‌های مایکل برانت، سازمان سیا ۹۰۰ میلیون دلار برای سازماندهی جریان‌های تخریب و نابودی تشیع اختصاص داده است. گفتنی است سازمان سیا در اقدامی هدفمند، به فیلتر کردن مطالب بیان شده از سوی این کارشناس سابق خود مبادرت کرده است؛ به طوری که یافتن مطالب مصاحبه وی در شبکه جهانی اینترنت که غرب مدّعی جریان آزاد اطلاعات در آن است، بسیار دشوار می‌باشد و با جستجوهای گسترده و سنجیده در این خصوص، تنها مطالبی را به صورت پراکنده می‌توان یافت. بخشهایی از این مصاحبه که از منابع مختلف در اینترنت جمع‌آوری شده، به قرار ذیل است:

پروژه شیعه ستیزی با اختصاص ۴۰ میلیون دلار آغاز شد. در گردهمایی بزرگ مقامات سیا تصویب شد که برای مطالعه مذهب



تشیع در اسلام و برنامه ریزی برای هدف قرار دادن آن، گروهی ویژه با عنوان دفتر شیعه شناسی در این سازمان آغاز به کار کند و برای شروع کار این دفتر ۴۰ میلیون دلار اختصاص یافت....

«مایکل برانت» در بخش دیگری از این گفتگو به اهمیت موضوع عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) و عاشورا در تعالیم شیعی پرداخته است. به گفته این مقام سابق سازمان سیا، عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) احساسات شیعیان را به شدت تحریک می کند. شیعیان گرد هم جمع می شوند تا یاد امام حسین (علیه السلام) را گرامی بدارند و به یاد واقعه کربلا باشند. در این تجمع، یک نفر درباره این فاجعه سخنرانی می کند و چهره ای روشن از واقعه کربلا ارائه می نماید. در این مراسم، همه مردم اعم از پیر و جوان برای امام حسین (علیه السلام) و خاندان وی عزاداری و گریه می کنند. سخنران این مراسم و کسانی که در آن حضور پیدا می کنند، اهمیت خاصی دارند و باید به آنها توجه شود. به خاطر همین تجمع و سخنرانی، احساسات شیعیان به گونه ای تحریک می شود که آنها را آماده قیام برای دفاع از حق و راستی بر ضد ناراستی و بدی می کند. حتی اگر این اقدام به بهای از دست رفتن زندگی شان تمام شود؛ بنابراین، باید میلیاردها دلار هزینه شود تا نه تنها این سخنرانان، بلکه توده های شیعی ربوده

شوند!»^۱

بنابراین گزارش سازمان سیا مصمم است شیعیان را در کشورهای مختلف نابود کند و حاضر است میلیاردها دلار صرف این کار نماید. به این جهت در سراسر جهان به شیعه ستیزی پرداخته تا به گمان خود شیعیان را نابود کند، ولی خداوند نور خود را در سراسر جهان گسترش می دهد.

آثار عزاداری

«مسیو ماربین» آلمانی می نویسد: «امور روحانی که امروزه مروج در میان مسلمانان است، هیچ یک مانند تعزیه داری حسین علیه السلام حس پلितکی در مسلمانان ندارد و هرگاه یکی، دو قرن در مسلمانان به این قسم تعزیه داری شیوع و کسب عمومیت کند حیات سیاسی تازه در مسلمانان پیدا خواهد شد».^۲

«جوزف» فرانسوی نیز در مورد نقش مجالس عزاداری در توسعه تشیع می نویسد: «از پیشرفتی که این طایفه بدون هیچ اقدام جبری در زمانی کوتاه کرده اند می توان گفت که در یکی دو قرن

۱. مجله مبلغان: شهریور و مهر ۱۳۸۷، شماره ۱۰۷.

۲. موسیو ماربین آلمانی، «سیاسة الحسينیه» یا «رولسیون کبیر»، چاپ زهره، ۱۳۵۱، ص ۴۵ - ۴۴.





دیگر از روی عدد غلبه بر سایر فرق مسلمانان خواهد نمود و علت، همین تعزیه داری است که فرد فرد این فرقه را (مشتري) مذهب خود ساخته است.^۱

«گاسپار دروویل که در زمان فتحعلی شاه به ایران آمده و مراسم عزاداری محرم را از نزدیک مشاهده کرده، در مورد تأثیر این مراسم در ایجاد شور و هیجان در میان مردم می نویسد: «این مراسم اشک‌هایی را که از اندوه واقعی سرچشمه می‌گیرد سرازیر می‌کند و پیروان غیور علی علیه السلام را که بر آن ناظر هستند، شدیداً به هیجان می‌آورد».^۲

«اظهارات فوق از این جهت حائز اهمیت است که واضعان آن، شیعه و ایرانی نیستند که بتوان به آن‌ها اتهام احساساتی و جانبدارانه زد و این حقیقت انکار ناپذیری است که مورد توجه اکثر مستشرقان و سیاحانی قرار گرفته که مسائل ایران و تشیع را به دقت دنبال می‌کردند.^۳»^۴

۱. پیشین، ص ۵۰.

۲. دروویل، گاسپار، «سفر در ایران»، منوچهر اعتماد مقدم، انتشارات شبانیز، چاپ سوم ۱۳۶۷، ص ۱۳۹، ۱۳۸.

۳. به نقل از اسپناچی، همان کتاب ص ۵۶ ج ۵۵ و یوسف جمالی، محمد کریم، «زندگانی شاه اسماعیل اول»، انتشارات محتشم کاشان، ۱۳۷۶ ص ۲۵۱.

۴. ایرانیان و عزاداری عاشورا: ۹۹.



جهانی شدن تشیع

بر اثر عزاداری و زیارت اربعین

تشیع بر اثر حقیقتی که در آن وجود دارد - با همه مخالفت‌هایی که در طول تاریخ علیه آن شده است - در جهان مطرح شده و گسترش آن جهان کفر و سیاست را به لرزه درآورده است؛ به همین جهت دشمنان در مناطق گوناگون جهان، دست به شیعه‌کشی زده، تا از گسترش عقاید شیعه در میان جهانیان بکاهند و آنان را که بر اثر تحقیق و پژوهش به حقایق تشیع پی برده‌اند - از گرویدن به این دین که سرانجام تمام جهان را در بر خواهد گرفت - دلسرد کنند.

واتیکان اعلام کرد؛

گرایش به اسلام از سایر ادیان بیشتر است

دولت واتیکان (Vatican) (در بیانیه‌ای اعلام کرد که آمار مسلمانان در جهان بیشتر از مسیحی‌ها است.

دولت واتیکان ضمن بیان اینکه تلاش دولتمردان غرب در تخریب چهره اسلام، دلیل گرایش غربی‌ها به اسلام است عنوان کرد: «در حالی که تعداد مسلمانان جهان از جمعیت مسیحیان بیشتر است تا پایان سال میلادی این اختلاف بیشتر خواهد شد.»

واتیکان همچنین اعلام کرد: «اسلام دینی است که در سراسر جهان گسترش پیدا کرده است و بر اساس آمار، ۲۲ درصد از



ساکنان جهان، مسلمان هستند، این در حالی است که مسیحیان ۲۱.۵ درصد از مردم جهان را تشکیل می‌دهند.» در این بیانیه همچنین آمده است که در سال‌های اخیر بسیاری از شهروندان غربی اعم از مسیحی و پیروان سایر ادیان با وجود سرمایه‌گذاری غربی‌ها برای جلوگیری از گسترش دین اسلام، به دین اسلام روی آورده‌اند.

لازم به ذکر است که طبق آمارهای رسمی و موثق بسیاری از مراکز آمادگی همچون مؤسسه آماری پیو آمریکا، جمعیت مسلمانان جهان بیش از دو میلیارد نفر بوده که در سال ۲۰۲۰ از مرز دو میلیارد و پانصد میلیون نفر نیز عبور خواهد کرد.^۱ از تحقیقاتی که انجام گرفته استفاده می‌شود گرایش ادیان دیگر به اسلام بیشتر به خاطر آئین تشیع است و طبق تحقیقات مؤسسه «لیوفورم» اگر جریان سقیفه رخ نمی‌داد همه مسلمانان جهان، شیعه بودند و لازمه آن این است که همه کسانی که از ادیان دیگر به آئین اسلام روی می‌آورند شیعه می‌شدند.

آماري از شیعیان جهان

«مؤسسه «لیوفورم» که در زمینه مسائل دینی و عمومی در سراسر جهان فعالیت می‌کند و بیش از ۲۲۲ دفتر در نقاط مختلف

۱. خبرگزاری فارس؛ بیستم فروردین ۱۳۹۱.



جهان دارد، در جدیدترین گزارش خود در سال ۱۳۹۳ اعلام کرد که جمعیت مسلمانان شیعه در جهان از چهارصد میلیون نفر گذشت. این مؤسسه که مقر اصلی آن در منطقه «ویستمستر» در مرکز لندن قرار دارد، در گزارش خود نوشت: «در حال حاضر، در مجموع، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مسلمان در سراسر جهان زندگی می‌کنند که چهارصد میلیون آن را شیعیان تشکیل می‌دهند.» گفتنی است این گزارش که نزدیک به ده سال روی آن کار شده، توسط صد پژوهشگر تهیه و تألیف شده است. در بخشی از این گزارش، پرفسور «جیمز کریهام» که از پژوهش‌گران سرشناس مؤسسه «لیوفورم» است، آمده است: «اگر ماجرای سقیفه رخ نمی‌داد، اکنون یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مسلمان جهان، همگی شیعه بودند».^۱

کتابخانه «واتیکان» و امام حسین علیه السلام

مؤلف کتاب «دور المنبر الحسيني عليه السلام في التوعية الاسلامية» می‌نویسد:

شیخ زهیر حسون برای من چنین نقل کرد: روزی از «کتابخانه واتیکان» دیدن می‌کردم. در قسمت ویژه کتاب‌های اسلامی، چشمم

۱. پاورقی کتاب نسل کشی سادات و مسلمانان شیعه: ۵۳.



به بیش از هزار کتاب خطّی و چاپی دربارهٔ امام حسین علیه السلام افتاد. با تعجّب از مدیر کتابخانه علّت را پرسیدم و او گفت: علمای و اتیکان دیدند که تشیع در سال‌های اخیر رو به گسترش نهاده، روز به روز بر تعداد کسانی که در دنیا به مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌گروند، افزوده می‌شود. پس به این نتیجه رسیدند که علّت این امر، مظلومیّت امام حسین علیه السلام است که شیعه آن را در مجالس سوگواری و ماتم و با به راه انداختن دسته‌های سینه زنی، زنده نگاه می‌دارد؛ پس عده‌ای از سوی و اتیکان مأمور شدند که در دنیای اسلام بگردند و هر کتاب خطّی و چاپی را دربارهٔ امام حسین علیه السلام گردآوری کنند و به و اتیکان منتقل نمایند تا ایشان نیز با استفاده از روش شیعیان در یادکرد شهادت مظلومانهٔ امام حسین علیه السلام، به بیان مظلومیّت حضرت مسیح علیه السلام که به باور آن‌ها بر دار و مظلومانه کشته شده پردازند و از این طریق، آیین مسیحیّت را گسترش دهند.^۱

یک کشیش مسیحی می‌گوید: «اگر حسین علیه السلام از آن‌ها بود، برای او در هر شهر پرچمی می‌افراشتیم و در هر روستا منبری نصب می‌کردیم و مردم را به اسم حسین به مسیحیّت می‌خواندیم.»^۲

۱. «دور المنبر الحسيني عليه السلام في التوعية الاسلامية»، (نقش منبر امام حسین علیه السلام در

بیدارگری اسلام)؛ به نقل از سایت «جام نیوز».

۲. حسین علیه السلام در اندیشهٔ مسیحیّت: ۹۲.



تمثال تمام قد از امام حسین علیه السلام در سازمان سیا!

با ورود بخش جدید ایران در سازمان سیا آنچه در نخستین نگاه جلب توجه می‌کند، پوستری بزرگ و تمام قد از (تمثال) امام حسین علیه السلام است ...

همان‌طور که میان کارشناسان و مقامات امنیتی حوزه خاورمیانه در آمریکا مشهور شده است، «خانه پرشیا» بخش جدید عملیات سازمان سیا است. این دفتر با توجه به اولویت بالای ایران برای کاخ سفید، در اواخر دوران ریاست جمهوری بوش پسر برای جمع‌آوری بیشتر و منسجم‌تر اطلاعات از ایران در حوزه‌های هسته‌ای و حوزه‌های تخصصی دیگر ایجاد شده است.

دیوید ایگناتیوس، خبرنگار «واشنگتن پست» که سال‌ها اخبار حوزه سازمان سیا را پوشش داده است، در گزارشی می‌نویسد: «با ورود بخش جدید ایران در سازمان سیا آنچه در نخستین نگاه جلب توجه می‌کند، پوستری بزرگ و تمام قد از (تمثال) امام حسین علیه السلام است.

وی در ادامه گزارش خود در «واشنگتن پست» می‌نویسد: «مقامات آمریکا در توجیه دلیل تأسیس این دفتر این‌گونه بیان کرده‌اند که تجربه تلخ شکست در عراق که به دلیل خطای محاسباتی



درباره وجود تسلیحات کشتار جمعی در این کشور رقم خورد، قائم مقام شورای امنیت ملّی آمریکا را بر آن داشت تا در تحلیل‌های صورت گرفته در این دفتر تجدید نظر جدّی کند. این شکست باعث شد توماس فینگار دستور دهد تا اطلاعات بیشتری در اختیار تحلیل‌گران قرار گیرد و آنان به جای تلاش برای گنجاندن اطلاعات در قالب‌های فکری موجود و اثبات یک مسأله، تلاش کنند اطلاعات را تحلیل کرده و توضیح دهند که این اطلاعات چه معنایی دارد؟»^۱.

نصب تمثال تمام قد امام حسین علیه السلام در سازمان سیا از این واقعیت پرده بر می‌دارد که آنان شکست خود را در عراق به خاطر امام حسین علیه السلام می‌دانند و نصب تمثال امام حسین علیه السلام در دفتر خود همانگونه که قبلاً نقل کردیم، به خاطر تحقیق درباره شخصیت امام حسین علیه السلام و علّت توجّه شگفت‌انگیز مردم به آن حضرت می‌باشد.



۳۸- امام حسین علیه السلام باب نجات امت هستند

یکی از صفات مهمّ امام حسین علیه السلام این است که آن حضرت باب نجات امت هستند. راه‌هایی وجود دارد که شیعیان آن حضرت باید با پیمودن آن‌ها خود را به امام حسین علیه السلام برسانند تا نجات یابند.

زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام دو وسیله از بهترین وسیله‌های رسیدن مردم به باب نجات که امام حسین علیه السلام هستند می‌باشند.

هر کسی می‌تواند به تنهایی با زیارت و عزاداری و سوگواری برای آن حضرت خود را به باب نجات برساند و از گرداب‌های گمراهی و دام‌های شیطانی و تسلط شیاطین نجات دهد. همان گونه که برای نجات عمومی تمامی افراد امت و همه شیعیان می‌توانند خود را به باب نجات امت برسانند و از راه زیارت و عزاداری و با وسیله‌های دیگر، نجات تمامی امت را که جز با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه محقق نمی‌شود، به دست آورند.

چون زیارت و سوگواری برای امام حسین علیه السلام از راه‌های استوار و محکم برای فراهم شدن و فرا رسیدن حکومت عدل جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشد، دشمنان به مخالفت با زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام پرداخته و به کارشکنی در این جهت



مشغول شده‌اند، و پیوسته مردم را به هر وسیله و حرب‌ای که بتوانند از آن استفاده کنند، از زیارت و عزاداری برای امام حسین علیه السلام باز می‌دارند.

همه مخالفان و دشمنان باید بدانند اگر چه با تشکیل سقیفه، حکومت عدل علوی و منصب ظاهری خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اجرا نشد؛ ولی سرانجام با نام جهانی امام حسین علیه السلام حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه آغاز می‌گردد و حکومت عدل علوی جهانی می‌شود.

اکنون عزاداری و سوگواری برای امام حسین علیه السلام در بسیاری از شهرهای جهان برپا می‌شود و زیارت‌های میلیونی آن حضرت در ایام اربعین و زمان‌های دیگر مردمان جهان را با نام امام حسین علیه السلام آشنا ساخته است.

ما باید تلاش کنیم این زیارت‌ها و عزاداری‌ها همیشه افزایش پیدا کند و هر چه بیشتر، آن‌ها را با معرفت و محبت کامل انجام دهند تا به ظهور امام زمان ارواحنا فداه متصل شود.

به این مطلب توجه کنید

بدیهی است افرادی با فرا رسیدن آن روزگار مهم مخالف هستند و کارشکنی می‌کنند. ما باید از گذشته‌ها درس بیاموزیم و از تجربه‌های گذشتگان در طول تاریخ استفاده کنیم و نگذاریم آنان که



می‌خواهند نور خدا را با تعطیل کردن عزاداری‌ها و زیارت‌ها خاموش کنند، به راه خود ادامه دهند، یقیناً که خداوند پشتیبان ما خواهد بود و ما را در این راه کمک نموده و سرانجام جهان را با نور خود روشن می‌سازد.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۱

می‌خواهند خاموش کنند نور خداوند را با دهان‌هایشان ولی خداوند تمام‌کننده نور خود است هر چند کافران کراهت دارند.

همانگونه که در زمان ائمه علیهم‌السلام با همه سختی‌ها و کارشکنی‌هایی که دشمنان علیه اقامه عزاداری می‌نمودند، این مراسم - برای مدتی - به صورت مخفیانه انجام می‌شد، دوستان اهل بیت علیهم‌السلام نیز در هر نقطه‌ای از نقاط جهان که حکومت در دست مخالفین باشد، باید به هر صورت که شده هر چند مخفیانه این مراسم را انجام دهند و سعی کنند به خاطر وسوسه و تشکیک شیاطین، آن مراسم را ترک ننموده و با توکل به خداوند آن‌ها را انجام دهند، بدیهی است که خداوند پشتیبان آنان خواهد بود.



اعتراف دشمنان به شکست نهایی خود

دشمنان به خوبی می‌دانند سرانجام یک نیروی عظیم و مقتدر آنان را به کام مرگ و نیستی می‌کشاند و هیچگونه راه فرار برای آنان باقی نمی‌گذارد و هیچگونه تاب مقاومت در برابر آن نیروی الهی ندارند و بی‌چون و چرا ستمگران جهان، خوار و ذلیل شده و به سزای کردار ننگین خود می‌رسند. اما دشمنان معتقدند که هر چند نمی‌توانند با آن قدرت عظیم به مقابله بپردازند ولی می‌توانند فرارسیدن روز انتقام را به تأخیر بیندازند. سیاستمداران جهان به آنچه گفتیم تصریح کرده‌اند.

برای روشن شدن این مطلب توجّه شما را به گفتار بعضی از سیاستمداران خارجی جلب می‌کنیم:

«به زودی قدرت بزرگ اسلام واقعی، سراسر جهان را تسخیر خواهد کرد و ما در برابر آن هیچگونه تاب مقاومت نداریم، اما می‌توانیم فرارسیدن آن روز را به تأخیر بیندازیم.»^۱

آغاز ظهور با یاد امام حسین علیه السلام

نه تنها سازمان سیا بلکه بسیاری از سیاستمداران جهان می‌دانند قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه با یاد امام حسین علیه السلام آغاز می‌شود و

۱. رک: الشباب هم انصار المهدي علیه السلام: ۱۰۵.



شعار یاوران قدرتمند آن حضرت یا ثغرات الحسین است، از آنجا که نام امام حسین علیه السلام در سراسر جهان محبوبیت ویژه دارد و بسیاری از مردمان جهان حتی - غیر شیعیان - آرزوی زیارت امام حسین علیه السلام و شرکت در پیاده روی به سوی کربلا را دارند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از آغاز ظهور، امام حسین علیه السلام را جدّ خود و خود را از نسل آن حضرت به مردم جهان معرفی می‌کند؛ زیرا مردم جهان بر اثر عزاداری‌های شیعیان و زیارت‌های میلیونی، با نام امام حسین علیه السلام آشنا هستند و می‌دانند آن حضرت در غربت و مظلومیت و تشنه شهید شده‌اند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آغاز ظهور این ندا را به سراسر جهان ابلاغ می‌کند:

«ألا يا أهل العالم اعلّموا إنّ جدّي الحسين علیه السلام قتلوه

عطشاناً...»^۱

ای اهل جهان آگاه باشید و بدانید که حسین علیه السلام جدّ مرا تشنه کشتند ...

ندای حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه ظهور در نکته‌هایی دارد که توجه شما را به چند نمونه از آن‌ها جلب می‌کنیم:

۱- خطاب آن حضرت در حالی که به خانه خدا تکیه داده‌اند: ألا

۱. الزام الناصب: ۲/ ۲۳۳.



یا اهل العالم است یعنی سخن آن حضرت با تمام مردم جهان است نه فقط با اهل مکه. بنابراین هر چند ندای آن حضرت از مکه و از کنار خانه خدا است ولی ظاهر آن این است که همه مردم در سراسر جهان آن صدا را می شنوند. همانگونه که ندای جبرائیل را قبل از ظهور تمام مردمان جهان می شنوند.

۲- نکته مهم دیگر این است که صدای آن حضرت را تمامی مردمان جهان به زبان خود می شنوند همانگونه که ندای جبرائیل را نیز در سراسر جهان همه مردم به زبان خود می شنوند و گرنه خطاب حضرت را فقط کسانی که با زبان عربی آشنا هستند درک می کنند؛ ولی همانگونه که قیام آن حضرت، یک قیام جهانی است، ندای آن بزرگوار نیز جهانی و برای همه مردم جهان است.

۳- ندای امام زمان عجل الله تعالی فرجه از کنار خانه خدا است، اما تمام مردمان جهان آن صدا را یک سان می شنوند، نه اینکه هر کس به مرکز صدا نزدیک تر است آن را بسیار بسیار بلند بشنود و سایر مردم جهان هر چه دورتر باشند ضعیف تر بشنوند.

در صداهاى عادّی هر چه انسان به مرکز صدا نزدیک تر باشد آن را بلندتر می شنود و هر چه دورتر باشد ضعیف تر می شنود تا به جایی که صدا محو می شود و کسی آن را نمی شنود. و این یک معجزه بزرگ امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است که در همان آغاز



ظهور واقع می شود؛ زیرا صدای آن بزرگوار در هیچ جای عالم محو نمی شود مردم در سراسر جهان چه دور باشند یا نزدیک صدای آن حضرت را یک سان می شنوند.

۴- نکته مهم دیگر این است که یکی از علل قیام حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه، انتقام از دشمنان دین است، و مهمترین دشمنان دین، غاصبان حق ولایت هستند، پس نه تنها باید از ستمگران موجود در عصر ظهور انتقام گرفته شود؛ بلکه کسانی که باعث ایجاد ستم و ستمگری در جهان شدند باید زنده شوند و از آنان انتقام گرفته شود. و از آنجا که افراد اصلی در شهادت امام حسین (علیه السلام) و اسارت اهل بیت آن حضرت در روز عاشورا اولی و دومی هستند، پس باید با زنده نمودن آنان از آن ها انتقام گرفته شود. برای همه کسانی که اهل تحقیق و دقت هستند می دانند، اگر جریان سقیفه پیش نمی آمد هیچگاه امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به شهادت نمی رسیدند.

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به این واقعیت تصریح کرده اند و در آن روز فرمودند قتلني فلان و فلان.

جالب توجه است که این روایت را علمای اهل تسنن نیز نقل کرده اند و به این عبارت امام حسین (علیه السلام) که «قتلني فلان و فلان» تصریح کرده اند:



خوارزمی یکی از علمای اهل سنت در کتاب مقتل الحسین علیه السلام خود چنین اعتراف می‌کند:

چون بر بدن مبارک امام حسین علیه السلام زخم‌های زیادی وارد شد ایستادند تا اندکی استراحت کنند، ضعف بر بدنشان غالب شده بود، به طوری که دیگر توان جنگ را نداشت، در این هنگام ناگاه سنگی آمد و بر پیشانیش خورد و خون جاری شد، پس پیراهنش را بالا گرفت تا خون را از پیشانیش پاک کند که ناگاه تیر تیز سه شعبه و مسمومی آمد و بر قلب حضرت نشست. امام حسین علیه السلام گفت: **بسم الله وبالله وعلی ملّة رسول الله**. آنگاه سر به آسمان بلند کرد و عرضه داشت: خدای من! تو می‌دانی که اینان کسی را می‌کشند که روی زمین فرزند پیامبری جز او نیست. امام تیر را از پشت سر بیرون آورد و خون مانند ناودان جاری شد. دستش را زیر محل زخم گرفت و چون پر از خون شد به آسمان پاشیدند. که قطره‌ای از این خون به زمین بازنگشت و پیش از آن سرخی در آسمان دیده نشده بود. دو مرتبه دست مبارک را زیر زخم گرفت و چون از خون پر شد به صورت و محاسنش مالید و فرمود: این‌گونه به خون خضاب خواهیم بود تا جدّم محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دیدار کنم و بگویم ای رسول خدا! فلانی و فلانی مرا کشتند.^۱

۱. مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی: ۳۹/۲.



با توجّه به آنچه گفتیم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با یاد و نام امام حسین (علیه السلام) آغاز می شود، و آن گاه قیام و نبرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه شروع می شود، یاوران و ارتش الهی آن حضرت شعار یا لثارات الحسین سر می دهند. بدیهی است علت این نکته که آغاز ظهور و همچنین در طول قیام آن حضرت که شعار یا لثارات الحسین (علیه السلام) بر زبان اصحاب و یاوران آن حضرت جاری می شود، آشنا بودن مردم با نام امام حسین (علیه السلام) است.

بنابراین نقش زیارت های میلیونی و عزاداری ها در قیام امام زمان ارواحنا فداه واضح شد. این نکته نیز آشکار شد که چرا ستمگران نه تنها در این زمان؛ بلکه از زمان های دور با زیارت ها و عزاداری های شیعیان به مخالفت می پرداختند و حتی دست به قتل و کشتار و شهادت شیعیان عزادار می زدند، و اکنون نیز آن را ادامه می دهند؟!

امید است هر چه زودتر روزی فرا رسد که از دشمنان و غاصبان حق ولایت، انتقام گرفته شود. آنان که باعث شدند در روز عاشورا خون امام حسین (علیه السلام) که ثار الله است به زمین بریزد و خون پاک و مطهر امام حسین (علیه السلام) از حنجر بریده شده آن بزرگوار به زمین بریزد. و همچنین از کسانی که سبب شدند خون از چشمان پاک امام زمان عجل الله تعالی فرجه جاری شود، انتقام گرفته شود.



به فرمایش آن حضرت اگر اشک چشمم خشک شود؛
لَا نَدْبَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمْعِ دَمًا؛^۱

امام زمان عجل الله تعالی فرجه با تأکید فراوان (لام و نون تأکید لاندبن) می‌فرمایند به جای اشک ریختن بر تو خون گریه می‌کنم. هر چند ما نمی‌توانیم برای امام حسین علیه السلام خون بگرییم؛ ولی ممکن است صبح و شام برای آن حضرت گریه کنیم و امام زمان صلوات الله علیه را اسوه خود قرار داده و با آن حضرت همدردی کنیم و سپس برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا کنیم. این یک راه بسیار مهم و مؤثر برای تقرّب به امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد.

«در کتاب «نورالعین» می‌گوید: سکینه دختر امام حسین علیه السلام می‌فرماید: در خیمه خویش بودم. بانگ گریه شنیدم. نخواستم از زنان کسی آگاه شود. برخاستم و به نزد پدر آمدم. او را گریان دیدم که به اصحاب می‌فرمود:

يَا قَوْمِ اَعْلَمُوا خَرَجْتُمْ مَعِيَ بَعْلَمَكُمْ اَنْتِي اَقْدَمُ عَلَى قَوْمٍ
بَايَعُونَا بِالْاَسْنَتِهِمْ وَقُلُوبِهِمْ وَقَدْ اَنْعَكَسَ الْعِلْمُ -
وَاسْتَحَوْذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ وَاَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ. وَالْآنَ لَمْ
يَكُنْ لَهُمْ مَقْصِدٌ اِلَّا قَتْلِي وَقَتْلَ مَنْ يَجَاهِدُ بَيْنَ يَدَيَّ
وَسَبِي حَرِيمِي بَعْدَ سَلْبِهِمْ وَاَخْشِي اَنْكُمْ مَا تَعْلَمُونَ اَوْ

۱. صحیفه مهدیه، زیارت ناحیه مقدّسه: ۵۸۰.



تعلمون وتستحيون. والخدع عندنا أهل البيت محرّم،
فمن كره منكم ذلك فلينصرف، فالليل ستير والسبيل
غير خطير والوقت ليس بهجير ومن آسانا بنفسه كان
معنا في الجنان نجياً من غضب الرحمن. وقد قال
جدّي رسول الله صلّى الله عليه وآله: ولدي حسين
يقتل بطف كربلاء غريباً وحيداً عطشاً، فمن نصره
فقد نصرني ونصر ولده القائم ولو نصرنا بلسانه فهو
في حزننا يوم القيامة.

فرمود: «ای جماعت! گاهی که با من بیرون شدید، چنان
دانستید که به میان قومی می‌روم که با دل و زبان با من بیعت
کرده‌اند. آن اندیشه دگرگون شد. شیطان ایشان را بفریفت تا
خدای را فراموش کردند و اکنون همت ایشان مقصور است بر
قتل من و قتل آنان که در راه من جهاد کنند و حریم مرا از پس
غارت اسیر کنند و من بیمناکم که شما پایان این امر را ندانید و
اگر دانید از اظهار آن آزرده دارید. همانا خدعه و مکر در نزد ما
اهل بیت حرام است. پس هرکس از این سفر کراهتی دارد،
برگردد. شب تاریک است و راه روشن و وقت شایسته و آن
کس که با ما به بذل جان تاسی جوید، با ما در بهشت خدا
خواهد بود. و بدانید که جدّ من رسول خدا فرمود: فرزندان من
حسین در طف كربلا غریب و تنها و تشنه کشته می‌شود
و کسی که او را یاری کند، مرا یاری کرده است و یاری
کرده فرزندان او قائم آل محمد را و آن کس که به زبان ما را



نصرت کند، در قیامت از حزب ما شمرده شود.^۱

بر اساس استفاده از روایتی که نقل کردیم، نه تنها شهادت امام حسین (علیه السلام)، و آشنایی مردم جهان با نام آن حضرت، بلکه شهادت یاران امام حسین (علیه السلام) نیز پشتوانه بسیار محکمی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد.

شهادت امام حسین (علیه السلام)، نه تنها سبب بقاء دین گردیده؛ بلکه عامل مهم در فراگیر شدن دین در سراسر جهان به وسیله قیام حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد. به همین جهت در شب عاشورا امام حسین (علیه السلام) به اصحاب و یارانشان فرمودند که رسول خدا ﷺ فرموده اند:

«فرزندم حسین در سرزمین کربلا غریب و تنها و تشنه، کشته می شود و کسی که او را یاری کند مرا یاری کرده و فرزند او قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه) را یاری کرده است.»

فرمایش رسول خدا ﷺ گواه بر آن است که یاری نمودن امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، هم باعث یاری رسول خدا ﷺ و هم یاری امام حسین (علیه السلام) و هم سبب نصرت و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد.

۱. موسوعة الامام الحسين (علیه السلام): ۳/ ۱۰۱، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (علیه السلام): ۳/ ۱۰۳، ریاحین الشریعة: ۳/ ۲۷۱.



از آن جا که دشمنان دین مهمترین عامل پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را نام و یاد امام حسین علیه السلام و زیارت و عزاداری برای آن حضرت می دانند، به مخالفت با آن پرداخته و تا می توانند از انجام زیارت و عزاداری ممانعت می کنند. این واقعیتهایی است که برخی از سیاستمداران جهان به آن اعتراف کرده اند.

بنابراین بر همه شیعیان جهان لازم است همانگونه که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پیام داده اند، برای شهادت و غربت آن حضرت، نوحه سرایی و عزاداری کنند.

ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که پس از نمازها، عزاداری ها، زیارت ها و ... برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کنیم، و از خداوند بخواهیم که با عافیت و تسلیم و رضا، ظهور آن بزرگوار را درک نموده و در صف یاران و اصحاب حضرتش باشیم.

توجه به یک نکته حیاتی یا راز پیام امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به شیعیان

در این کتاب در بخش عظمت عزاداری گفتیم: امام حسین علیه السلام در سخت ترین شرایط و در آخرین لحظه های عمر به شیعیان خود



سلام رساندند و پیام دادند^۱ که برای غربت امام حسین علیه السلام ندبه و نوحه سرایی کنند و برای شهادت حضرتش گریه کنند.

این پیام دلیل بر آنست که ادامه راه شهادت امام حسین علیه السلام همراه نوحه سرایی و گریه است. نوحه سرایی و گریه‌ای که از سویدای دل باشد و از معرفت و محبت شدید برخوردار باشد. شیعیان با سوگواری و اشک ریختن برای امام حسین علیه السلام راه آن حضرت را ادامه می‌دهند تا شهادت آن حضرت به دست فراموشی سپرده نشود و انتقام از دشمنان و ستمگرانی که حضرت را به شهادت رساندند گرفته شود.

اکنون دشمنان دین می‌دانند این عزاداری‌ها و این زیارت‌های میلیونی در روز اربعین و غیر آن اگر همچنان ادامه پیدا کند شیعیان با اتحاد در عزاداری در سراسر جهان و زیارت‌های میلیونی در عاشورا و غیر آن، جهان را متوجه خود نموده است و سرانجام همه آزادمردان در سراسر دنیا طرف دار قیام شخصیتی خواهند شد که از دشمنان به خاطر خون بناحق ریخته امام حسین علیه السلام و یاران آن بزرگوار انتقام بگیرد. و کسانی را که راه دشمنان امام حسین علیه السلام را ادامه می‌دهند، نابود سازد.

به این جهت مخالفان شیعه به مخالفت با عزاداری‌های میلیونی



پرداخته و مصمم هستند عزاداری‌ها را در سراسر جهان ریشه کن کنند.

دشمنان می‌خواهند نه تنها شیعیان از زیارت‌ها و عزاداری‌ها دست بردارند؛ بلکه نام امام حسین علیه السلام به دست فراموشی سپرده شود؛ ولی آنان همه چیز را از بُعد مادی می‌نگرند و از همین بُعد ماده‌گرایی، اقدام می‌کنند، هر چند می‌دانند قدرت‌های مادی در برابر نیروهای عظیم ولایی و مافوق‌الطبیعه بسیار ناچیز است. متأسفانه آن‌ها به جای اینکه از قدرت‌های شیطانی دست برداشته و به قدرت‌های الهی روی آورند به مقابله با آن پرداخته و سرانجام خود و بسیاری از مردم جهان را به هلاکت و نابودی می‌کشانند. خوانندگان محترم درباره آن چه از سیاستمداران خارجی، سازمان سیا، واتیکان و شخصیت‌های مهم ضد شیعی نقل کردیم، دقت کنید.

آن‌ها کاملاً متوجه شده‌اند زیارت‌ها و بالاخص عزاداری امام حسین علیه السلام سبب گرایش جهانیان به آئین شیعه شده است؛ و از راه‌های مهم آمادگی مردم جهان برای پذیرش ظهور مصلح جهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد، که پایان بخش حکومت ستمگرانۀ همه ستمگران جهان است. این حقیقتی است سیاستمداران بزرگ جهان سخت از آن در هراس و وحشت هستند و به همین جهت تا می‌توانند برای از میان برداشتن عزاداری‌ها نقشه



می‌کشند.

عظمت زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام

نابودی شیعیان مهم‌ترین آرزوی آنانست. برای این‌که درباره آن‌چه گفتیم تردیدی نداشته باشید، باز هم گفته‌های دشمنان دین را که در این بخش نقل کردیم، بخوانید و در آن دقت کنید.

با توجه به آن‌چه گفتیم راز سلام و پیام امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، که در آخرین لحظات زندگی و در سخت‌ترین شرایط فرموده‌اند، روشن می‌شود. و واضح می‌شود که چرا امام حسین علیه السلام در آن لحظه‌های حسّاس به شیعیان دستور داده‌اند که برای آن حضرت نوحه‌سرایی و گریه کنند. هر چه نوحه‌سرایی‌ها، گریه‌ها و عزاداری‌ها با معرفت بیشتر، کامل‌تر و با جمعیت‌های زیادتر انجام شود، در شکست دشمنان انسی و جنّی مؤثرتر است.

بدیهی است اگر شیعیان از زمان‌های گذشته به گونه‌ای عزاداری می‌کردند که سراسر جهان را متوجّه می‌کردند، گرایش جهانیان به آیین تشیع زودتر عملی می‌شد. بنابراین تا می‌توانیم باید زیارت‌ها و عزاداری‌ها را افزایش دهیم.

خواننده گرامی، شما یکی از کسانی هستید که امام حسین علیه السلام برای شما سلام و پیام فرستاده‌اند هر چه قدر به این سلام و پیام اهمیت دهید، و به آن عمل کنید، دنیا و آخرت خود را بیشتر متحوّل می‌کنید.

